

انعکاس انقلاب اسلامی ایران در جهان
بدر طالقانی، قامت بلند رهائی
شریعی، معلم شهید انقلاب
حمایت همه جانبه از دانشجویان بیرو
خط امام، بنانه ۱۹ بهمن ۱۳۵۸

است

فَلَا تَحْسَبَنَّ الْكُفْرَانَ كَحَسْبِ الْإِسْلَامِ إِنَّ الْكُفْرَانَ يَصْلِي الْأُصْحَابَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَأُولَئِكَ هُمُ السَّعِيدُونَ

ویژه نامه سالگرد انقلاب
۱۶ صفحه

سالگرد انقلاب خونبار
اسلامی ایران را به
مستضعفان و امام امت
تبریک می گوئیم

۲۲ بهمن، اوج انقلاب قهرآمیز خلق و توطئه سازشکاران



شهیدان زنده اند، الله اکبر
بخون آغشته اند، الله اکبر

خاطره این روز بزرگ برای همیشه در دل ملت ما و فرزندان خلق و نسلهای پیشمار میگذرد. بعد از این روز زمین خواهد زلزلید، جاوداند باقی خواهد ماند. روزی که سرانجام اراده خلق بیا خاستد، آهن و پولاد را نرم کرده فریاد ستمیگان بر هبای هوی حرکت تا کجا و صغیر کلولها فائق آمد، و آوای اللهاکبر محرومان، صدای خفاشان درخیم صفت و

مردم، این نیروی خدائی بر زمین چنانکه سنت الهی در تاریخ ایجاب میکند، در برابر گردنکشان و نیروهای شیطانی تسلیم نگردیدند و چون آب راه خود را باز کردند

آدمکش را خفه ساخت، روزی که فرزندان دلیر خلق در نیروی هوایی و ارتش بیاری انقلاب قیام کردند و راه بر آخرین حرکت مذبحخانه و رشکستان رژیم بستند و توطئه آنانرا به پیروزی خلق و شکست امپریالیسم تبدیل ساختند.
در آنروز ما شاهد اوج گیری خشم و نفرت روزافزون مردم نسبت به رژیم سفاکی بودیم که عامل صدمه بدبختی های پشاه



آغاز حرکت...

جنبش مسلمانان مبارز قطره ای در میان سیل خروشان خلق

مواضع جنبش مسلمانان مبارز در سرنوشت سازترین مراحل انقلاب اسلامی ایران

صباحی بیشتر بحیات سراسر خیانت پیشه خود ادامه دهد، دست به تلاش مدبوحانه و اقدامات رسوا شده ای میزند و با تعبیر کابینه و تظاهر به افتتاح باب انتقاد و گفت و شنود میگوید تا خشم مردم را فرونشاند و سرگرمی تازه ای برای انحراف جنبش انقلابی توده ها دست و پا کند. غافل از آنکه خلق مسلمان ایران راه فاطمه و انقلابی خود را که به محو و نابودی این رژیم منجر خواهد شد دیری است انتخاب کرده و فرزندان دلیر جان برکف خلق با ایمان کامل به حقانیت و درستی این راه و پیروزی نهایی به جهاد مقدس خود همچنان ادامه می دهند. و محور سیاست ایران همانند گذشته بر پایه حکومت مطلقه استبدادی

مواضع "جنبش مسلمانان مبارز" در سرنوشت سازترین مراحل انقلاب اسلامی ایران اولین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران فشرده ای از مجموعه مواضعی که در حساسترین و سرنوشت سازترین مراحل انقلاب اسلامی ایران داشته است، ارائه نموده و آرزو داریم که همیشه و همه جا همچون قطره ای در میان امواج سیل خروشان خلق به وظایف و مسئولیتها و تعهدات خود عمل نماید - یادآور می شود که بیانه ها و اعلام مواضع جنبش مسلمانان مبارز در مجموعه ای بنام "اسناد و مدارک جنبش مسلمانان مبارز ۵۷ - ۱۳۵۶" چاپ و منتشر شده است.

سیر انقلاب در پیامهای امام

بعد از پیروزی کارتر نامزد حزب دمکرات در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، بنا بر سیاست دیرینه حزب دمکرات و نیز بخاطر شکست های بی دردی و مفتضحانه امپریالیسم در صحنه جهانی برای معطل کردن وضع رژیم های دست نشانده و تثبیت موقعیت آنان ناگهان شعار عوامفریبانه "حقوق بشر" و "دفاع از عدالت و انسانیت" را سر میدهد. تا با دادن یک سری "آزادی" های محدود و حساب شده غلبان انقلابی توده ها را خوابانده و از طرفی فرصت نفس کشیدن و به بیرون خریدن به نیروهای وایس گرا و رفرمیست ها داده تا بادم زدن از آزادی و دمکراسی. جنبش انقلابی توده های مردمی را در جهت تثبیت موقعیت منززل رژیم و حفظ منافع بنیاد آمریکا از غلبان بیندازند.

مهاجرت ایندولوژیک (۳۱) دکتر حبیباله بیان

تضاد بین امسال از بخشش مازاد و نیازهای جامعه

اسلام جلوی هر نوع استفاده که منجر به استعمار شود، بشدت میگیرد.

می پرسند، اگر آنان که اضافه درآمد و تولید دارند - مازاد بر احتیاج دارند حاضر به دادن آن به نیازمندان نبودند - تکلیف چیست، و وقتی زور و اجبار در کار نباشد - و تنها به تقوا و ایمان افراد اتکا شود - کسانی که فاقد ایمان و تقوی هستند - و اتفاقاً بیش از آنان هستند که اضافه درآمد کلان دارند - مازاد را ذخیره می کنند، جامعه را محروم می گذارند، در اینصورت اختلاف در ثروت، حتی اختلاف طبقاتی بوجود می آید و جامعه از تساوی و اشتراک و مساوات دور می شود.
اسلام را جز با آگاهی از همه ابعاد آن نمی توان شناخت. یکی از علل شایع در قضاوت های پرت و ناصحیح در باره اسلام یک بعدی نگریستن بدان است.
ایدئولوژی اسلامی مجموعه ای تجزیه - ناپذیر است - اجزای یک اصل یا قانون - بدون رعایت و اجرای بقیه اصول سودی در بر ندارد که اغلب گمراه کننده و زیان بخش است - مثلاً "شیدام ایراد می گیرند به قانون قطع دست سارق - ایگونه افراد شرایط جامعه خود را در نظر می گیرند که بسیاری از محرومان از روی احتیاج و اضطرار دست به دزدی می زنند و زندانها را می بینند که از آفتاب دزدان پر است - لذا بنظرشان ظالمانه می رسد که دست این اشخاص محروم بخاطر دزدی برای رفع احتیاج، سیر کردن شکم خود یا زن و فرزند قطع شود. آری اگر چنین بود حکم اسلام، حکمی ظالمانه می بود. اما این حکم را در جامعه توحیدی باید در نظر گرفت. جامعه ای که در آن همه در رفح نیازمندیهای یکدیگر سهیم و شریک اند. در جامعه ای که کسی اضافه بر احتیاج نگاه نمی دارد، کسی را استثمار نمی کند، نعمتها را بخود اختصاص نمی دهد، ذخیره و کنز نمی کند، اسراف نمی نماید، در جامعه ای که به نیازمندان حق داده شده بخانه برادر دینی اش برود و بی حضور او هر چه احتیاج داشت بردارد، حتی دست

در جیبهای برادرش بکند و بقدر احتیاج پول بردارد - در جامعه ای که هیچکس حق خویش و برادر دینی خود بی اعتنا باشد، غذا بخورد در حالیکه دیگری گرسنه و بی غذا باشد، در جامعه توحیدی که حکومت وظیفه دارد نیازمندی همه کسانی که درآمد کمتری از احتیاج دارند و یا قادر به کار کردن نیستند، از بیت المال در سطح مطلوب و آبرومند تامین کند، کمترین ضرورتی برای دزدی و تجاوز به اموال جامعه باقی نمی ماند. تحت این شرایط فقط کسانی دست به دزدی می زنند که تجاوزکار، غاصب، انگل و شخصیتی فاسد و بیمار دارند. در حقیقت مقصد، حکم مزبور در چنین جامعه ای معنا پیدا می کند. بگذریم که شرع با این وجود موقع اجرای حکم رعایت شروط و احتیاطهای بسیاری را واجب دانسته است.

تقویم انقلاب در آئینه زمان (۱۹ دیماه ۱۳۵۶ - ۲۲ بهمن ۱۳۵۸)

آنجکه که بنام "تقویم انقلاب" در زیر می آید نگرشی است کوتاه و مجمل از مبارزات و پیروزی توده های مبارز و مسلمانان از ۱۹ دیماه ۵۶ تا ۲۲ بهمن ۵۸.
ذکر این نکته ضروری است که نقطه شروع این تقویم یعنی ۱۹ دیماه ۵۶، نقی مبارزات و دستاوردهای گذشته نیست که اساساً این پیروزی بدست آمده، زنجیر پیوسته ای است

۲۲ بهمن، اوج انقلاب...

بقیه از صفحه ۱

با طرح شمار مبارزه علیه آمریکا و شاه دست نشانده آن، شکسته شد، شمار اصلاحات ارضی آری - دیکتاتوری نه، که از طرف سیاستمداران لیبرال مطرح شد، گارابی نداشت و چون دیکتاتوری و سلطه امپریالیسم آمریکا تحکیم گردید و راه بر مبارزات سیاسی و قانونی کلکی مسدود شد، ایندسته از مخالفان دیکتاتوری - لیبرالها - خامه - نشین شدند و سیاست صبر و انتظار پیش گرفتند - ظاهراً "اوضاع کاملاً به نفع رژیم تحول می یافت شاه خود را پیروز می دید و چنین وانمود می کرد که مخالفان - یعنی خلق را از هر لحاظ بد بن بست گذاشته است لکن!

مردم این نیروی خدایی بر زمین چنانکه سنت الهی در تاریخ ایجاب می کند در برابر گردنکنان و نیروهای شیطانی تسلیم نگردید و چون آب راه خود را باز کرد و سنگهای در ساخت بظاهر نفوذ - ناپدید رژیم باز کرد و براه افتاد تا در آیدهای نه چندان دور به سیل خروشان او بمان کنی تبدیل شود. فرزندان آگاه و مبارز خلق راه قیام و عمل مسلحانه را در برابر حاکمیت دیکتاتوری و اختناق موجود پیش گرفتند. وقتی حمایت را خاموش می کنند، فریاد را از لوله تفنگت بگوش خلق برسان.

شاه گفته بود، دشمنان من مخالف اصلاحات ارضی، برابری زن و مرد و سایر برنامه های مترقی هستند، آنان مرتجعین هستند که با ترقی کشور خصومت دارند.

امام خمینی با طرح مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا، شاه را رسوا و خلع سلاح می کند و منطق پیوسته و نیرنگ وی را این چنین پاسخ می گوید که تو مزدور و نوکر آمریکا هستی و اصلاحات تو در خدمت منافع آمریکاست. ایان راه ضربت خلق را مسدود و تبلیغات رژیم را خنثی و استراتژی اساسی مبارزه مردم را تعیین می کند، مبارزه علیه سلطه "شوم امپریالیسم آمریکا و پایگاه سیاسی آن: رژیم سلطنتی شاه.

جوانان مبارز و مسلمان و متفکران متعدد بعد از قیام ۱۵ خرداد با تلاش بیشتر به شکافتن و شناختن اراده اسلام به عنوان یک مکتب، یکایدئولوژی و یک جهان بینی پرداخته - اسلام دگر بار راهنمای عمل شد - چراغ راه آزادی و پیکار و انقلاب شد. تشیع سرخ و اسلام محمدی از ابودر دوباره زنده می شد و توده مسلمان از خواب تخریبی بیدار می گشت. مفاهیم و سیمبها، پوسته دروغینش بدور می ریختند و حقیقت را نشان می دادند. خلق به خوبشن آسانی - اسلامی خود بازمی گشت، بعثت، رسالت، امامت، شهادت، عاشورا، صبر، تقوی، تقیه و... معانی اصلی خویش را باز یافتند و نزد خلق تجسم عینی می یافتند. سیمای راستین محمد، علی، ابوز، سلمان، مقداد، حسین و... از پس ابرهای تیره مسخ و تحریف، خارج می شدند. خدا، توحید، مفهوم واقعی خویش را کم کم بدست می آوردند و دین و اعتقاد مذهبی که قرنها با زندگی بیگانه شده بود، مجدداً در هم ادغام و وحدت می یابند. زندگی از اعتقاد جدا نیست، زندگی همان عقیده است و زندگی کردن، مبارزه و جهاد در راه عقیده.

اینان اسلحه، امامت، مکتب چون شمشیر سده می، پرده جهل، سکوت و خفقان را پاره کرد. خلق تولدی دوباره یافت، حماسه ها آغازید، خط سرخ شهادت رنگ گرفت و زمین زیر پای دشمن لرزید و...

سرانجام جریان باریک خونی که با خون هابیل در بستر تاریخ انسانیت آغاز شد و با خون شهدای بدر و احد و کربلا و بر سرزمینها و همه اعصار روز بروز وسعت و عمق بیشتری پیدا می کرد، به سرزمین و زمان ما رسید و مبارزان پاک و با ایمان ما در آن غول شهادت کردند و با خون خویش پیوند برادری و وحدت با آن بستند. آری ما هم در خط تکاملی تاریخ قرار گرفتیم و همان خط و راه، ما را به پیروزی رساند. اما این رودخانه را توقفی نیست، که بعثت پدیدهای مستمر و جاودانه است و این سوال در برابر ما که آیا توان ادامه حرکت و شاعوری در رودخانه تکامل بسوی دریای آزادی و رستگاری داریم؟ و یا در نیمه راه از مسیر اصلی منحرف شده به مرداب عفن و ساکت و آرام یک نظام می افتیم و بسکوت و امتیت و غذای آلوده بان بسنده می کنیم؟ انتخاب ما است، ادامه حرکت، ادامه راه انقلاب و رفتن به سوی توحید یا ماندن و اسیر شدن در یک نظام غیر توحیدی.

انتخابات و جنبه بندی نیروها: با نزدیک شدن تاریخ شروع انتخابات

مجلس شورایی، آرایش نیروها تدریجاً مشخص می شود. جریانات اصیل و تیراصیل و طیف های هر یک از دو جبهه خلق و ضد خلق به تکاپو می افتند.

در این میان تلاش جبهه آسپ دیده، ارتجاع و لیبرالیسم از همه تماشایی تر است. آغاز مجدد مبارزه ضد امپریالیسم یا به تعبیر امام خمینی انقلاب تازه که با اشغال لانه جاسوسی آمریکا و افشای اسناد آن به اوج رسید، ضربه سختی بر پیگر بظاهر آراسته و ریاکارانه لیبرالیسم وارد ساخت - و در همانحال خطر سهمگینی که در گمین انقلاب و خلق نهفته بود، بر مردم آشکار گردید. این ضربه نمی توانست

شما مخالف آن هستید که مردم از حقایق مطلع شوند!

تنها به جناح دولتی لیبرال محدود ماند - همه جریانات وابسته بدان دیر یا زود زیر تاثیر این ضربه قرار گرفتند پندهای تزویر گذار رفت و درگیری و ابتلاء ماهیت عناصر و نیروهای مختلف را برملا ساخت. خلق فرصت یافت تا انقلابی را از انقلابی بنا جدا کند و پیرو خط امام را از خمینی نماها مشخص دهد.

اقدام انقلابی دانشجویان پیرو خط امام بسیار ارزشمند بود - زیرا خط حرکت آمریکا را از خط اصیل انقلاب و امام تفکیک کرد و نشان داد که آمریکا با چه پیچیدگی برای تسلط بر انقلاب و منحرف کردن مسیر آن به لیبرالها و متحدین آنان چشم امید دوخته است.

اما لیبرالیسم قویتر و ریشه دارتر از آن بود که با همان یکی دو ضربه از پای در آید. اکنون لجوجانه و سرسختانه مقاومت می کند و بعد از آنکه جناح افشا شده لیبرالیسم در انتخابات ریاست جمهوری شکست خورد، برای اشغال کرسیهای مجلس سخت به تکاپو افتادند و ضمن نزاع غیر اصولی که با جناحهای دیگر لیبرال و مرتجعین داشتند کنار گذاشته در یک اتحاد نامقدس صفوف خود را فترده ساخته اند.

اشکالاتی که در نحوه افشاکاری اسناد پیش آمد و فشار روزافزون محافل لیبرال مرتجع برای جلوگیری از ادامه افشاکاری - و ضعف و نارسایی در روشهای افشای اسناد فرصت تازه ای به لیبرالیسم داده است تا ضمن یک حمله سخت مقابل آبروی رفته را باز آورد و مواضع متزلزل را مستحکم کند، با تلاش همه جانبه ای فہرستهای از نامزدهای انتخاباتی پیش ساخته اند و در همه جا به تبلیغ و ایجاد زمین در میان مردم مشغولند.

افشاکاریهای جدید - می توانست شانس موفقیت آنانرا بکلی از بین ببرد، به همین جهت با عکس العمل بسیار سخت و تند آنان روبرو شده است - دانشجویان پیرو خط امام از همه طرف مورد حمله قرار گرفتند - و شورای انقلاب با استفاده از جوئیلیاتی که علیهاشان بوجود آمده بود - تصمیمی را که تا آرزو نتوانسته بود اجرا کند - اعلام و رای بر ممنوعیت افشاکاری از رادیو، تلویزیون صادر نمود.

براستی این دانشجویان گناهکارند

همه جناحهای مختلف لیبرالیسم به این جوانان تاختند و آنانرا مورد حمله قرار دادند. راستی خطای این جوانان چیست آیا نباید اسنادی که نشانگر نحوه کار آمریکا در ایران و توطنکها و تلاشهای آن علیه انقلاب ایران است، فاش شود؟ قضیه از چند حالت خارج نیست، معترضین یا منکر اصالت اسنادند که در اینصورت می توانند ناپندگانی و حتی شخصاً به سفارت بروند و اسناد را از نزدیک بازرسی کنند و یا اسناد در اختیار دادگاه انقلاب گذاشته شود یا در حضور کارشناسان فن، اصالت آنان تعیین شود بی آنکه نامحزبی و مانعیتی از افشای آن بعمل آید. یا معتقدند اسناد اصالت دارند لکن نباید به اطلاع عامه برسند بلکه در اختیار شورای انقلاب و ارگانهای نظیر آن گذاشته شود. در این صورت سوال می کنم چه مرجعی زودتر از ملت ایران باید از این اسناد و ماهیت امپریالیسم آمریکا و جریانات وابسته بدان مطلع شود - شما منکر تاثیر فوق العاده این افشاکاری در ارتقاء آگاهی توده هستید. آگاهی نسبت به ماهیت امپریالیسم آمریکا و عملکرد آن - شما مخالف آن هستید که مردم از حقایق مطلع شوند - از ماهیت و کرسیهای پارلمان را اشغال کند - آگاهی باینست. معتقدید که مردم باید شناخته و کورگورانه فریب بخورند و تسلیم جریاناتی

شد که اگر از ماهیت آنان مطلع می شدند دست رد بر سینه شان می زدند.

آیا جنایت بزرگتر از این به ملت و انقلاب ممکن است که آنانرا از حساسترین اطلاعات سرنوشت ساز محروم کنیم؟ پس افشای آن بنحوی که همه آحاد مردم مطلع شوند ضرورتی اساسی است و به همین دلیل امام خمینی هم همصدا با خواست خلق با این کار روی موافق نشان دادند. اگر ملاک شما خواست و رای مردم است، مگر تا کنون به کرات و در سراسر ایران میلیونها مردم مصراحت خواستار ادامه افشاکاری نبودند، مگر میلیونها مردم بدفعات عمل دانشجویان را تأیید نکردند، با کدام مجوز و از جانب کدام ملت و به استاد کدام رای جلوی افشاکاری اسناد را می گیرید؟

اگر بدنبال افشا، اعتراض دارید، این حرفی است که می شود بنحو منطقی بیان رسیدگی و اصلاح نمود. ما هم قبول داریم که شیوه های بهتری برای افشا وجود دارد و نیز معتقدیم که به جریانات و عناصری که در معرض اتهام اند، اجازه داده شود از خود دفاع کنند به هر نحو که می خواهند، ولی حق ندارید جلوی ادامه افشاکاری را بگیرید.

و نیز درست است که در شرایط عادی کسی را بدون رای کافی و دادگاه نباید توقیف کرد. اما در یک شرایط انقلابی که مجرمین و جنایتکارانی چون بختیار به آسانی فرار می کنند و مقدم مراعاتی ها از چنگ دادگاه رها می شوند، باید تمهیدی پیش بینی کرد که اگر گناهکاری وجود دارد همانند آنان یا به فرار نگذارند.

خط امام خمینی خطانگه به توده ها - ست، و اصالت دادن به انقلاب و اراده برحق خلق است، زحما و ارگانی که در بازده ما گذشته و پیش از آن عملاً سد راه حرکت انقلابی خلق و دشمن با خط امام بوده اند.

چه دردناک است مشاهده این وضع که لیبرالهای سازشکار بخود اجازه می دهند فرزندان انقلابی و مؤمن و وفادار خلق را این چنین زیر اتهام و فشار قرار دهند. عکس العمل سخت محافل لیبرالی نسبت به افشاکاری دانشجویان بسیار طبیعی است زیرا گناهکار وقتی در بن بست قرار گرفت مذبحونه به حمله سخت و منقابلی دست می زند ولی به اعتقاد ما خلق بیدارتر از آنند که فریب این همه تزویر و دروغ - پرداززی و نوحه سرایی را بخورند.

خلق بیدار ما می داند که بزرگترین دشمن و اصلی ترین پایگاه امپریالیسم و خطرناکترین تهدید نسبت به انقلاب، لیبرالیسم سازشکار است.

خشم و عصبانیت لیبرالها دلیل دیگری بر صحت اسناد و درستی کار دانشجویان است. - خلق حامل و پشتیبان فرزندان خویش است و امام هم - اگر همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیسم یکصدا هم میرو و توان و قدرت تبلیغاتی خود را متوجه این خطر عمده نشانند جای بسی شگفتی است، اگر بجای افشای ماهیت این جریان خطرناک و زخم خورده، اگر بجای مبارزه جدی و علنی و همه جانبه با آن به مسائل دیگر بپردازند، از مسئولیت تاریخی خود در برابر خلق شانه خالی کرده اند.

هیچ وظیفه ای اساسی تر از مقابله جدی با این جریان سازشکار و وابسته نیست - پرداختن به مسائل فرعی و عمده کردن تضادهای غیراصلی انحراف از مسیر و خط مشی اصلی مبارزه است.

نیروهای انقلابی باید توضیح دهند که کدام جریان در حال حاضر برای انقلاب و مبارزه ضد امپریالیسم خطرناکتر از اتحاد لیبرالیسم و ارتجاع حاکم است. لیبرالیسم در هر چهره و شعار باید رسوا و افشا شود. افشاکاری اسنادی که بیانگر نحوه عمل امپریالیسم است ضرورتی است که باید مورد حمایت همه انقلابیون قرار گیرد.

اکنون همه عناصر و نیروهای که خواهان ادامه افشاکاری بودند باید حمایت همه جانبه خود را از دانشجویان اعلام کنند و از آنان در برابر حملات سخت لیبرالیسم دفاع نمایند، بی دلیل نیست که سخنگویان رسمی و غیررسمی محافل امپریالیسم در آمریکا و اروپا بلافاصله با شادی از مخالفت مقامات با افشاکاری دانشجویان داد سخن دادند، آیا فراغوش می کنند که گروگان گیری جاسوسان و افشای اسناد سفارت آمریکا و سیا بزرگترین ضربه را بر پیگر آمریکا وارد ساخت و جهش و تحرک بی سابقه ای به مبارزه خلقهای تحت ستم و جنبشهای آزادبخش داد؟ آیا صف خلق را از منافقان جدا نکرد - خط آمریکا را از خط انقلاب تفکیک نکرد؟ پس چرا با این افشاکاری مخالفت می کنید؟ چرا؟

لیبرالها برای طبیعی جلوه دادن عملکرد ضد انقلابی خود در آستانه پیروزی انقلاب خونبار توده های بیخاسته برهبری امام خمینی بهر گاری تن درمی دهند، لیبرالها برای بازگشت مجدد به صحنه حاضرند شهادت بیش از ۶۰ هزار رزمنده و مسلمان و یکصد هزار زخمی انقلاب را، نقش



جز این نمی توانستند که پیروزی انقلاب را تنها در جلب حمایت سولیوان سرکرده جنایتکاران آمریکایی در ایران بدانند. آمریکا از لیبرالهای خائنی خواسته بود که آرامش را بهر قیمتی شده حفظ کنند تا نفت این خون جاری گرسنگان آمریکا و اروپا ادامه یابد، تا آمریکا توطنهای خود را بدست هایز و سولیوان طرحریزی و پیاده نماید، تا تصمیات گنفرانس گوادلوپ عملی تود و ۲ - اینکه لیبرالیسم سرگردگی و رهبری و هدایت تمام نیروهای بیخاسته را بدست گیرد، تا نقش امام خمینی و امت را بحداقل ممکن رسانند، تا رهبری انقلاب بدست نیروهای اصیل پیرو خط امام نیفتد، تا مقدم مراعاتی ها و امیرانتظام ها و هیالگی هایشان در راه انقلاب قرار گیرند، تا به توده ها و همه پیروان خط امام و انقلاب هندا، می دهیم که توطنهای خائنه لیبرالیسم را بحامیت ارتجاع ادامه دارد، خلق مسلمان و انقلابی ما باید بی هوش باشد و صفوف فترده خود را

اشغال لانه جاسوسی آمریکا و افشای اسناد آن با وج رسید و ضربه سختی بر پیگر بظاهر آراسته و ریاکارانه لیبرالیسم وارد ساخت

تنها و تنها در پشت سر امام خمینی، در پشت سر خط "آمریکا شیطان بزرگ است"، "تمام تفنگها را بسوی آمریکا نشانه روید" و صهیونیسم از سال ۳۰ بعد از فروپاشی جناحهای لیبرالیسم و ارتجاع افشا نشده اند و از هم اکنون برای در دست گرفتن مجلس شورای ملی بتوطئه نشسته اند. هشیاری و آگاهی و بیداری امت و قاطعیت و تزلزل - ناپذیری امام تنها راههای خلق و انقلاب از دستهای آلوده به جنایت لیبرالها و مرتجعین است.

توده های مستضعف با فریادهای خط امام و امت نبرد با آمریکا است. نقش قاطع و استوار سازش ناپذیر امام را در روبرویی با آمریکا و صهیونیسم از سال ۳۰ بعد از فروپاشی جناحهای لیبرالیسم و ارتجاع افشا نشده اند و از هم اکنون برای در دست گرفتن مجلس شورای ملی بتوطئه نشسته اند. هشیاری و آگاهی و بیداری امت و قاطعیت و تزلزل - ناپذیری امام تنها راههای خلق و انقلاب از دستهای آلوده به جنایت لیبرالها و مرتجعین است.

والسلام

تقویم انقلاب در آئینه زمان

بقیه از صفحه ۱

ایران با آن صد در صد مخالف است انقلاب سفید شاه و ملت مینامد و این نوکر اجانب و خود باخته مستعمرین رانجات دهنده کشور می شمارند.

۱۰ فروردین ۵۷ - به پشتیبانی از جهلم شهدای تبریز، تظاهرات دامنه داری سزد را در بر میگردد و فریاد "درد بر خمینی و زنده و جاوید باد راه شهیدانمان و... فضای شهریزد را لبریز میکند. در ایسن تظاهرات بیش از صدها نفر شهید و زخمی میشوند. در همین روز تظاهرات گسترده ای شهرهای شیراز، مشهد، زاهدان، سابل، دزفول، اصفهان، آبادان، آباده و... را در بر میگردد.

۲۱ جمادی الاول ۹۸ - امام خمینی در پیام خود بمناسبت اربعین شهدای یزد یادآور میشوند که "اکنون با احتناق همه جانبه و سلب آزادی به تمام ابعاد و فشارهای توتان فرسا، ایران بیدا ردر آستانه یک انفجار عظیم است و بسرعت جلو برود.

۱۳ فروردین ۵۷ - موج ناراضیتهای و تظاهرات، شهرهای بانه، بابل، رضائیه، شوشتر، نهاوند، همدان، و رامین و... را در بر میگردد. هم چنین در تظاهرات مردم اهواز گردن بنفشه نفر به شهادت رسیدند.

۱۵ فروردین ۵۷ - عباسعلی خلعتبری خاثن وزیر امور خارجه در فرودگاه وین گفت: "تظاهرات مسالمت آمیز در ایران آذاد است، وی همچنین اضافه کرد که: اگر رژیم ایران دیکتاتوری بود، تظاهراتی صورت نمیگرفت. این تظاهرات کاردست راستی های افراطی و گروههای مذهبی است که مخالف برنامه های آزادی خواهانه دولت هستند.

۴ رجب ۹۸ - امام خمینی در پیام خود بمناسبت دومین اربعین شهدای قم تذکر میدهند که: "هیچ روحانی و مذهبی با دستگه ضد اسلامی آشتی نخواهد کرد که آن پشت به قرآن کریم و اسلام عزیز است، نتواند کرد که آن پشت بر ملت غیور و آگاه است که حاصل آن سقوط مرکبار سازشگر است.

۱۰ اردیبهشت ۵۷ - بیش از هزاران تن از دانشجویان علم وصنعت با تظاهرات خود، خواهان خروج گارد مزدور از محوطه دانشگاه شدند.

۱۶ اردیبهشت ۵۷ - در تظاهرات دانمد دار شیراز، چندین سینما و بانک به آتش کشیده شد.

۱۹ اردیبهشت ۵۷ - تظاهرات گسترده یزد، جهرم، کازرون، بابیشاز دهها تن شهید و مجروح، ابعاد تازه ای پیدا میکند. هم چنین تظاهرات دامنه داری شهرهای

بقیه در صفحه ۱۰

ماهیت و عملکرد امپریالیسم آمریکا در ایران

از زمامداری کاتر تا سقوط رژیم شاه (۲)

اهمیت ایران برای آمریکا

بدنیال خروج انگلستان از خلیج فارس شاه خائن آنچنانکه به اربابان آمریکانیش قول داده بود محافظت منطقه را در جهت منافع امپریالیستها بعهده گرفت و بدین طریق هزینه های نظامی ایران سرسام آور بالا رفت.

کیهان هوائی ۱۲ فوریه در این مورد مینویسد: هزینه های دفاعی اکنون رگورد نازهای رایدست آورده است اقلیمی کندیین منظور پیشنهاد شده است نسبت سال پیش در حدود ۱۲ میلیارد ریال افزایش یافته است. (۱۶)

بر اساس دکترین نیکسون که در اعلامیه معروف "گوم" مطرح شده است، امپریالیسم خونخوار آمریکا پس از دریافت ضربه های کاری از خلق دلاور ویتنام بدنیال ایجاد ژاندارمهای منطقه ای رفت، از جمله در خلیج فارس شاه را به ژاندارماری از مناقش بکار گرفت.

مطلب فوق را ریچارد هلمز طی سخنرانی ای چنین بیان داشت:

"ایران مسئولیت تامین امنیت خود را کاملا " خودش بعهده گرفته است و این کارته فقط با مقاصد و هدفهای ایران منطبق است، بلکه با مقاصد و هدفهای اعلامیه "گوم" نیز که در آن آمریکا اعلام کرد که انتظار دارد کشورهای عمده هر ناحیه ای مسئولیت دفاع و تامین ثبات را در مناطق خود، خودشان بعهده گیرند و آمریکا برای رسیدن این منظور با آنها همکاری خواهد نمود، کاملا " سازگار و منطبق میباشد... اکنون ما دوستی در این منطقه بسیار مهم جهان داریم که دارای ثبات و امنیت است و متکی به خویش میباشد. (۱۷)

یکی از روزنامه های خارجی در رابطه با

نقش ژاندارمی شاه در حفظ منافع آمریکا چنین مینویسد: "ایران از زمان کئیسنجر، نقش اساسی ای در استراتژی کاتر که راهنمای خود قرار داده و بحساب کاتر گذاشته (مقصد طرح "گوم" پیشنهادی توسط نیکسون میباشد) دارد آمریکا ضربه خورده از ویتنام جرئت نمیکند که خطر در حالت در فراموشی بوی را متحمل گردد. پس از مسئله ویتنام، برای حفظ تعادل، خصوصا " در مقابل شوروی، مسئولیت را بر عهده شبکه ای از قدرتهای منطقه ای انداخته است.

در خاور میانه این نقش به رژیم ریاض و تهران واگذار شده است. اولی با کمکهای مالی تداوم حیات مصر را میسر و دومی در ظفار نظم را برقرار ساخت. کاتر تعبتل تعبدانش (در مقابل گنرکه) که مانع کمک رساندنش به یک نیروی " متجاوز" میگردد، هنگامیکه سوماتی برای جنگ با حشده درواگدان نیازمند بود، درخواست کمک او را رد کرد، لیکن مخفیانه ایران را واداشت تا سلاهای مورد نیاز سوماتی را باو برساند."

رژیم شاه خائن وابسته به امپریالیسم آمریکا فرزندان ایران را بصفت کشتاربرداران و خواهران مسلمان عماتی به ظفار گسیل داشت تا با خون خود رژیم پوسیده سلطان قابوس خائن را از زیر ضربات انقلابیون ظفاری نجات دهد. و معمومی ساواکی نیز به ظفار فرستاد تا قتل انقلابیون ظفاری را بپوشاید و سربازان ایران توجیه نماید. فاجعه انگیز اینکه معمم پس از سرنگونی رژیم شاه مورد بازخواست هم قرار نگرفت.

رژیم وابسته شاه فالانژیستهای لبنانی را مسلح ساخت تا برادران فلسطینی ما را از جنوب لبنان خارج سازند. رژیم شاه در زمان هیلا سلاسی به حشده علیه انقلابیون مجاهد ارتشهای کمک نمود رژیم شاه خائن آفریقای جنوبی و اسرائیل

رژیم شاه خائن وابسته به امپریالیسم آمریکا فرزندان ایران را بصفت کشتاربرداران و خواهران مسلمان عماتی به ظفار گسیل داشت تا با خون خود رژیم پوسیده سلطان قابوس خائن را از زیر ضربات انقلابیون ظفاری نجات دهد. و معمومی ساواکی نیز به ظفار فرستاد تا قتل انقلابیون ظفاری را بپوشاید و سربازان ایران توجیه نماید. فاجعه انگیز اینکه معمم پس از سرنگونی رژیم شاه مورد بازخواست هم قرار نگرفت.

رژیم وابسته شاه فالانژیستهای لبنانی را مسلح ساخت تا برادران فلسطینی ما را از جنوب لبنان خارج سازند. رژیم شاه در زمان هیلا سلاسی به حشده علیه انقلابیون مجاهد ارتشهای کمک نمود رژیم شاه خائن آفریقای جنوبی و اسرائیل

رژیم وابسته شاه فالانژیستهای لبنانی را مسلح ساخت تا برادران فلسطینی ما را از جنوب لبنان خارج سازند. رژیم شاه در زمان هیلا سلاسی به حشده علیه انقلابیون مجاهد ارتشهای کمک نمود رژیم شاه خائن آفریقای جنوبی و اسرائیل

رژیم وابسته شاه فالانژیستهای لبنانی را مسلح ساخت تا برادران فلسطینی ما را از جنوب لبنان خارج سازند. رژیم شاه در زمان هیلا سلاسی به حشده علیه انقلابیون مجاهد ارتشهای کمک نمود رژیم شاه خائن آفریقای جنوبی و اسرائیل

رژیم وابسته شاه فالانژیستهای لبنانی را مسلح ساخت تا برادران فلسطینی ما را از جنوب لبنان خارج سازند. رژیم شاه در زمان هیلا سلاسی به حشده علیه انقلابیون مجاهد ارتشهای کمک نمود رژیم شاه خائن آفریقای جنوبی و اسرائیل

رژیم وابسته شاه فالانژیستهای لبنانی را مسلح ساخت تا برادران فلسطینی ما را از جنوب لبنان خارج سازند. رژیم شاه در زمان هیلا سلاسی به حشده علیه انقلابیون مجاهد ارتشهای کمک نمود رژیم شاه خائن آفریقای جنوبی و اسرائیل

نمونه ای از عملکرد های امپریالیسم آمریکاد در منطقه!

سرمایه گذاری در شرکت های ورشکسته و دادن وام بکشورهای افکار آمریکا

بخش دیگری از درآمدهای نفتی ایران از جانب رژیم وابسته به امپریالیسم آمریکا محمد رضا خائن صرف خرید صدها میلیون دلار از سهام کمیاتی گروه که از بزرگترین ستونهای مجتمع نظامی - صنعتی "بلوک نظامی" ناتو میباشد و همچنین صرف خرید بخش بزرگی از سهام متعلق به اتحاد آمریکا یعنی "لگهید" و بان آمریکایی و موسسات ورشکسته دیگره و وام یک میلیارد دلاری به دولت انگلیس و وام و کمک به کشورهای ارتجاعی مصر، سودان، سنگال، اردن و سرمایه گذاری در بخشهای بدون سود یا کم سودی در آمریکا از جمله در صنایع ساختمانی. در این رابطه به این خبر حمله هفتگی "تایم" در شماره اول اوت توجه فرمائید:

"بنیاد پهلوی" اکنون مشغول ساختمان مرکز اداری خود در آمریکا واقع در ساختمان ۳۶ طبقه ای با محارجه بالغ بر بیش از ۲۵ میلیون دلار می باشد. از طریق این مرکز بنیاد، سرمایه گذاریهای خود را در آمریکا اداره خواهد کرد. این سرمایه - گذاریها اساسا " در معاملات ارضی و امور ساختمانی متمرکز می باشد " طبق گزارش "تایم" بنیاد اکنون مشغول پیاده نمودن پروژه های ده ساله با سرمایه ۵۰۰ میلیون دلار در شهر نیواورلئان (ایالت لوئیزیانا) می باشد که شامل ساختمان یک هتل، پارک و مرکز خرید در ساحل آن شهر است."

این حیانتها را رژیم وابسته به

ایران در جهت حفظ منافع آمریکا به مبدترین سلاحها مجهز و عظیمترین بانکها را در جاه بهار و بندر عباس ساخته بود.

نقش ژاندارمی شاه در حفظ منافع آمریکا چنین مینویسد: "ایران از زمان کئیسنجر، نقش اساسی ای در استراتژی کاتر که راهنمای خود قرار داده و بحساب کاتر گذاشته (مقصد طرح "گوم" پیشنهادی توسط نیکسون میباشد) دارد آمریکا ضربه خورده از ویتنام جرئت نمیکند که خطر در حالت در فراموشی بوی را متحمل گردد. پس از مسئله ویتنام، برای حفظ تعادل، خصوصا " در مقابل شوروی، مسئولیت را بر عهده شبکه ای از قدرتهای منطقه ای انداخته است.

در خاور میانه این نقش به رژیم ریاض و تهران واگذار شده است. اولی با کمکهای مالی تداوم حیات مصر را میسر و دومی در ظفار نظم را برقرار ساخت. کاتر تعبتل تعبدانش (در مقابل گنرکه) که مانع کمک رساندنش به یک نیروی " متجاوز" میگردد، هنگامیکه سوماتی برای جنگ با حشده درواگدان نیازمند بود، درخواست کمک او را رد کرد، لیکن مخفیانه ایران را واداشت تا سلاهای مورد نیاز سوماتی را باو برساند."

رژیم شاه خائن وابسته به امپریالیسم آمریکا فرزندان ایران را بصفت کشتاربرداران و خواهران مسلمان عماتی به ظفار گسیل داشت تا با خون خود رژیم پوسیده سلطان قابوس خائن را از زیر ضربات انقلابیون ظفاری نجات دهد. و معمومی ساواکی نیز به ظفار فرستاد تا قتل انقلابیون ظفاری را بپوشاید و سربازان ایران توجیه نماید. فاجعه انگیز اینکه معمم پس از سرنگونی رژیم شاه مورد بازخواست هم قرار نگرفت.

رژیم وابسته شاه فالانژیستهای لبنانی را مسلح ساخت تا برادران فلسطینی ما را از جنوب لبنان خارج سازند. رژیم شاه در زمان هیلا سلاسی به حشده علیه انقلابیون مجاهد ارتشهای کمک نمود رژیم شاه خائن آفریقای جنوبی و اسرائیل

رژیم وابسته شاه فالانژیستهای لبنانی را مسلح ساخت تا برادران فلسطینی ما را از جنوب لبنان خارج سازند. رژیم شاه در زمان هیلا سلاسی به حشده علیه انقلابیون مجاهد ارتشهای کمک نمود رژیم شاه خائن آفریقای جنوبی و اسرائیل

رژیم وابسته شاه فالانژیستهای لبنانی را مسلح ساخت تا برادران فلسطینی ما را از جنوب لبنان خارج سازند. رژیم شاه در زمان هیلا سلاسی به حشده علیه انقلابیون مجاهد ارتشهای کمک نمود رژیم شاه خائن آفریقای جنوبی و اسرائیل

رژیم وابسته شاه فالانژیستهای لبنانی را مسلح ساخت تا برادران فلسطینی ما را از جنوب لبنان خارج سازند. رژیم شاه در زمان هیلا سلاسی به حشده علیه انقلابیون مجاهد ارتشهای کمک نمود رژیم شاه خائن آفریقای جنوبی و اسرائیل

رژیم وابسته شاه فالانژیستهای لبنانی را مسلح ساخت تا برادران فلسطینی ما را از جنوب لبنان خارج سازند. رژیم شاه در زمان هیلا سلاسی به حشده علیه انقلابیون مجاهد ارتشهای کمک نمود رژیم شاه خائن آفریقای جنوبی و اسرائیل

رژیم وابسته شاه فالانژیستهای لبنانی را مسلح ساخت تا برادران فلسطینی ما را از جنوب لبنان خارج سازند. رژیم شاه در زمان هیلا سلاسی به حشده علیه انقلابیون مجاهد ارتشهای کمک نمود رژیم شاه خائن آفریقای جنوبی و اسرائیل

رژیم وابسته شاه فالانژیستهای لبنانی را مسلح ساخت تا برادران فلسطینی ما را از جنوب لبنان خارج سازند. رژیم شاه در زمان هیلا سلاسی به حشده علیه انقلابیون مجاهد ارتشهای کمک نمود رژیم شاه خائن آفریقای جنوبی و اسرائیل

نمونه ای از عملکرد های امپریالیسم آمریکاد در منطقه!

آمریکا از زمان برگزاری آخرین مبارزات انتخاباتی مقام ریاست جمهوری در برابر " مسئله ایران " تا سقوط رژیم وابسته به امپریالیسم آمریکا شاه خائن، در ۲۲ بهمن ۵۷ میگردیم:

کاتر، شخصی که " در جنوب ایالات متحده با دام زمینی میگشت و سیاستمدار محلی بود و حتی شهرت ملی - صرفنظر از شهرت بین المللی - نداشت " (۲۶) بوسیله "تیم" شورای هم آهنگی نیمه مخفی از "نخبه های مالی و اجرایی ایالات متحده، اروپای غربی و ژاپن موسوم به کئیسون سه خانه که در سال ۱۹۷۳ توسط دیوید راکفلر بانکدار معروف و برزیلکی تاسیس شده بود، (۲۷)، تا قادر به مقاومت در برابر جهان سوم و در نهایت برای تقاضاهای اقتصادی بقیه جهان مفید - " باشد، بالاخره انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۷۶، به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب گردید.

این دوره (از ریاست جمهوری رسیدن کاتر با سقوط رژیم)، با برخورد انتقادی کاتر به استبداد حاکم بر ایران و سپس تاسیس داد در نوامبر ۱۹۷۷ به هنگام مسافرت شاهه آمریکا جهت پاسوی ارباب جدیدش و اعلام مجدد سرسپردگی بدنهان خواریان بانکی، علیه رسم برگزاری بزرگترین تظاهرات پس از پایان جنگ ویتنام در واشنگتن توسط دانشجویان مبارز ایرانی و نیروهای مترقی هوادار آزادی شروع و بسا تاشید صریح و آشکار کاتر در ژانویه ۱۹۷۸ در تهران از شاه خائن، که از او بسانست احساسات انسانگرایانه اش!!؟ تمحید و اعلام میدارد که شاه با او در زمینه " دفاع از حقوق بشر"، اشتراک نظر دارد و بدنیالش، مقاله " توهین آمیز به امام در روزنامه " اطلاعات منتشر و سپس هجوم وحشیانه به تظاهرات طلاب و مردم شهر قم و تبریز و کنار رفتن حکومت آموزگار و تشکیل حکومت آشتی ملی بتوصیه اربابین آمریکائی که نه تنها اقول نهضت را بدنیال نیامورد بلکه به علت رهبری "واهیانه" امام هر لحظه شعلانش فرورزاتر میگردد تا اینکه در ظهر خونین ۱۷ شهریور ۵۷ سراسر مبین رافرا میگردد و با پشتیبانی کاتر از رژیم شاه ادامه می یابد. در حالیکه سر درگمی و عدم شناخت صحیح " مسئله ایران " قلمت حاکم را بدت آشفته ساخته و اختلاف نظرهای بین شورای امنیت برهبری برزیلکی و سازمان جاسوسی C.I.A و وزارت دفاع و مایکل بلومنتال (وزیر خزانه داری) و ویلیام سولیوان سفیر آمریکا در ایران که دفاع بی قیدو شرط را از شاه و رژیمش تجویز مینمودند و وزارت امور خارجه بر سر پیستی ساپروس و نس که خواهان اتخاذ تدابیر مطمئن تری در جهت حفظ منافع آمریکا بود، بوجود آورده بود.

کاخ سفید واشنگتن عملا " در طریق رهنمودهای برزیلکی عمل نمود، کناز گذاردن دولت شریف امامی و روی کار آوردن حکومت نظامی ازهارای نیز نه تنها مسئله را حل ننمود بلکه طوفان خشم ملت را شعله ورتر ساخت.

کاخ سفید که از قبل از ۱۷ شهریور، هیتتهای مخصوصی به سبب بی اعتمادی به گزارشهای " سیا " درباره " ایران، جهت بررسی اوضاع ایران روانه ساخته بود، فعالیت فوق را با فرستادن شخصیهایی دانشگاهی متخصص مسائل ایران و انتصاب

ارزشمندی که گذرگاه های بسیاری از رازها بود معلوم نیست کجاست و اکنون پس از گذشت چندین ماه از سقوط رژیم شاه کوچکترین گوشه ای در جهت گردآوری این اسناد نگار گرفته نشده است.

ایران در دوران شاه همچنین پایگاه جاسوسی آمریکا علیه روسیه شوروی نیز بود، از جمله سیستمهای خبرگیزی بسیار مدرسی که در ره شوروی توسط آمریکا تیان تعبیه شده بود، در صفی آباد شمال قرار داشت.

۴ - رژیم شاه عاملی در جهت حفظ ثبات در کشورهای تحت حاکمیت ارتجاع در منطقه ایران تحت حکومت رژیم وابسته شاه نقش مهمی در حفظ و بقای نظام موجود در کشورهای منطقه و بالطبع ادامه عارت آن کشورها توسط آمریکا ایفا مینمود.

اوج مبارزات خلق مسلمان ایران، میزان وحشت رژیمهای ارتجاعی منطقه را از سقوط رژیم شاه نشان داد. در ۲۴ اوت ۷۸، شاه زاده ابن عبدالعزیز وزیر دفاع سعودی در

حتی نباید لازم نباشد شخصا " وارد عمل بشود و تحقق این عمل را برعهده قائم مقام های موثر نظامی خود در منطقه، چون اسرائیل و ایران واگذار کند، زیرا ایران علاقمند به ایفای رل دفاع در منطقه است " (۱۸)

کئیسنجر نیز مطلب فوق را بدینگونه عنوان میکند: " سیاست دفاعی ایران با منافع آمریکا جور است. آمریکا نقش عظیم ایران را در حفظ امنیت منطقه ارج مینهد. سیاست آمریکا ادامه " اجرای دکترین نیکسون است " (۱۹)

۳ - تبدیل ایران به مرکز توطئه علیه سایر ملتها و جنبشهای آزادی بخش و همچنین پایگاه جاسوسی علیه روسیه شوروی: روزنامه L'AURORE فرانسوی زبان مورخ ۲۹ اوت ۷۸ نوشت: " تهران تنها شهر در آسیا و شاید در جهان است که بیشترین رفت و آمد عوامل اطلاعاتی و جاسوسی در آنجا انجام میگردد. " روزنامه مذکور تعداد عوامل مؤثر C.I.A را ۵۰۰۰ نفر ذکر کرد.

آری از فرادی کودتای تنگین ۲۸ مرداد و باورود ایران به پیمان بغداد و پیمان سه جانبه و پیمان دوجانبه ایران تبدیل به مرکز توطئه علیه استقلال ملت های همسایه و جنبشهای آزادی بخش گردید.

۵ - رژیم شاه عامل دفاع از مواضع سیاسی، اقتصادی و... آمریکا رژیم شاه خائن در تمامی کنفرانسهای سیاسی، اقتصادی و... از نظریات اربابان آمریکا پیش طرفداری مینمود از جمله در سازمان ملل متحد، هنگام اخذ رای نماندند همیشه در جهت منافع آمریکا و بر علیه خلقهای مبارز رای میداد.

شاه خائن با موضعیگری ارتجاعیش در کنفرانس اوپک متعقد در کاراکاس همراه با عربستان سعودی مانع ترقی قیمت نفت حتی با اندازه نرخ تورم سالانه دلار گشت و از امیزه خیانت بزرگی به توده های مستضعف کشورهای نفت خیز و خدمت ارزشمندی به گارتلهای ارتجاعی نمود.

دلیل این فعالیتهای و کوششهای توطئه آمیز روشن است، دشمن از شعله های انقلاب الازهر انگیزه زده اند و ادانت تا اعلامیهای علیه جنبش اسلامی خلق ما صادر آنرا ملیم از تحریکات همسایه شمالی و کمونیسم بین المللی خوانند.

کوشش آمریکادار ایجاد شکاف در صفوف مبارزین نه به سبب توجه در رهبری و مکتب و هدف با شکست مواجه گردید.

بقيه در صفحه ۵

زینب وار در سنگر انقلاب...



تاریخ در سینه خود ثبت خواهد کرد که مادران و خواهران ما در همه جا و همه وقت در پشت بام های الله اکبر، در میدان رویارویی با تانک و توپ و مسلسل، در سنگرهای انقلابی فرزندان خود در میدان شهید و در تمامی صحنه های رویارویی خلق با رژیم شاهنشاهی وابسته با امپریالیسم شهید و شاهد بودند.

مادران و خواهران ما با فریادهای کوبنده، الهاکبر در پشت میله های زندان ها و شکنجه گاهها و حتی در میدانهای تیر رژیم جبار شاهنشاهی و سیل خروشان حرکت انقلابی آنها در پیشاپیش صفوف رزمندگان خلق نشان داد که زن مسلمان با کینه و خشم مقدس و انقلابی خود چگونه در بسیاری از موارد حتی رهبری حرکتها را بر عهده میگیرد. چگونه زینب وار فرزندان مسلمان و انقلابی خود را روانه میدان جهاد و شهادت نموده و سوگ آنها را هم مبدل به صحنه مبارزه با رژیم و البته با امپریالیسم آمریکا می نمایند.

هنوز خاطره زنان مسلمان و قهرمان الجزایر که در پوشش حجاب و چادر، مسلسل و بمب و نارنجک حمل می نمودند، در آذهام بسیاری از انقلابیون ایران زنده است و آن پس نیز در فلسطین اشغال شده و آرتیره و فیلیپین و صحرایان مسلمان نقش و مسئولیتهای ارزنده و والای خود را در خدمت هدفهای توده های بیخاسته مستضعف با شایستگی ایفا نموده اند.

رژیم شاهنشاهی و ضد خلقی و وابسته با امپریالیسم سالیان درازی تلاش نمود تا با صحنه سازی هائی همچون ۱۷ دی و کنگره آزاد زنان و آزاد مردان حیثیت و شرف اسلامی و سیاسی زنان قهرمان این مرز و بوم را لکه دار سازد. رژیم شاهنشاهی با روح زندگی مصرقی غربی و اشاعه فرهنگ منحط آمریکائی سعی فراوان بکار برد تا اساس و موجودیت خانواده را درهم ریزد و بجای تعهد و مسئولیت و شرکت زنان جامعه در صحنه جهاد و نبرد ضد استبدادی و ضد امپریالیستی آنها را هرچه بیشتر اسیر و اجیر برنامه های ضد مردمی و امپریالیستی خود نماید.

زنان مسلمان و قهرمان جامعه ما در دوران ۵۰ ساله رژیم منحوس خاندان پهلوی رنج استبداد و استثمار و استعمار را در روستاهای ایران و در کارگاههای بنا شده بر بنیاد استثمار فراوان چشیدند. چه بسیار از این شیر زنان ساعتی متمادی بکارهای خارج از توان خویش تن دادند تا لقمه نانی برای فرزندان و جگر گویگان خود فراهم آورند و چه بسیار که در بیگاری و گرسنگی و در پردری و فقر و بیماری و محرومیت مردان و فرزندان خود بیشترین سهم دل سوختگی و رنج را متحمل شدند.

۱۸ آذر ۵۸ - مقدم مراغای نماینده مجلس خبرگان از سوی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام افشا می شود. ۱۹ آذر ۵۸ - اشغال رادیو تلویزیون تبریز توسط ضد انقلابیون. ۲۱ آذر ۵۸ - سناتور کندی ضمن نامه ای به امام می نویسد که ما صد درصد حاسی جمهوری اسلامی هستیم؟! ... من خون خود را بخاطر شما خواهم داد؟! ۲۲ آذر ۵۸ - آمریکا ۲۱۸ دیپلمات ایرانی را اخراج کرد. - میر اشرفی، تاجبخش شاه، تیرباران شد.

۲۴ آذر ۵۸ - اسام: "آن آدم مقدس مآبی که تسبیح هم دستش گرفته است و میگوید به اسلام خدمت می کنم، با این مقدس مآب چه باید بکنیم؟" ۲۵ آذر ۵۸ - دادگاه لاهه ایران را محکوم کرد. - شاه به پاناما پناهنده شد. - فعالیت حزب جمهوری خلق مسلمان متوقف شد. ۲۷ آذر ۵۸ - دکتر مفتوح ترور شد. ۲۸ آذر ۵۸ - اموال ۶۴ سربسرد رژیم مغز پهلوی مصادره شد. ۲۹ آذر ۵۸ - دانشجویان مسلمان پیرو خط امام افشا می کنند: امیران نظام سخنگوی سابق دولت، جاسوس سیا است. اول دی ۵۸ - بوسیده دانشجویان پیرو خط امام: نحوه عمل جاسوسان آمریکایی در تهران افشاء شد. دوم دی ۵۸ - درگیری و اغتشاش در زاهدان که طی آن چندین نفر کشته و زخمی شدند. سوم دی ۵۸ - راهبیمایی باشکوه کارگران در تهران به پشتیبانی از دانشجویان پیرو خط امام. ۹ دیماه ۵۸ - پشتیبانی وسیع از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام. ۱۶ دی ۵۸ - گشایش گردهمایی جنبشهای آزادیبخش جهان در تهران. ۱۷ دی ۵۸ - در بندر لنگه ۵۶ نفر توسط ضد انقلابیون کشته شدند. ۱۸ دی ۵۸ - با شرکت دهها هزار نفر از گروهها، یاد جهان پهلوان تختی زنده شد. ۲۰ دی ۵۸ - برای گرامی داشت اربعین حسینی و شهدای ۱۹ دیماه، میلیونها نفر در ایران راهبیمایی کردند. اول بهمن ۵۸ - توطئه اشغال پایگاه هوایی تبریز فاش شد. - عامل "سیا" در نیروی هوایی دستگیر شد. دوم بهمن ۵۸ - سقوط و تلاشی شدن هوایپیمای ملی هما با ۱۲۷ سرنشین. چهارم بهمن ۵۸ - بستری شدن اسام در بیمارستان قلب مهدی رضایی. پنجم بهمن ۵۸ - انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، که پس از اعلام نتایج آن آقای بنی صدر بعنوان رئیس جمهور انتخاب شد. ۶ بهمن ۵۸ - نیايش مردم سراسر کشور برای سلامتی امام. ۷ بهمن ۵۸ - عامل حوادث پایگاه

در چار راه شهادت

و دست ما را گرفته ای
و می کشانی با خود
از مرز تفرقه و تردید
به مرکز همه ی بودنها
به قسط
به آزادی
به قبله های همگانی
ما را عجیب صاف می کند این صافی
این واقع
این کشیدن رنگ و بوی
این اشک
ما را می شوید
ما را ز سایه های جدایی می شوید
و مثل روزهای اول حرکت
همه یگی شده ایم
با هم
با راه
با الله
با سرزمین خسته و خونین
با خلق قهرمان فلسطین
در بیکرانه ترین هجران
از چار راه شهادت برمیخیزیم
برمیخیزیم
و از نهاد سنگر ایمان
به سوی دشمن دیرینه
دوباره حمله می آغازیم
شهریور ۱۳۵۸
گلاره صفار زاده

رگهایمان کشیده می شود از درد
رگهایمان کشیده می شود از ریشه
در بیکرانه ترین هجران
تو آسمانگوتنه شکافتی*
و ما زمین گوتنه
گسترده تر شدیم
و ناگاه افکنديم
هرچه که در ما بود
از صبر
از سپاس
از بغض
از نیاز
تو شاهد این شوریدن هستی
در چار راه شهادت
و در کنار نسل شهیدان
بر پاسگاهای
و سوگواری ما را می بینی
عظیم ترین
عاشقانه ترین
در عاشقانه ترین هجران
رگهایمان کشیده می شود از درد
رگهایمان کشیده می شود از ریشه
بسوی تو
بسوی زمین
بسوی وسوسه ی نابودن
بسوی همدگر و بودن
و این گشش زمینی نیست
و این گشش زمینی نیست
تو در نهایت وصلی با ناپیدا
و در نهایت مهربی با ما

تقویم انقلاب در آینه

بقیه از صفحه ۱۴

- ناآرامی و آتش سوزیهای پراکنده در بندر انزلی، دونفر در تظاهرات بندر انزلی کشته شدند. ۲۶ مهر ۵۸ - ایران در چهارمین روز سوگ "پدر طالقانی" بیکارچه عزادار شد. ۲۹ مهر ۵۸ - تشنج و ناآرامی در غرب کشور؛ وزیر کشور و ارتش، کسی کشته نشده. نماینده امام: ۷۴ نفر کشته شده اند. اول آبان ۵۸ - کارتر به شاه مخلوع پروانه اقامت داد - شاه مخلوع برای معالجه عازم نیویورک شد. - هتلهای تهران به اشغال دانشجویان درآمد. ۴ آبان ۵۸ - میلیونها نفر در ایران راهبیمایی کردند. ۷ آبان ۵۸ - دکتر سامی وزیر بهداشتی، استعفا کرد. ۱۰ آبان ۵۸ - تظاهرات وسیع ضد امپریالیستی و نواز پرشکوه عبد قربان - ترور آیت الله قاضی طباطبائی نماینده امام در تبریز. ۱۳ آبان ۵۸ - اشغال انقلابی جاسوسخانه آمریکا توسط دانشجویان قهرمان پیرو خط امام. - میلیونها نفر در سالگرد کشتار دانشگاه تظاهرات کردند. ۱۵ آبان ۵۸ - دولت بازرگان استعفا کرد - امام: در این انقلاب شیطان بزرگ آمریکا ست. ۱۶ آبان ۵۸ - شورای انقلاب ترمیم می شود - دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، تا به نتیجه دلخواه نرسیم، سفارت را ترک نمی کنیم. - دکتر بزدی، آمریکا بشرط آزادی گروهگانش، در مورد اخراج یا استرداد شاه مخلوع مذاکره می کند! - امام: میل دارم که عمل ما بیشتر از قولمان باشد. ۱۷ آبان ۵۸ - امام: نه، هیچکس حق ندارد با آمریکا مذاکره کند - کاخ سفید گنج گرفتار است. - امام به نمایندگان دولت آمریکا اجازه ورود به خاک ایران را نمیدهد. - امام: آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند. - افتخاری دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در مورد اسرار توطئه آمریکا برای پذیرفتن شاه مخلوع. ۱۹ آبان ۵۸ - دو شرکت حفاری نفت آمریکا ملی اعلام شد. - تلاشهای تازه آمریکا برای نجات از رسوایی جاسوسی در ایران، اتاق بحران در وزارت امور خارجه، آمریکا تشکیل شد.

جمهوری ایران طی مراسمی در بیمارستان قلب مهدی رضایی در حضور امام خمینی و شورای انقلاب سوگند وفاداری به قانون اساسی و اجرای آن یاد کرد و امام ضمن بیانایی به ایشان چنین گفتند: "من یکه کلمه برای آقای بنی صدر تذکر میدهم که این یک کلمه تذکر به همه ملت است، حب الدنیا را از کل خطیته، هر مقامی که برای بشر حاصل میشود، چه مقامهای مادی، چه مقامهای معنوی روزی گرفته خواهد شد و آنروز نامعلوم است."

هوایی تبریز تیرباران شدند. ۹ بهمن ۵۸ - دانشجویان مسلمان پیرو خط امام: دست پنهان کار آمریکا در کنفرانس اسلام آباد. ۱۱ بهمن ۵۸ - دیپلمات آمریکایی توسط سفارت کانادا از ایران گریختند. ۱۱ بهمن ۵۸ - درگیریهای خونین کامیاران ۱۵ کشته بجای گذاشت. - سالگرد مجاهد شهید، احمد رضایی. ۱۳ بهمن ۵۸ - میلیونها نفر در سراسر کشور، سالروز بازگشت امام را گرامی داشتند. ۱۵ بهمن ۵۸ - آقای بنی صدر رئیس-جمهور

انتشارات جنبش مسلمانان مبارز

هر سازمانی به در مقطع آغازین، که در روند تاریخی، آن معرفی و عرضه می شود و هرگونه بازشناسی واقعی و ارزیابی درست عینی این مواضع تنها از این گذرگاه ممکن است. با تکیه بر این اصل، جنبش مسلمانان مبارز مستمترترین کانال ارتباطی خود را با توده هفتهمامت دانسته مواضع خود را از این گذرگاه به معرض دید و آرز یابی خلق گذاشته است. گذشته از سر مقاله های هفته نامه امت مبارز است بیانیه ها و اعلامیه های مقطعی و موضعی نیز در این هفته نامه منعکس می شود. ۱- اعلام مواضع فکری - سیاسی جنبش مسلمانان مبارز. گذشته از مواضع رونویسی هفته نامه امت، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و آغاز فعالیت علنی، جنبش مسلمانان مبارز، مواضع فکری - سیاسی خود را تحت این نام در مجموعه کوچکی منتشر کرده است. این مجموعه در ۲۲ صفحه و قطع جیبی بوده که بارها تجدید چاپ شده است. تفصیل روندی مواضع این مجموعه، در موضعگیریهای هفته نامه امت منعکس است. ۲- اسناد و مدارک جنبش مسلمانان مبارز (۵۷ - ۱۳۵۶)

جنبش برای اینکه بتواند تداوم خط سیاسی - ایدئولوژیک خود و میزان وفاداری نسبت به آن با عدول از آن را به معرض ارزیابی و قضاوت شایسته ترین مرجع یا مردم آگاه و نکته سنج بگذارد تمام بیانیه ها، و اعلامیه های خود را که در دوران حقیقت هنگام فعالیت زیرزمینی خود صادر کرده است (به استثناء آنها که خود درج در نشریه های جداگانه بوده اند) بصورت مجموعه ای در ۲۳۱ صفحه و قطع رقی منتشر کرده است. ۳- مکتب و جهاد (شماره های ۱ و ۲ و ۳)

قبل از خیزش انقلابی ۲۲ بهمن وهنگام اوج گیری مبارزات اسلامی خلق ما، جنبش مسلمانان مبارز احساس می کرد بعلت وجود خلافت عظیمی در صحنه مبارزات مکتبی لازم است جریانات سیاسی را دقیقاً "در متن مکتب تحلیل و چاره جویی کرده بویژه اینکه بعلت ضررات بی امان دشمن، فرصت طلبان و ارتجاع، است که مواضع معرفتی- سیاسی- ایدئولوژیک

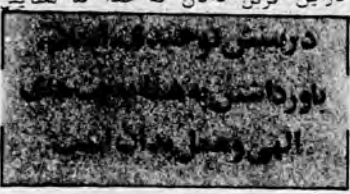
جنبش مسلمانان مبارز از همان آغاز فعالیت مخفی و علنی خود، همواره بر این عقیده استوار بوده و هست که شالوده مواضع سازمانی خود را بر چهارچوب مکتبی استواری بنیاد گذارد تا این چهارچوب به مثابه جوهر اصلی تشکیلات انسجام ارگانیک - مکتبی را جایگزین انسجام مکانیکی راسخ نماید. جنبش اگر چه تنگ نظرانه ادعای پیوندن این راه بس دشوار و حل کامل تضاد رشد کمی و رشد کیفی را نداشته و خود را پایان دهنده، این راه نمی داد با اینحال با تواضع در خود اعلام می کند که در طول این مدت نسبت به جریانات سیاسی داخلی - خارجی یک دم فارغ از ایدئولوژی مکتبی خود موضع نگرفته و بر این منطق همواره در مسیر تدوین هرچه عینی تر ایدئولوژی انقلاب اسلام و پی افکندن مواضع سیاسی استوار ناشی از آن خانعانه فروگذار نگردد است. لازم به یادآوریست که آنچه مورد نظر جنبش مسلمانان مبارز است ایجاد جریان و نمودن مسیر روندی آن در چهارچوب نشریات و بیانیه ها و تحلیل های خویش است و در این راه با گذر از شای و شخصیتها بر این اصل اساسی نگران است که "حرکت" را فارغ از شخصیتها جستجو کند و راه را جدا از هر راهروان آن بنا یاند. در این کوتاه بر سر آئینم تا آثار و نشریات سیاسی- ایدئولوژیک جنبش مسلمانان مبارز را بر شمرده با تکیه بر موقعیت هر یک از آنها در روند شکل گیری سیاسی ایدئولوژیک هر عنصر مبارزی، آنها را در دو قسمت (آثار منتشر شده و آثار زیر چاپ یا آماده چاپ) طبقه بندی و معرفی کوتاهی نسبت به هر کدام بعمل آوریم. الف: آثار منتشر شده: خط جنبش مسلمانان مبارز: ۱- هفته نامه امت، بعد از پیروزی انقلاب خونبار خلق مسلمان ما، در هشت صفحه زیر نظر شورای نویسندگان امت انتشار یافت و تاکنون در هشت و گاهی ۱۲ صفحه بطور هفتگی منتشر شده است و امید است در آینده نزدیک مستمراً بصورت دوازده صفحه ای منتشر گردد. جنبش مسلمانان مبارز معتقد است که مواضع معرفتی- سیاسی- ایدئولوژیک

بقیه در صفحه ۱۶

تضاد بین اسلام از دل خودش

بقیه از صفحه اول

قرض دهند. یعنی در راه وی اتفاق و صرف کنند - تا در مرحله بعدی حیات که به ارزشها و کارهای نیک و با کیفیتی جدید و متعالی احتیاج دارند و بدون آن‌ها قادر به ادامه زندگی و سازگاری و تطابق با شرایط تازه نیستند، به آن بازگردند - در این قرض دادن به خدا که معنای



کشت از مال و بختش آن به جامعه است (نه قرض الحسنه‌ای که ما معنا می‌کنیم) بلکه در حقیقت قرض‌الین است - یعنی قرض دادن به خدا همان بخشیدن به بنده خدا و صرف نظر کردن از آن است - زیرا وقتی چیزی را که لازم بداری از خود دور می‌کنی اولاً خود را از سودگی علاقه و دلبستگی بدان یا صرف نکردن در راه نامشروع و یا اسراف و زیاده‌روی پاک می‌کنی و ثانیاً، بخدا قرض می‌دهی - تا بلافاصله در کمیت و کیفیت بالاتری بنویسد - چه نحو؟ از طریق تحول تکاملی که در شخصیت تو رخ می‌دهد و بر سرمایه‌های وجودی و ارزشهای انسانی و خدایات افزوده می‌شود. "اقرض الله قرضاً حسناً" لا کفرن عنکم سیئاتکم ولا دخلکم جنات تجری من تحتها الانهار" ۷۰ - بخدا قرض نیکو دارید، همانا زشتی‌ها و بدیهاییان را بنعم در باغبانی که جویها در زیر آن روان است وارد سارم. قرضه بخدا - در اصل همان اتفاق و گذشت از مال در راه خداست و شامل مازاد بر احتیاج می‌شود - یعنی اضافه بر زکوه و مالیهاتی است که هر کس وظیفه دارد از درآمد و مال خود بپردازد و اقیما و لصلوه و آتوالزکوه و اقرضوا الله قرضاً حسناً" و ما تقدم المرانفسکم من خیر تجدوه عند الله هو خیر" - اعظم اجرا" و استقر الله به ان الله غفوراً" - رحیم ۷۱ - نماز بپارید و زکوه بدهید به خدا قرض نیکو بدهید، و آنچه از مال و نیکی برای خود از پیش می‌فرستید - بهتر از آن و پاداش بزرگتری نزد خدا خواهید یافت، از خدا آموزش بخواهید که خدا آموخته و مهربان است.

امام متقی و بزرگ ما علی - مسیر و مسیر ما را در رابطه با وظایف و اعمالمان چنین رسم می‌کند: "بدان که پیش روی تو راهی است بعید، پرشفت و طاقت فرسا و پر هول و هراس (گردنده، عقیده‌های صعب تکامل) در بیمودن این راه احتیاج داری از توشه به اندازه نیاز برای وصول به هدف نگاهداری و ما زاد پیش فرستی تا بارت سبک باشد - پس در این راه پیمایی و دشوار - بر پشت خویش مازاد بر احتیاج حمل نکن زیرا این سنگینی بار و وبال گردن تو می‌باشد وقتی از نیازمندان کسانی را می‌بایی که توشه اضافی تو را حاضرند حمل کنند و آن زمان (آخرت) که بدان احتیاج داری، باز پس بدهند، وجود کسی را که در حال بی‌نیازی از تو قرض می‌گیرد در موقع حاجت پس می‌دهد، غنیمت شمار و بدان که در جدایی راهت گردنه و گذرگاه گوهستانی صعبی است و پس از آن فرود تو یا بر پهن دشت مرتفع بهشت (تکامل) است یا سراسیمگی دوزخ (حطاط) در این گذرگاه آن کسی که توشه‌ای سبک بر پشت دارد (فادق ثروت و مالش) بهتر از کسی است که گوله‌باری سنگین حمل می‌کند (ثروتمندان) کسی که مخازن دنیا و آخرت در دستهای اوست تو را در خواستن مجاز شمرده و نیازمندی‌هایت را تکفل کرده و از تو خواسته تا از او طلب کنی و او بتو می‌بخشد که او رحیم و بخشاینده است. . . . (مال بدان) چه بسا چیزی از او می‌خواهی بتو نمی‌دهد اما بهتر از آنرا دیر یا زود نصیب می‌کند، یا از آن چیز محرومی می‌سازد زیرا خیر تو در آنست. زیرا چه بسا چیزی را خواهستی که اگر بتو بدهد نابودی دین تو در آنست. پس چیزی از او بخواه که تو را یاری کند. از چیزی که زیبایی او برای تو می‌ماند و بدی و واپسش از تو دور می‌شود - در صورتیکه مال نه آن برای تو می‌ماند و نه تو برای آن - و (باید بدانی) که تو در منزل بین راه و در حال رفتن و شدن در طریق آخرت هستی - تو را بر حذر می‌دارم که فریب چیزی را بخوری که (در دنیا دوستان) در آن جاودانگی را می‌جویند و بر سر آن سبزی می‌کنند. این دنیا پرستان سنگ پارس کننده و درندگان تیز دندان هستند که بعضی بر بعضی دیگر پارس می‌کنند (برای کسب مال و قدرت) قدرتمندان، ضعیفان را می‌خورند و بزرگترها کوچکترها را، بدرستی که دنیاداران از راه درست و

مال من، آیا مال تو جزانت که صدقه می‌کنی و می‌بخشی پس باقی می‌گذاری، و می‌خوری پس نابودی می‌کنی و می‌پوشای، پس می‌پوشای ۷۴ در قرآن یک شرط اصلی ایمان واقعی، اتفاق مال است - در کلیه آیات که در مومنان و شرایط ایمان آمده است، اتفاق در ردیف بیاداشتن نماز بیان شده است. انما للمؤمنون الذین اذا ذکرا لله وجلت قلوبهم و اذا تلبث علیهم آیات زاهدت ایماناً و علی ربهم یتوکلون الذین یقیمون الصلوة و مازاتاهم ینفقون اولئک هم - المؤمنون حقاً" لهم درجات عند ربهم و یغفروہم و رزق کریم" ۷۵ - مومنان کسانی هستند که چون خدا را یاد کنند، قلوبشان بیمناسک شود و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان فزوده شود و بر پروردگار خود توکل و اتکا دارند - آنگاه نماز بپا می‌دارند و از آنچه روزیشان داده‌ایم اتفاق می‌کنند - آنان مومنان حقیقی‌اند، از برای آنان نزد پروردگارتان درجات و ارزشی و روزی است.

وشرالمختبین - الذین اذا ذکرا لله و جلّت قلوبهم والصابرین علی ماصابهم و المقیمین الصلوة و مازاتاهم ینفقون" ۷۶ - فروتنان را بنیادت ده، آنان که هرگاه یاد خدا شود، دل‌هاشان بیمناسک و بر آنچه به آنان رسد صبور و شکیبا بوده - بیادارنده نمازند و از آنچه روزیشان دادیم اتفاق می‌کنند. اتفاق در ردیف ایمان به خدا و رسول او آمده است "قوالله و رسوله و انفقوا ما جعلکم مستخلفین فیہ، قالذین آمنوا منکم و انفقوا لهم اجرا" کبیر" ۷۷ - بخدا و

مانند منحرف و گم شدند - در مال و ثروت و فتنه و ظلم مربوط بدان غرق گشتند و آن را خدا و (مقصدهایی) خویش گرفتند - دنیا و ثروت آن با آنان بازی میکند و آنان هم با مال و ثروت بازی می‌کنند و عواقب و بی‌آمدهای آنرا فراموش کرده‌اند. . . پس در خواسته خود دگر باش و در مکتساب به کم راضی باش، زیرا چه بسا خواسته‌هایی که باعث ربودن مال دیگران (استثمار) می‌شوند و هر خواهنده از این نوع نجات نمی‌یابد و هر کس بداندک قانع بود محتاج نمی‌شود. نفس خود را گرامی و بزرگ دار - اگر چه تو را بسوی امیال سوق دهند، اگر نفس خود را با آن خواسته‌ها معاوضه کنی در هر حال زبان برده‌ای، بنده دیگران مباش (گدا) نسابت و نفس خود را خود را مغرورشی و تابع آنان سازی) زیرا خدا تو را آزاد آفریده است - و آن خیری (مال یا خوبی) که جز از راه شر (تجاوز و استثمار) بدست آید خیر نیست و آن آسانی که جز سختی و مشقت دیگران بدست نیاید - آسانی نیست - بر حذر باشی که توسل طمع و فرزون خواهی - تو گرا در آیشخوردن هلاکت و نابودی نیفتد" ۷۲. ابوسعید از رسول خدا نقل می‌کند که "خدا را ملاقات کن در حالی که فقیر باشی" - در حالی که غنی باشی - گفت یا رسول - الله چگونه برای من ممکن است که چنین باشم؟ فرمود آنچه از تو خواستند منع نکن و آنچه روزی داده‌شده‌ای پنهان نکن - گفت چگونه برای من ممکن است، فرمود راه حق همین است و اگر نه شایسته است. ۷۳ یا صیر با اشاره به آیه الهیکم لا تکثر زیاد - طلسی و تکثیر مال شما را نابود ساخت فرمود، فرزند آدم دانما" می‌گوید مال من،

ماهیت و عملکرد امپریالیسم

بقیه از صفحه ۳

را رادیکال تر میگرد و جهان اسلام را بسک پارچه برضد آمریکا می‌انگیزد. (۲۵) این بار نیز محاسنه آمریکا که در آن قاطعیت امام وامت در ادامه مبارزه ضد امپریالیستی بحساب نیامده بود و تمامی تحلیلان برآ مبتنی بر روحیه محافظه گارانه دولت وهم جهت شورای انقلاب با دولت ساخته بودند، همچون گذشته غلط از آب درآمد. زیرنویس:

- ۱ - لوماتن ۲۴ اوت ۷۸
- ۲ - اطلاعات ۹/۲۲/۱۳۵۵
- ۳ - اطلاعات ۹/۲۲/۱۳۵۵
- ۴ - ن - ن به ماجرای نصب علی امینی باقتدار جان - اف - گندی از زبان آبرین مایر سفیر پیشین آمریکا در ایران، اطلاعات ۵ و ۶ - بونداریسکی، گریگوری لوویچ، تاریخ توسعه طلسم آمریکا در ایران ص ۷۱ و ۷۲
- ۷ - ن - ن به اطلاعات ۹/۲۲/۵۵
- ۸ - به نقل از روزنامه مردم شماره ۲۱۰/ مورخ ۱۵ مرداد ۵۷
- ۹ - ن - ن به مجله " دنیا " شماره ۷ و ۶ شهریور، مهر ۵۷ ص ۴۴

در این زمان آمریکا که در برابر وحدت یکپارچه تمامی مردم ضد استبداد و تسلط ارتش بعنوان یک مجموعه پیوستن اقلتر وسیعی از آن به انقلاب مواجه گشته بود بیش از هر زمان امیدش را به نیروهای لیبرال و فرمیستی دوخت که دولت را قیضه در دزدان بلایای شورای انقلاب را نیز در دست گرفته بودند. این امید - مبتنی بر آرزو و توهمات نبود، بلکه حاصل مراودات و تمسهای مکرر و بررسی پایگاه اجتماعی و بیشتر این نیروها بود. اکنون گارت خائن سمبل قدرت اجرائی امپریالیسم آمریکا که روز قبل از گشتار جمعه خونین اردشیر زاهدی را بعنوان مأمور چراغ سبز گشتار جمعه در نزد شاه روانه میسازد در فرجادی گشتار خونین ۱۷ شهریور سیاست شاه ریشخینی می‌کند و آتزا گامی در جهت بسط آزادیها می‌خواند، تغییر لحن میدهد و این بار از جد مکت ایران در تعیین سرنوشت خود!! ای می‌کند.

آری آنجان که گارت و همکارانش گفته‌اند آنان امیدوار بودند که با حفظ ساختمان ارتش موقتاً گامی به عقب بگذارند و سرها را پائین آورند تا پس از گذر طوفان با یک خیزش تمامی پایگاههای از دست رفته را باز یابند.

رولش ایمان آورد و از آنچه شما را در آن جانشین گردانید اتفاق کنید - پس کسانی از شما که ایمان آوردند و اتفاق کردند برایشان پاداش بزرگی است. در پیش توحیدی، ایمان با ورداشتن بهجه سنت‌های الهی و عمل بدان است. تسلیم بودن به نظام هستی و منطبق ساختن همه اعمال و اندیشهها بر آن نظام و سنت‌هاست. ایمان را هرگز نباید اقرار زبانی به وجود خدا و پیامبری رسول او تعریف کرد، ایمان واقعی در عمل و شخصیت فرد ظاهر و معلوم می‌شود - عمل و اندیشه (نیت) شخص باید معرف نوع و درجه ایمان وی باشد، اهمیت توجه به زندگی و معیشت دیگر مردم و گذشت از مال برای تأمین احتیاجات متعلق به اندازهای است که خداوند اینگونه اعمال را شاخصه ایمان به دین خدا شمرده است - در سوره ماعون زمانی می‌خواهد منکر آئین خدا را به مردم معرفی کند - بر رفتار اجتماعی او نسبت به محرومان و یتیمان و نسبت به مال و مایحتاج عمومی و ابزار و وسایل زندگی خلق تاکید می‌نماید "ار ای التذی یکذب بالذین - فلذک الذی یدع الیتیم و لا یحضر علی طعام المسکین - قول للصلیة الذین هم عن طلائهم ماهون - الذین هم یراؤون و یمعنون الماعون" ۷۸ - آیا کسی را که تکذیب دین می‌کند دیدی - پس او کسی است که یتیم را می‌راند، و بر طعام بینویان ترغیب ندارد - پس بدای بر نمازگزارانی که در نماز خویش تساهل و غفلت می‌کنند - کسانی که خودنمایی و ریا می‌کنند و مایحتاج عمومی را حسیب می‌نمایند.

- ۱۰ - ن - ن به شماره ۴۶ خبرنامه
- ۱۱ - ن - ن به کیهان ۴۷/۷/۷
- ۱۲ - ن - ن به کیهان ۴۹/۲/۲۸
- ۱۳ - بونداریسکی، گریگوری لوویچ، تاریخ توسعه طلسم آمریکا در ایران ص ۹۵
- ۱۴ - کیهان ۵۷/۴/۱۷
- ۱۵ - اطلاعات ۵۵/۹/۲۲
- ۱۶ - خبرنامه اردیبهشت ۴۹
- ۱۷ - اطلاعات ۱۳۵۵/۹/۲۳
- ۱۸ - اطلاعات ۵۲/۳/۵
- ۱۹ - کیهان هوائی ۱۱ اوت ۷۶
- ۲۰ - اطلاعات ۵۲/۲/۶
- ۲۱ - اطلاعات ۵۱/۱۲/۱۶
- ۲۲ - اطلاعات ۵۲/۱/۲۲
- ۲۳ - اطلاعات ۵۱/۴/۱۵
- ۲۴ - کیهان ۵۶/ آبان ۷۸
- ۲۵ - اوامنتیه ۲۵ اوت ۷۸
- ۲۶ - بحران جدید سیاسی و اقتصادی رژیم و نقش نیروهای چپ ص ۳۵
- ۲۷ و ۲۸ - ماخذ از جزوه " چه کسی، . . . جیمی گارت را اداره میکند؟ " نوشته گریگ گاریل، یا ترجمه آقای مهندس محمودریاضی میباید.
- ۲۹ - مجله اکسیرس شماره ۱۴۸۳ - ۱۵ دسامبر ۷۹
- ۳۰ - اطلاعات ۵۷/۱۲/۹

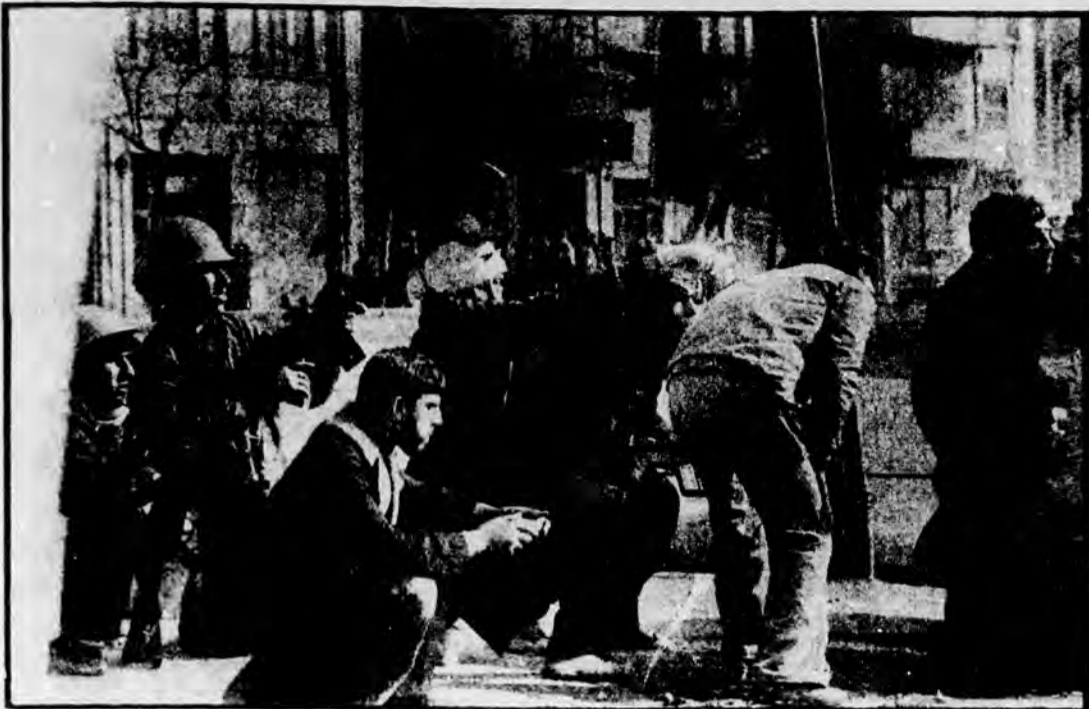
بیانیه جنبش مسلمانان

بقیه از صفحه ۶

اکنون مبارزه با پایگاهها و نفوذ امپریالیسم آمریکا و متحدین آن در ارتش و اقتصاد کشور در سرلوحه هدفهای جنبش قرار داد و لذا:

- ۱ - بر همه عناصر انقلابی مسلمان و گروهها و سازمانهای بیستاز و همه توده‌های زحمتکش و روشنفکران جوان است که کار سازماندهی جنبش را در مقیاسینوهای و با کیفیت انقلابی و همراه با یک انسجام و وحدت کامل ایدئولوژی با سرعت و هوشیاری تمام توسعه دهند.
- ۲ - لازم است شوراهای اسلامی خلق در همه جا در شهر و روستا، در کارخانه و کارگاه، و دانشگاه و در محله و مدرسه و اداره تشکیل گردد، و ادارا مأمور مربوط به مؤسسه و کارگاه، با مزرعه را برعهده گیرند.
- ۳ - ایجاد تشکیلات سیاسی سراسری وابسته به جنبش انقلابی اسلامی برای هدایت و راهنمایی توده‌ها در تشکیل سازمانهای صنفی شوراهای اسلامی خلقی و مقاومت‌های مسلحانه و هم‌چنین شرکت فعال و سازمان یافته در همه‌پرسی برای جمهوری و انتخاب نمایندگان مجالس عمومی ضرورت فوری دارد.
- بیروز با جنبش انقلابی خلق مسلمان ایران، مستحکم‌باد اتحاد همه نیروهای انقلابی مسلمان، نابود باد سلطه استعماری امپریالیسم جهانی و حاکمیت استثماری ستمرگانه سرمایه‌داری غارتگر و وابسته داخلی. جنبش مسلمانان مبارز ۱۹/ بهمن ۵۷

بیانیه جنبش مسلمانان مبارز در آستانه سقوط رژیم شاهنشاهی



بسم الله الرحمن الرحيم

وَقَالُوا هُم حَتَّى تَكُونَ قَتْنَةً وَ بَكُون -
الذین لله فاش انتھوا فلا عدوان الا علی -
الظالمین .

با آنان نبرد کنید تا آنوقت و ظلمی
بانی نماند و دین و نظام از آن خدا گردد -
پس از آن اگر دست از ظلم بردارند،
تحاور جز بر سنگران روا نیست .

با رفتن شاه و بازگشت بیروبرستانه
رهبر ملت امام خمینی

نهضت انقلابی خلق مسلمان ایران به
مرحله نازمائی گام می‌نهد. نظام سلطنتی
و استبداد محمدرضا شاهی در هم شکسته و
بسیای آخر را می‌کشد. این بیروزی به
قسمت جان هزاران شهید و ایستادگی و
سینه‌جوشی و خشم و مقاومت انقلابی مردم
و هوشیاری و سرسخی، رهبر نهضت
بدست آمد ولی استبداد سلطنتی اولین
سنگر مهمی است که بیاری خلق و بیستوایی
امام خمینی فتح شده است و هنوز تا
رسیدن به بیروزی نهایی سنگرهای دیگری
نیز باید بدست نهضت انقلابی مردم گشوده

است که بتواند به بهترین نحوی محری
نظریات خودش باشد .

۴- مبارزات گسترده و انقلابی مردم و
برخوردهای خویش ارش با ملت که با
مقاومت بی نظیر مبارزان مسلمان همراه بود و
قدرت عامل مذهبی در این نهضت باعث

بروز شکافهایی در انسجام و یکپارچگی
ارتش شد - ادامه و رشد و تکامل
برخورد انقلابی خلق با ارتش، پیش

از پیش از این وحدت و یکپارچگی می‌گاست
و آنرا در وضعیت خطرناکی قرار می‌داد -
بر این اساس ترحیم دادند که از این
برخوردها جلوگیری کنند و با کاربرد

روشهای پیچیده‌های حرکت جنبش مردم را
از شکل فیهرازمیری که به خود می‌گرفت به
شکل مسالمت‌جویانه تغییر جهت دهند .

برای این منظور خود را با هدفهای مردم
همراه نشان دادند و جستجوی شخصی نظیر
بختار که سابقه مبارزه با رژیم را با خود
ندک می‌کشید آغاز شد . بختار با تبلیغات

سازگارانه، اهل زدویندهای سیاسی، دارای
احساسات ضد مذهبی، روحیه جاه‌طلبی و
بایبند به لیبرالیسم سرمایه‌داری غربی در

یورش سوسال دموکراسی مهره مناسبی بنظر

می‌رسد .

۵- آمریکا که در حقیقت در برابر
قدرت و عمق نهضت اسلامی مردم غافلگیر
شده و می‌دید که سرعت این سیل بنیان -
برانداز چنان است که فرصت تجدید قوا و
زدن ضربه مقابل نمی‌دهد چنانکه گفتیم به
حفظ ارتش فوریت و اولویت خاصی داد تا در

آینده به کمک آن موقعیت خود را مجدداً
مستحکم کند- بهمین دلیل لازم بود
تحولات ایران که تغییر نظام سیاسی را
اجتناب‌ناپذیر ساخته بود، با مسالمت

انجام گیرد و انتقال قدرت شاه و تغییر
سلطنت به جمهوری نه از راه مبارزه انقلابی
و برخورد فیهرازمیری بین ارتش و مردم، بلکه
با مسالمت و در درجه اول توسط عناصر

مورد اعتماد صورت گیرد. بختار برای آن
برگزیده شد تا این انتقال را بتوسط مطلوبی
که مستلزم کمترین ضایعات برای رژیم و
آمریکا باشد انجام دهد و پیش از آنکه

انقلابی مردم همه بنیادهای رژیم و سلطه
استعماری و عناصر و پنهانها و سازمانهای
وابسته بدان را درهم گوید - با دادن

آزادیهای سیاسی و گشودن درهای زندان و
تظاهر به انحلال ساواک و اعلام آمادگی
برای تغییر نظام سیاسی کشور به گونه‌ای که
قانون اساسی پیش‌بینی کرده است - مهار

تغییرات را برعهده گیرد و سلطه‌های جنبش
را فرونشاند اما این تصمیم خیلی دیر
اتخاذ شد. مدتها بود که مردم انجام هر
تغییری را از جانب رژیم رد می‌کردند و

اصالت آنرا انکار می‌نمودند - فرمان شاه و
ناشد آمریکا کافی بود تا مردم و رهبری
آگاه جنبش دست رد بر سینه بختار بزنند .

وی علیرغم سورنگ آزادیخواهی که برچهره
زد، مجبور شد قدم به قدم راه اسلاف
خویش را دنبال کند. همان حرفهای ازهارای

را تکرار و دستهایش را به خون فرزندان
خلق آلوده سازد. وی بر طبق نقشه آمریکا
کوشید شعارهای جنبش را از دست مردم

خارج سازد و با تحریک و سوسیالی در
صوف متحد خلق شکاف و تجزیه ایجاد
کند- و حتی خود را مظهر نهضت ضد -
استبدادی مردم انگاشت و مجلس فرمایشی

شاه را که پیش از آن بارها خود آنرا محکوم
ساخته بود - مستمسک مشروعیت حکومت
خویش قرار داد و رایی و تمایل اکثریت

عظیم خلق را علیه خویش به هیچ شمرد، و
بر آن برجسب دیکتاتوری زد - در این
هیاهوی تبلیغاتی علیه نهضت خلق، علاوه

بر مزدوران رژیم و نوکران آمریکا، بسیاری
فرصت‌طلبان و چپ‌نماها نیز با بختیار
همراه شدند .

خمینی زعیم خلق با اشاره به این
حقیقت که "اگر چه شاه رفته است اما هنوز
آمریکا در ایران است، و مبارزه تا قطع

کامل نفوذ آمریکا و سلطه استعمارگران و
انهدام پایگاههای آن ادامه دارد، و اینکه
بختیار تنها محری سیاست امپریالیسم است،

خلق تا کسب قدرت و پیروزی کامل، راه
درازی در پیش و سنگرهای بسیاری در
مقابل دارد، این توطئه را خنثی کرد .

۶- نقشه آمریکا در این مرحله آن بود
که به کمک بختیار که تظاهر به اجرای
خواستهای مردم می‌کرد، همراه با بیرون

رفتن شاه، آزادی زندانیان سیاسی
انحلال ساواک، ... و حتی اعلام جمهوری،
ابتکار عمل را از دست مردم و رهبری اصل

آن خارج سازد، و با تبلیغات زهرآکین
تفرقه و کشمکش و تضاد میان خلق را دامن

زند - جنبش مردم را فرونشاند و نیروهای
آنرا تجزیه و در مقابل هم قرار دهد . و
ارتش را تصفیه کرده و انسجام و یکپارچگی
آنرا تحدید کند، و سرانجام در اولین

فرصت مناسب ضربات سختی بر نیروهای
اصیل و انقلابی مردم وارد آورد، نهضت
خلق را بکلی درهم بگوید، با تصمیم رهبر

جنبش به بازگشت به ایران و اصرار و
بافشاری مردم برای بازگشودن فرودگاهها و
پناز شدن دست آمریکا در این معرکه و

سرانجام ورود موفقیت آمیز پیشوای نهضت،
کار بختیار را ساخت .

۷- بنظر می‌رسد که آمریکا و مزدوران
داخلی اش از اینکه بتوانند ابتکار و رهبری
تحولات را در خود در دست گیرند،

مأموس شده‌اند لذا در جراید می‌خوانیم که
وزارت خارجه آمریکا و کاخ سفید به مأموران
خود دستور می‌دهد تا به عناصر مخالف

نزدیکتر شود و تماسهایی با آنها برقرار
کنند- در تعقیب هدف اصلی حفظ ارتش و
پایگاههای دیگر خود، برای آنکه انتقال

قدرت از راه مشی انقلابی و مسلحانه انجام
نگیرد که ضرورتاً با انهدام و منلاشی شدن
آن همراه است همچنان از برخورد نظامی

اجتناب می‌ورزد و سعی می‌کند بین سران
ارتش و جنبش مردم مسالحه و سازشی
بوجود آورد - انتقال مسالمت‌آمیز قدرت و

مسالحه بین ارتش و مخالفان آنرا از خطر
تجزیه نجات می‌دهد و بصورت یک نیروی
مستقل و تحت نفوذ آمریکا در صحنه باقی

نگه می‌دارد، نیرویی که بعداً "به کمک آن
آمریکا قادر است از جریانات وابسته یا در
جهت منافع خویش حمایت کرده و عناصر و

جریانات انقلابی و ضد امپریالیستی را
سرکوب کند .

۸- در موقعیت کنونی که مردم
یکبارجه در زیر لوای رهبری پیشوای خود
آماده هرگونه فداکاری و مقاومت و از

جان‌گذشتگی هستند و افراد در رده پائین
ارتش سربازان و بسیاری از افسران و
درجه‌داران به نهضت مردم روی آوردند،

آمریکا هرگونه مقابله درازمدت نظامی بین
ارتش و مردم را بزبان خود و بضع جنبش
می‌داند- البته اگر امیدوار بود که با یک

اقدام سریع و ضربه‌کوتاه و سخت نهضت
منلاشی و سرکوب می‌شود- یک لحظه در
آغاز بکار درنگ و تردید نمی‌کرد، اما تجربه

گذشته نشان داده است که مقاومت مردم
بیش از آن است که بتوان با یک یورش آنها
را به خانه‌هایشان بازگرداند . وحدت و

هوشیاری و آمادگی خود را از دست
دادند و کشمکشهای حزبی و عقیدتی و
شخصی نیروی آنها را تحلیل می‌برد .

۹- بعلاوه انتقال مسالمت‌آمیز قدرت
سبب می‌شود ارتجاع و مزدوران استعمار و
نهادهای اقتصادی، اجتماعی رژیم و عناصر

ضدانقلاب عمدتاً " دست نخورده باقی
بمانند و در اولین فرصت توطئه‌ها،
تحریکات، کارشکنی‌ها، تفرقه‌افکنی‌ها،

مواضع خویش را حفظ کرده - انقلاب را از

هر سو مورد تهاجم قرار خواهند داد .
خواهیم دید که چگونه عناصر دست -
نشانده خود را بدرون صفوف نهضت

می‌فرسند - با کارشکنی‌ها، خرابکاری و
ایجاد اغتشاش و فحطلی‌های مصنوعی با
دام‌زدن به جنگ و سینه گرومی، قومی و

عقیدتی و با سیاسی‌های تبلیغاتی و صربه
زدن از درون - نهضت مردم را منلاشی و
دچار ضعف و جامعه را به هرج‌ومرج و

بی‌نظمی خواهند کشاند و در چنان شرایطی
ارتش استعماری که فرصت کافی برای تصفیه
بدست آورده و انسجام خود را بازیافته

است، میدان عمل پیدا می‌کند و قادر
خواهد بود طرح‌های جاسوسان استعمار را
بصورت کودتاها ظاهرالصلاح و بردهی و

حتی اسلامی بنیاده کند، علیه‌ها ضرورت
کیفیت انقلابی جنبش اسلامی خلق از هر
جهت اهمیت اساسی و درجه اول دارد :

اولاً- انظاری که مردم از فداکاری‌ها
و جاننازی‌های خود دارند نمی‌توان بیک
سلسله اقدامات اصلاحی روئایی محدود

نمود - مردم خواهان تعبیرات بنیادی
عسله نظام طالبان و ضد مردمی گذشته
هستند - مردم می‌خواهند که کار و نقوی

بحای نول و سرمایه منبای ارزشبایی و
مناسبات اجتماعی قرار گیرد و با برقراری
قسط اسلامی و برادری از سطره، حاکمیت

طبقاتی زر و زور آزاد گردند - مردم
می‌خواهند آزاد از هر نفوذ و سلطای
سرنوشت خویش را در کارگاه و مزرعه و

مدرسه و دانسکده، در کارخانه و محله...
بدست گیرند و اراده و قوانین الهی را
بحای اسمال و هدفهای اشخاصی و طبقات بر

جامعه حاکم سازند .
ثانیاً- محو عناصر کثیف و خود فروخته
و نهادهای اجتماعی - سیاسی و فرهنگی و

اخلاقیات ضدنوحیدی فقط یکمک یک جریان
انقلابی امکان پذیر است .
ثالثاً- تبدیل ارتش استعماری به یک

ارتش مردمی تا نه فقط در خدمت امپریالیسم
و ضدانقلاب قرار نگیرد بلکه پاسدار حقیقی
دستاوردهای انقلاب و در خدمت مردم

باشد . لذا تلاش سخت عناصر میانه‌رو و
راست‌گرا برای کنار زدن جناح انقلابی
جنبش اسلامی و تسلط کامل بر رهبری آن با

ضرورتهای فوق مغایرت دارد .
۱۱- در مقایسه با حرکت اصلاح‌طلبی
(ملی و مذهبی) که با بیش از سی سال

سابقه مبارزه از موقع منتهای در رهبری
نهضت برخورددار است، حرکت انقلابی
اسلامی که در مرحله جدید خود بیش از

پانزده سال قدمت ندارد و در سخت‌ترین
شرایط پلیسی و در زیر شدیدترین ضربات
سرکوب‌کننده رژیم آغاز به رشد کرده است

و با موقعیتهای دشوار و مهلکی مواجه
گردیده در رهبری موفقیت چندان استواری
ندارد . بعکس دارای زمینه مردمی قوی و

گسترده‌ای است و حمایت توده‌ها و نسل
جوان و مبارز را پشت سر دارد .
تبلور این نیروی عظیم اجتماعی در

داخل یک سازمان سیاسی - مردمی و پیشرو
به نحوی که از وحدت ایدئولوژیک و انسجام
تشکیلاتی برخوردار و برخورددار و مقاومت

جنبش مسلمانان مبارز قطرهای در...

بقعه از صفحه اول

تعلیقات سیاه‌روزی رژیم نظام شاهنشاهی در ۱۴ قرن اخیر حتی در یک لحظه مورد تأیید ملت ایران نبوده‌است. ملت ایران در چهارده قرن قبل با قبول اسلام خط بطلان بر نظامات شاهنشاهی کشیدند.

نقل از سانس جهانی مسلمانان مبارز
رمضان ۱۳۹۷، شهریور ۱۳۵۶

برجم مبارزه انقلابی در دست خلق نه عناصر سازگار و فرصت طلب... از دیدگاه مبارزین مسلمان و انقلابی ایران سرکوبی رژیم و تحقق خواسته‌های مردم جز از راه یک مبارزه انقلابی و سرانجام با استفاده از سلاح ممکن نیست. در عین حال بر این حقیقت وقوف داریم که لازمۀ ایجاد جو مساعد برای رشد انقلاب در وهله اول، سیاسی کردن نوده زحمتکش و بسیج همه نیروهای مخالف رژیم است. هر ضریبی بر قدرت سیاسی رژیم وارد شود و هر قدری که در راه کسب آزادی برداشته شود در صورتیکه بوسیله نیروهای اصلی رهبری شود می‌تواند زمینه رشد سرعتر مبارزه انقلابی را فراهم کند. به همین دلیل باید از افتادن رهبری مبارزه سیاسی بدست عناصر سازگار با فرصت طلب فوای جلوگیری کسب و برای تضمین سلامت جنبش اصلی خود و هماهنگی و همکاری با دیگر مبارزین اصلی از اصلت و استقلال حرکت انقلابی مسلمانان در صحنه بیکار مراقبت کرده از برانگیختن نیروهای آن در مسیرها و جریان‌های حاشی و اجنبات انحرافی سخت جلوگیری کنیم. نهضت مسلمانان ایران باید همچنان برجم مبارزه انقلابی مردم ایران را برافراشته نگاه دارد و خلق را در جهت حرکت سوی یک انقلاب رهائی بخش بیدار کند و آموزش دهد.

جنبش مسلمانان مبارز
۱۶ آذرماه ۱۳۵۶

منافع عظیم اقتصادی و استراتژیک آمریکا و مقاومت و بیداری م در دفاع از رهبری امام خمینی:

انام خمینی... آمریکا برای ایفای نقش رسیده‌ها و تضمین منافع عظیم اقتصادی و استراتژیک خود در منطقه تعبیراتی روسیانی در نحوه اداره مملکت را خواهانست و اختلاف او با رژیم هرگز به یک دیگری که منافع و موقعیت او را منزلزل سازد منجر نمی‌گردد. اینک حوادث سرعتر از خبدا انتظار می‌رفت برده‌های اوام و خابلقیبا و اسد‌های واهی بعضی از عناصر و فشرهای غیر انقلابی سطحی بکر را از هم پاره کرد و چهره برجم و شجاوز و خون آشام رژیم بیکارده‌نگاه عربان و گریه و نقرانکیز در معرض نگاه مردم سنگسار شده ایران قرار گرفت... حوادث اخیر جهانی تعبیری در سیاست برور و وحشت شاه ایجاد نکرده در خیابان-های قم و در صحن حصر معصومه و در گذرهای این شهر بیکارجوی ضداستبداد و سنگر مقاومت و بیداری، خون جاری می‌شود و اجساد صدها شهید بر روی زمین می‌افتد... جنبش مسلمانان مبارز
دی ماه ۱۳۵۶

مردم مسلمان وقهرمان تبریز با زبان اسلحه با استراتژی آمریکا سخن می‌گویند:

کشتار مردم مسلمان و مبارز تبریز بدست عوامل رژیم جنایتکار و مزدور پهلوی را نباید آخرین جنایت از سلسله جنایت‌های ضد مردمی دانست که از مدتی پیش در ابعاد وسیع و نازهای برای سرکوبی بیکار آشتی ناپذیر خلق مسلمان ایران آغاز شده است. موقعیت ایران بعنوان یکی از سر-پلهای حساس و استراتژیک امپریالیسم جهان‌نحوار و سرمایه‌داری غرب ایجاب می‌کند که حتی به قیمت خون میلیونها مردم زحمتکش و اسیر و هزاران جوان بیکار-جو و حق طلب تحت سلطه رژیم استبدادی شاه این سک زنجیری امپریالیسم - باقی بماند.

منافع عظیم اقتصادی و نظامی و استراتژیک که سرمایه‌داری غرب و در رأس همه آمریکا در منطقه خاورمیانه دارد و ضرورت ادامه غارت منافع عظیم نفتی این منطقه و دیگر ثروتهای طبیعی و سلطه کامل بر بازار اقتصادی آن و مهار کردن نهضتهای آزادیبخش و سرکوبی انقلابات و جنبشهای مردمی سبب شده‌است امپریالیسم حمایت کامل خود را همانند گذشته از رژیم خائن و استبدادی شاه اعلام دارد و با ادامه کنشهای نظامی نقش او را بعنوان زاندارم منطقه حساس خاورمیانه و شمال آفریقا و سنگ تگاهان منافع اقتصادی خود و منابع نفتی تثبیت کند... تیربیز با قیام قهرمانانه خودخواسته‌های برحق مردم و خشم خلق را نسبت به

عوامل فقر و سدروری، اخناق و شکنجه و زندان منعکس ساخت و نشان داد که هیچ راه آشتی و سازش بین مردم و رژیم وجود ندارد و جز با زبان اسلحه نمی‌توان با رژیم پهلوی سخن گفت.

جنبش مسلمانان مبارز
اسفند ۱۳۵۶

هشدار به نوده‌ها: یک فلدن نظامی و با یک گروه سیاسی قایل اطمینان شاه برای فریب و نیرنگ خلق در راهند... توجه به حوادثی که در پاکستان اتفاق افتاد و به سقوط بونو عمیر کتیف و دست-نشانده و ضد مردمی و ضد اسلامی و روی کار آمدن فلدن نازهای باسم ضال الحق منجر گردید می‌تواند آموزنده باشد. بعد از آسویی که یک بابۀ آنرا جنبهٔ اتحاد ملی پاکستان تشکیل می‌داد و حکومت بونو دانسته با ندانسته و بر طبق طرح از بابان بدان دامن می‌زد به اوج خود رسید. صورت دخال ت ارتش مطرح شد و امتیازات سحرهای تحت عنوان مراعات اصول اسلامی به مردم اعلام گردید. اتحاد ملی خواسته با ناخواسته خاموش شد و یک دوره ظاهرا با نیات برای استعمار و قدرتهای ضد مردم داخلی محدودا آغاز شد. بدیهی است در ایران شاه در حفظ قدرت مطلقه خود اصرار و سعی دارد این طرحها را خود اجرا کند اما تضاد منافع و موقعیت او با خلق بقدری است که هرگز موفق نمی‌شود با وجود خود و رژیم کنش رسیده‌ها و عوامل انقلاب مردم را تخفیف دهد و خیال اربابها را آسوده سازد در اینصورت شاید محور شود به تعبیراتی تن دهد. شکل استحاله بعدی به عوامل متعددی بستگی دارد، کنار رفتن بفع فرزندی، آمدن یک فلدن نظامی با یک گروه سیاسی قایل اطمینان در رأس کار و ظاهر به مبارزه با مظاهر نظام گذشته همه جز وسیلهای برای فریب و نیرنگ خلق و خاموش کردن مبارزه مردم نیست.

جنبش مسلمانان مبارز
اردیبهشت ۵۷

بعد از شاه نوبت قدرتهای بزرگ استعماری و سرمایه‌داری جهانی است: مردم مسلمان ما همانند دیگر ملل اسیر و تحت سلطه دیرگاهی است به نیات شوم و فریب و خدعههای غولان و شیاطین استعمارگر پی برده و از آن آکنده و از همین آگاهی است که تضاد اساسی بین هدفهای برحق ملت ایران و سیاست‌های استعماری را نشان می‌دهد و قدرتهای سلطه‌جو را نگران می‌سازد به همین جهت مردم رنج دیده ایران می‌دانند که فقط با شاه و دارودسته او طرف نیستند که در مقابل آنها قدرتهای بزرگ استعماری و سرمایه‌داری جهانی استبداد دارند.

... خلق ستم دیده و مبارز ایران به رهبری نیروهای پیشرو و انقلابی مسلمان و به هدایت مرجع عالیقدر و مبارز سرسخت امام خمینی به حق نظام شاهنشاهی و حکومت مطلقه محمدرشاه را اولین و مهمترین مانع در راه تحقق خواسته‌های خود معرفی کرده‌اند. شعار مرگ بر حکومت بزیدی شاه نفی نظام شاهنشاهی در این مرحله از مبارزه درست انتخاب شده‌است و هیچکس نمی‌تواند در این حقیقت شک کند که جز با نابودی حکومت شاه پیشروی در راه استقرار یک حکومت ملهم از تعالیم آزادیبخش توحیدی تحقق یابد.

جنبش مسلمانان مبارز
خرداد ۵۷

قیام خونبار ۱۵ خرداد ۴۲ به رهبری امام خمینی نقطه عطف خشی نمودن توطئه جدائی دین از سیاست

... رهبری افکار مذهبی و امامت امت بدست شایسته‌ترین مرجع سپرده شد و امام خمینی بحق این رسالت بزرگ و وظیفه حساس را با شهادت و صداقت و آگاهی بر دوش گرفت. اسلام را که برای چندمین بار بصورت عامل بازدارنده خلق و در خدمت قدرتهای سلطه درآمده بود به موضع راستین آن که سلاح بیکار علیه شرک و شعل راه آزادی انسانها و راهمنای عدل و برابری و بستر حرکت تکاملی است باز گرداند زعامت امت را از صورت انحطاطی و مسخ شدن آن که بسطح کبی کردن توضیح-المسائل و اخذ و تقسیم وجوهات تنزل کرده بود. به مقام درست آن که رهبری

فکری و سیاسی است بمنظور جهاد علیه همه جلوه‌های گوناگون شرک و ظلم در زندگی فردی و اجتماعی و استقرار حکومت اسلامی است. ارتقاء داد. قیام مردم در ۱۵ خرداد ۴۲ نقطه عطفی در حرکت فکری و بیداری وجدان بذهنی و شعور سیاسی و اجتماعی بوده و در بنسب مذهبی و درک رسالت انبیا و آدای مسئولیت اسلامی و تعهدات اجتماعی آنها محسوب می‌شد. تلاش چندین ساله ارتجاع و نظام حاکم را برای تکفیک محمد دین از سیاست و زندگی روزمره مردم خنثی کرد.

جنبش مسلمانان مبارز
تیر ماه ۱۳۵۷

طرح فضای باز سیاسی، توطئه رژیم و امپریالیسم آمریکا و متحدین اروپایی و ژاپنی آن

دشمن غدار می‌کوشد مبارزه را از مسیر اصلی آن منحرف سازد و شکافی بزرگ در جبهه متحد مردم مسلمان ایران بوجود آورد. هدف اصلی دشمن چنانکه در همه تحلیل‌های گذشته بیان داشتیم آن بوده است تا ضمن طرح فضای باز سیاسی - یک خط سیر انحرافی در کنار جنبش پدید آورد که هدف آن حفظ رژیم و منافع اساسی امپریالیسم آمریکا و متحدین آن در ایران خواهد بود. گفته می‌شود آزادی می‌دهند و هر کس حق دارد در چهارچوب قوانین و نظام حاکم و در حقیقت با قبول و برسمیت شناختن رژیم کنونی و سلطه استعماری فعالیت سیاسی کند - کافی است به منافع عطشیمی که آمریکا و متحدین آن در ایران و منطقه دارند توجه کنیم. بازار ایران درست در اختیار کالاها و مصنوعات آمریکایی است - کلبه مواد غذایی ما از آمریکا و متحدین آن وارد می‌شود. صنایع آلمان و ژاپن نیز غالباً متعلق به سرمایه‌داران آمریکایی است - منابع عظیم نفتی ما در اختیار آنهاست و ارتش و سلاحهای مدرن و شکنین که به ایران داده‌اند یکسر در اختیار خودشان است - سالانه میلیاردها دلار اسلحه توسط آمریکا به ایران فروخته می‌شود و دهها هزار کارکن شغلی آمریکایی کشور را تحت اشغال و کنترل خود دارند - ارتش ایران نقش زاندارم آمریکا را در منطقه به عهده گرفته است و آمریکا نیاز ندارد که مستقیماً برای حفظ منافع خود و دفاع از حکومتهای دست‌نشانده سرباز و اسلحه به منطقه کسب دارد. رژیم ایران با پول و ثروت ملت و بدست سرباز ایرانی به مثابه سکی‌هاز پاسداری مصالح و منافع سرمایه‌داری و استعمار غرب را در این منطقه برعهده گرفته است - منافع رژیم به اندازهای با منافع استعمار گره خورده‌است و حیات او با حیات آنها وابسته شده‌است که ضربه بر یکی موقعیت دیگری را بمخاطره می‌اندازد.

جنبش مسلمانان مبارز
مرداد ماه ۵۷

آزادی‌های واهی رژیم و ضرورت تشکل و اتحاد و آگاهی برشوه‌های بیکار و ابزار بند: آیا موقع آن نرسیده که گروه‌های سیاسی طرفدار قانون اساسی مسئولیت خود را درک کنند و در مسیر جنبش مردم قرار گیرند و به ندای امام خمینی پاسخ مثبت دهند و بجای دل‌خوش کردن بمآزادگی‌های واهی در کنار مردم قرارگیرند و خواسته‌های آنها را بازگو کنند - جنبشهای روزمره رژیم حاصلی جز تیزتر کردن شعله خشم مردم ندارد. ولی خون شهدان نهال انقلاب آزادیبخش اسلامی را آبیاری خواهد کرد. ما به همه مبارزان آگاه از توطئه‌های رژیم در سرکوبیهای خونین و گسترده‌تر آینده هشدار می‌دهیم و رزمندگان مسلمان را متوجه موقعیت حساس جنبش کرده با داور می‌شویم که مبارزه با دشمن خونخوار و دیوخت کنونی مستلزم داشتن تشکل و اتحاد و آگاهی بر شوه‌های بیکار و مجیز شدن به ابزار نبرد است - رژیم اقدامات یک یورش وسیع و وحشیانه نازهای را فراهم می‌بیند و بی‌معنا نیست که شاه در آخرین مصاحبه خود با احتمال وقوع کودتا دم می‌زند - بار دیگر تاکید می‌کنیم که در این موقعیت حساس آزادیخواهان ملی و مذهبی و رهبران روحانی قم باید آشکارا با تمام قوادر کنار مردم بایستند و با امام خمینی در مبارزه با رژیم هم‌صدا شوند. اینست تنه‌اره‌ها مقابله با توطئه‌های استبداد و استعمار.

جنبش مسلمانان مبارز
۵۷/۵/۲۱

ضرورت تشکل هسته‌ای در جنبش آزادی -



بخش مردم مسلمان ایران: اگر می‌خواهیم از تسلط رژیم بر جنبش خلق مسلمان جلوگیری کنیم، اگر می‌خواهیم مبارزه ادامه یابد، باید بجای بیروی از احساسات، بجای خردده‌کاری و دست‌زدن به اقدامات پراکنده و غیرمشکل و نامنظم و تحلیل برنده به سرعت بر واحدهای کوچک مثلا ۵ نفری در محل و در محیط دانشگاه، کارخانه و کارگاه مشکل شویم و هر واحد به عنوان عضوی از جنبش آزادی-بخش مردم مسلمان ایران، بطور مستقل و احیانا در رابطه با واحدهای دیگر در راه هدف واحد، استقرار حکومت اسلامی و با ایمان به جهاد مسلحانه بعنوان تنها راه نهایی علیه بر دشمن و زیر لوای رهبری امام خمینی و با تکیه بر جهان بینی توحیدی و آیدتولوژی اسلامی، و بیروی از سنسهای انقلابی آمده و انبیا همیشه شهید و شاهد تاریخ به مبارزه خود ادامه دهیم. وظیفه هر واحد آتست که با تربیت به خودسازی انقلابی و توحیدی مکتب را شناسد و هدف را به مردم شناساند، خود را برای مقاومت در برابر فشار رژیم در حال حاضر و برای نبردهای مسلحانه در آینده تربیت کند و آماده سازد، با برقراری یک رابطه دائمی و نزدیک با مردم در سطح حله و در محیط کار، آنها را آگاهی سیاسی و مذهبی داده و روش مقاومت و مبارزه بیاموزد. مساجد را در هر محله مسکونی به پایگاه و تجمع مردم و ایجاد رابطه نزدیک و برادرانه تبدیل سازد. لازم‌است کار تبلیغی و آگاهی دهنده و از تلاش‌های اساسی و سازنده‌مجزا و در عین حال در رابطه با هم انجام گیرد، هر واحد سعی کند که به خودکفایی برسد و با الهام از امام و تبعیت از فرامین وی با توجه بههدف واحد و خط مشی واحد و آیدتولوژی واحد و تعلق به یک جنبش واحد به آموزش و تربیت و تبلیغ و خودسازی و سرانجام، مقاومت و جهاد اقدام کند.

جنبش مسلمانان مبارز
شهریورماه ۵۷

روز عید فطر تجلی اراده قاطع و خلل - ناپذیر خلق برای درهم کوبیدن رژیم ضد - خلقی:

مردم مبارز و مسلمان نمایش عظیم تاریخی روز عید فطر در تهران و دیگر شهرهای کشور برای چندمین بار اراده قاطع و خلل ناپذیر خلق مسلمان ایران را برای درهم کوبیدن رژیم طاغوتی سلطنتی و ضد مردمی کنونی و استقرار نظام آزادیبخش و عدالت پرور اسلامی نشان داد. نمایش عظیم روز دوشنبه بار دیگر عدم مشروعیت و مقبولیت رژیم کنونی را ثابت کرد و به دنیا نشان داد که خلق زحمتکش و مسلمان ایران یکپارچه در صف متحد جنبش آزادیبخش اسلامی و تحت رهبری بلامنازع زعیم عالیقدر خود امام خمینی مصمم است، نبرد رهائی بخش و تاریخی خود را تا بیروزی نهایی یعنی تحکیم حاکمیت مردم و تحقق آزادی و عدالت و برادری و برابری و قطع نفوذ و سلطه استعمار و دلالان و دست‌نشانگان آنها در داخل ادامه دهد - نمایش دوشنبه اصالت استقلال جنبش را از هر جریان فرصت طلبانه چپ و راست و سازشکارانه تاکید کرد.

جنبش مسلمانان مبارز
عید فطر ۵۷

رهنمودهای انقلابی بعد از کشتار ۱۷ شهریور برادران و خواهران مجاهد و زحمتکش مسلمان: در برابر دشمن خونخوار خود آگاهانه و شجاعانه عمل کنید. ۱ - برای جان خود ارزش قائل شوید



به از روی خوددوسی که برای سیردهای قاطع آینده بیهوده خود را در سیرس دشن قرار ندهند، و از سبوهای حنک و گریز سود جوئید. ۲ - خیابانهای فرعی و کوچهها را سنگر قرار دهید، و وقتی دشمن منطفق‌ای را کنترل می‌کند به مناطق دیگری که انری از سرباز و پلیس نیست بروید، مطمئن باشید رژیم ضعفتر از آن است که بتواند شهر بزرگی مثل تهران را کاملاً زیر پوشش نظامی قرار دهد. ۳ - در گروههای کوچک و با تحرک زیاد در مناطقی که دشمن حضور ندارد و به نظاهرات و یخن تراکت و آتشزدن بانکها و مؤسسات دولتی و پیمپهای بنزین دولتی و مراکز فساد و پاسگاههای انتظامی و قرارگاه-های پلیسی و نظامی بپردازید، و با هر وسیله ممکن در خیابانها رامبدان بوجود بیآورید. ۴ - برای انجام نظاهران موضعی در گروههای صد و دویست نفره و برای انجام عملیات آتشزدن و انفجارات در گروههای کوچک و حتی بطور انفرادی عمل کنید. ۵ - روش‌های ساده استفاده از مواد آتشزا و منفجره را یاد بگیرد و بطور وسیع بکار برید. ۶ - اعتصابات کارگری را دامن زده، تشویق کنید با برادران کارگر بیشتر تماس برقرار کنید و آنها را در ایجاد خرابکاری در مؤسسات و کارگاههای دشمن آموزش و راهنمایی نمائید. ۷ - با اقدامات گسترده و برانکنده و حساب شده خود، دشمن را با یک لحظه آرام نگذارید. کاری کنید تا کاملاً در حال اضطراب و مقابله و آمادگی و حله باشد و دچار سرگیجه و خستگی و فرسودگی شود و روحیه خود را از دست بدهد. ۸ - در تراکنهای تبلیغاتی خود، نوده را آگاهی، مستضعفان را راهنمایی و سربازان را هشدار دهید و سرانجام مطمئن باشید که تنها رمز موفقیت ایمان بخدا و طلب باری از او، اعتماد بنفس، عمل آگاهانه، تشکل و انضباط، مقاومت و بیداری و خودسازی انقلابی و توحیدی است.

جنبش مسلمانان مبارز
۱۷ شهریور/۵۷

نوطه خارج ساختن امام خمینی از صحنه و خیمه‌شبیاریهای شور و اسان... تلاش رژیم برای قطع ارتباط بین امام و خلق تا کون بجایی نرسیده است. لکن بنظر می‌رسد در جلب همکاري دولت فاشیست بعث عراق برای خاموش کردن مرجع مجاهد با موفقیتهایی روبرو شده است هم چنانکه می‌دانیم دولت ضد مردمی و ضد اسلامی بعث عراق با رژیم فاسد شاه پیمان همکاری بسته است تا مرجع بزرگ را در خانه‌اش زندانی سازد و با بهر وسیله ممکن خاموش و از صحنه مبارزه و رهبری امت خارج کند - ما مطمئن هستیم که این کوششهای مذبحونه بجایی نمی‌رسد و جنبش رهائی بخش خلقهای مسلمان با این توطئه‌های کتیف و خائسانه‌نابودنی‌گردد - آنها هر چه از نیرنگ و فریب و خیانت می‌خواهند انجام دهند اما غافلند که تجربه فرنها بر بخورد ملت با دولتهای ستمگر مردم را به اندازه‌های هشیار کرده است که بهیچ وسیله‌ای نمی‌توان آنها را فریفت مردم می‌دانند که رژیم وقتی با این بازبها موفق به تثبیت خود شد بیرحمانه در برابر خواسته‌های مردم مقاومت می‌ورزد و اعتراض و فشار ملت را برای وصول به آرمانهایش با همان وسایل و شیوه‌های انسانی پاسخ خواهد داد. امروز رژیم هدفی جز تثبیت نظام موجود و غلبه بر بحران و فرونشاندن آتش جنبش ندارد. از یکسو هزاران نفر از فرزندان رشید و مسلمان خلق را چون برگ خزان به زمین می‌ریزد و فزاق کتیف و خون‌آشامی را بر

بقعه در صفحه ۸

جنبش مسلمانان مبارز

بخیه از صفحه ۲

دست دادن ایران دچار خون شده اند، فروشانند.

برادر و خواهر مسلمان: اراده استوار تو رژیم صدخلی دست‌نشانده زارمانده کرده است. اما تا پیروزی نهایی راه دراز و وظایف دشواری در پیش است - (دشمن صمم است تا آخرین فشنگ از منافع اربابان غارتگر خود دفاع کند. شاه در قربانی کردن ملیونها از مردم برای حفظ سلطنت و پاسداری از منافع ارباب آمریکایی خوش نرودیدی به خود راهمی‌دهد. بارها از حمام خون و سرزمین سوخته و ویران دم زده‌است. عطش او و نوکران بلبش به خونریزی و جنایت هرگز سیراب نمی‌شود.)

جنبش مسلمانان مبارز ۱۶/آذر/۵۷

منبع عمده تهیه اسلحه برای خلق دشمن است - همه باهم بکاربردن اسلحه را فرا گیریم: شعار فوری امروز خلق ما این است که به مقاومت و مبارزه گسترده و به تحریم عمومی و همه‌جانبه دشمن ادامه دهیم و به دشمن فرصت وارد آوردن ضربات قاطع و شکننده به نیروهای مبارز خلق ندهیم. طرز بکاربردن اسلحه را فراگیریم و با آموزش درس سیاسی - نظامی و ایدئولوژی در یک هفته یا یک ماه و با گروه‌های تشکیلاتی پیشاز سران و فرماندهان دشمن و مراکز تجمع وی را نابود سازیم و بیاد داشته باشیم که منبع عمده تهیه اسلحه برای خلق دشمن است. اسلحه‌ای که با پول خلق خریداری شده باید علیه دشمنان خلق بکار رود...

جنبش مسلمانان مبارز ۱۷/آذر/ماه ۵۷

توسل به قهر مسلحانه تنها راه غلبه بر رژیم و امپریالیسم است:

در بطن نیروهای جنبش‌جریانات فرصت‌طلب قادر نمی‌باشند برای خود جایی باز کنند و از داخل به این نیروها ضربه بزنند. خصوصاً با توجه به اینکه بهر صورت خلق مسلمان برای از بین بردن رژیم و همپیمان عمده‌اش امپریالیسم که تشنه مکیدن خون این محرومان هستند، جز توسل بزور و قهر مسلحانه راهی ندارند. اهمیت امر سازمان‌یافتگی خیلی بارزتر می‌شود حوادث آینده بهر صورت که باشند خواه‌کناره‌گیری شاه و تشکیل شورای سلطنت و یا هر تاکتیک احتمالی دیگر از ناحیه امپریالیسم. این مسئله روشن است که با نگاه اصلی قدرت امپریالیسم بر ایران، ارتش است و نه چیز دیگر و بهر صورت اگر امپریالیسم بتواند با شیوه‌های سیاسی جنبش را در جهت تأمین منافع درازمدت خودش با حرکت‌های رفرمیستی به انحراف می‌کشد.

جنبش مسلمانان مبارز ۲۶/دی/۵۷

بعد از شاه سگ‌های دیگری باید بدست نهضت انقلابی مردم گشوده‌شود که استبداد آسانترین آنها بود: با رفتن شاه و بازگشت پیروزمندانه رهبر ملت امام خمینی. نهضت انقلابی خلق مسلمان ایران به مرحله نازهای گام می‌نهد - نظام سلطنتی و استبداد محمدرضاشاهی در هم شکسته و نسفهای آخر از می‌کشد. این پیروزی به قیمت جان هزاران شهید و ایستادگی و ستیزه‌جویی و خشم و مقاومت انقلابی مردم بدست آمد ولی استبداد سلطنتی اولین سکر مهی است که بیاری خلق و به پیشوایی امام خمینی فتح شده است و هنوز تا رسیدن به پیروزی نهایی سگ‌های دیگر نیز باید بدست نهضت انقلابی مردم گشوده شود که استبداد آسانترین آن بود. استبداد سلطنتی یکی از چند پایه نظام ضد مردمی موجود است که فرو می‌ریزد...

... اکنون مبارزه با پایگاهها و نفوذ امپریالیسم آمریکا و متحدین آن در ارتش و اقتصاد کشور در سرلوحه هدفهای جنبش قرار دارد و لذا:

۱ - برهمنه عناصر انقلابی مسلمان و گروه‌ها و سازمانهای پیشتاز و همه‌توده‌های زحمتکش و روشنفکران جوان است که کار سازماندهی جنبش را در مقیاس توده‌ای و با کیفیت انقلابی و همراه با یک انسجام و وحدت کامل ایدئولوژی با سرعت و هوشیاری تمام توسعه دهند.

۲ - لازم است شوراهای اسلامی خلق در همه جا در شهر و روستا، در کارخانه و کارگاه، ودانشکده و در محله و مدرسه و اداره تشکیل گردد، و اداره امور مربوط به مؤسسه و کارگاه، یا مرزعه را برعهده‌گیرند. ۴ - ایجاد تشکیلات سیاسی سراسری وابسته به جنبش انقلابی اسلامی برای

هدایت و راهنمایی توده‌ها در تشکیل سازمانهای صنفی شوراهای اسلامی خلقی و مقاومت‌های مسلحانه و هم‌چنین شرکت فعال و سازمان‌یافته در همه‌پرسی برای جمهوری و انتخاب نمایندگان مجالس عمومی ضرورت فوری دارد.

پیروزی باد جنبش انقلابی خلق مسلمانان مبارز، مستحکم باد اتحاد همه نیروهای انقلابی مسلمان، نابود باد سلطه استعماری امپریالیسم جهانی و حاکمیت استعماری سنگرانه سرمایه‌داری غارتگر و وابسته داخلی.

جنبش مسلمانان مبارز ۱۹/بهمن/۵۷

آزاد زیستی در یک جامعه توحیدی بدست توانای شما سپرده شده است. پیروزی در این مرحله همانند مراحل گذشته به آگاهی و هوشیاری، ایمان و اتحاد و عمل خلاق همه کسانی وابسته است که مشتاقانه در راه هدف فوق مبارزه می‌کنند.

ما اکنون در برابر چند وظیفه بزرگ قرار گرفتیم که مهمترین آنها عبارتند از: حفظ دستاوردهای که مردم قهرمان و دلیر ما با دادن صدها هزار کشته و زخمی کسب کرده‌اند، تثبیت قدرت انقلاب و تکمیل پیروزیها، ریشه‌کن ساختن نفوذ و سلطه امپریالیسم و اقدام در جهت تغییر نهادها و مناسبات طاغوتی و استعماری رژیم پیشین و برقراری مناسبات توحیدی...



سیس ضرورت‌های حیاتی را مشخص می‌سازد که:

۱ - فوری‌ترین وظیفه، مبارزه قاطع با عناصر ضدانقلاب و مقابله با تحریکات مزدوران امپریالیسم، پایگاههای استعمار و عوامل و وابستگان به رژیم استبدادی و مجازات آنان است...

۲ - لازمه مبارزه مؤثر با امپریالیسم عوامل رژیم پیشین و حفظ دستاوردهای انقلاب، تصفیه کامل ارتش از عناصر وابسته به دشمن و تغییر مناسبات استبدادی...

۳ - خلع بد از سرمایه‌داری وابسته غارتگر و الغاء مناسبات استعماری در تمام زمینه...

۴ - از آنجا که در یک جامعه توحیدی حاکمیت را الله یعنی اصول و قوانین لایتنفر الهی است، و از آنجا که در جهان - بینی توحیدی اصالت به انسان داده شده است و انسان مسئول سرنوشت خویش گردیده است. پس تنها مردم‌اند که باید در چهارچوب و در مسیر قوانین تکامل‌بخش الهی درباره سرنوشت خویش تصمیم بگیرند و هیچ‌فرد یا گروه یا طبقه‌ای حق اعمال سلطه بر دیگران ندارد...

۵ - انقلاب فرهنگی بمنظور محو کامل آثار فرهنگ استبدادی و استعماری در اخلاقیات و رفتار فردی و مناسبات و روابط اجتماعی، یک ضرورت اساسی است که فقط با ترویج و آموزش وسیع و توده‌ای ارزشها و معیار اخلاقی و هدفهای معنوی اسلامی...

در روند تحلیل سیاسی رویدادها جنبش مسلمانان مبارز با شناخت از ویژگیهای انقلاب و اصلی‌ترین خطری که انقلاب را تهدید می‌کند، یعنی امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا و پایگاهها و حامیان داخلی‌اش (سرمایه‌داری وابسته، لیبرالیسم، فئودالها، ارتجاع و باقی‌مانده نظام شاهنشاهی در ارتش و دیگر سازمانها و ادارات دولتی و حفظ قراردادهای یک جانبه استعماری...) به اعلام مواضع و رهنمودبخشی ادامه داد که از آنجمله در مورد:

۱ - تصفیه اصولی ارتش ایجاد یک ارتش اسلامی در این باره در بیشتر اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها که در مدت یکسال از جانب جنبش مسلمانان مبارز پخش و انتشار یافته، با تحلیل و شناخت از تاریخ و بافت ارتش در گذشته و معیارهای استعماری که بر آن حاکم بوده و بعنوان "ارتش شاهنشاهی" در مقابل خلق قرار داشته و بوسیله امپریالیسم آمریکا و مزدوران آن در لباس امراء و ژنرالهای ارتش شهنشاهی اداره و رهبری می‌شده، ضوابط و معیار یک ارتش اسلامی را در تصفیه همه‌جانبه و اصولی با طرح مشخص و جایگزینی نیروها و افراد مؤمن به انقلاب و مسلمان متعهد دانسته است. در "اعلام مواضع فکری - سیاسی جنبش مسلمانان مبارز در تاریخ ۱۳۵۸/۲/۱۵" در این باره می‌گوید:

"امریکا وقتی نتوانست ارتش را یک پارچه در مقابل انقلاب وا دارد، سعی کرد نفوذ و تسلط خود را در آن حفظ کند و آنرا

بررسی مختصری از مواضع

جنبش مسلمانان مبارز

۲۲ بهمن ۵۷-۵۸

در تداوم تحلیل مکتبی، سیاسی و رهنمودهایی که جنبش مسلمانان مبارز از سال ۵۶ انجام داد، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، همچنان این حرکت اصولی را پیگیری نمود و بر مبنای اصول مکتب که همواره راهنمای عمل است و تکرش تاریخی از مبارزه و پیروزی خلق و برپایی حق تا نابودی باطل و شناخت از ویژگیهای انقلاب و امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا بعنوان دشمن اصلی انقلاب خونبار خلق، به اعلام مواضع سیاسی پیرامون رویدادها در جامعه و جهت‌گیری نیروهای دست‌اندرکار، پرداخت، بر همین مبنای بیانیه‌ای که در تاریخ ۵۸/۱/۹ یعنی در نخستین روزهای بهار انقلاب انتشار داد، چنین آمده:

"جنبش انقلابی خلق مسلمان ایران به رهبری مجاهد عالیقدر امام خمینی سرانجام استبداد سلطنتی کهنسال را در هم شکست و ضربه‌ای مهلک بر پیگیر فرسوده ارتجاع و امپریالیسم فرود آورد. سرعت پیروزی انقلاب ایران را بیشتر باید مدیون دو ویژگی از ویژگیهای جنبش دانست - اول، خصلت مردمی آن که سبب شد قدرت لایزال و درهم کوبنده خلق مستضعف با همه ظرفیت انقلابی خود در برابر استبداد قد علم کند و چون سیل خروشان هر مانعی را به آسانی و با سرعتی شگفت‌انگیز از میان بردارد. دوم، پایتیر عقیبتی انقلاب که با وسعت بیشتر و تأثیر عمیق‌تری نسبت به گذشته، مردم را به مسئولیت‌هایشان آگاه و نسبت به ظرفیت و قدرت شکست‌ناپذیر شان در برابر باطل مومن ساخت و پیوند اتحادی شد بین تمامی خلق، اعتدالی که امام از آغاز بر مردم داشت در تاریخ معاصر ما کم نظیر است..."

جنبش مسلمانان مبارز در تبیین انقلاب، انقلاب را یک انقلاب اسلامی می‌داند و در چهارچوب انقلاب اسلامی خواسته‌های خلق، ایده‌آلهای انقلاب را بیان کرده است. به دنبال بیانیه ضمنی رهنمودی می‌کند هشدار می‌دهد: "برادران و خواهران، همانقدر که پیروزی خلق مسلمان ما در این مبارزه تاریخی عظیم بود، مسئولیت‌هایی که هم‌اکنون بر دوش همه ما سنگینی می‌کند نیز عظیم و دشوار است، قرن‌ها بیکار مداوم مردم ما علیه ظلم و خودسری و استبداد و استعمار به همت مجاهدان از جان‌گذشته و خلق مستضعف و مبارز و به رهبری خردمندانه امام خمینی به‌نتیجه رسید، اکنون مسئولیت تحقق آرزوی چهارده‌قرنی ملل مسلمان جهان برای دست‌یابی به برادری و برابری اسلامی و

حتی‌المقدور دست نخورده نگاه دارد تا در آینده به‌عنوان پایگاهی برای تسلط بر انقلاب از آن سود جوید. تصفیه ارتش از عناصر مزدور و نامطمئن و تغییر مناسبات و روابط درونی و بیرونی آن چنانکه بسیار کم پیشرفت کرده است، توطئه امپریالیسم را خنثی و نقش بر آب خواهد ساخت... تبدیل ارتش بیک نیروی در خدمت انقلاب

با تغییر سریع مناسبات استبدادی و استعماری حاکم بر آن و هم‌چنین ادامه تصفیه از عناصر نامطمئن و سیاسی کردن هر چه وسیعتر و عمیق‌تر آن امکان‌پذیر است. در آنصورت این نیرو قادر خواهد بود از انقباض در برابر توطئه‌های ضدانقلاب حمایت نماید."

۲ - نظام شورائی حافظ تداوم انقلاب است:

از آغاز پیروزی انقلاب و سرنگونی رژیم وابسته پهلوی، و حتی مدتی قبل از پیروزی انقلاب در بیست و دوم بهمن ۱۳۵۷ جنبش مسلمانان مبارز تکیه بر پیاده‌نمودن اصل نظام شورائی را در جامعه و اهمیت آن را در صدر پیشنهادات خود قرار داد، زیرا با تجلیلی که از انقلاب بعنوان یک انقلاب اسلامی داشت مبارزه و استقامت خلق را در جایگزینی ارزشهای اسلامی می‌دانست. انقلاب را بمعنوم حاجا شدن قدرت نمی‌دید و تنها تغییر بعضی از مناسبات را کافی نمی‌دانست، بلکه از انقلاب اسلامی مفهوم تغییر بنیادی در نظام ارزشها را اعلام نمود و حاکمیت و جایگزینی ارزشها و ایجاد ضوابط را، بر همین مبنای اصل تحقق حاکمیت الله از راه تحقق حاکمیت مردم، در بیشتر اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها به لزوم و ضرورت نظام شورائی در بقا و تداوم انقلاب پرداخت، و اگرچه لیبرالیست‌ها و مرتجعین در دولت موقت در حربیات اجتماعی مانع از پیاده‌شدن این اصل بودند، اما جنبش مسلمانان مبارز و دیگر نیروهای مبارز و مترقی به اهمیت آن همچنان هشدار دادند و خواست خلق را دنبال نمودند.

در بیانیه جنبش مسلمانان مبارز، بتاريخ ۵۸/۲/۴ می‌خوانیم:

"... در رابطه با ویژگی انقلاب اسلامی ایران و نقش بسیار اساسی که قدرت خلق مسلمان در شکست نظام شاهنشاهی ایفا کرد و ضرورت تسبیح کامل نیروی مردم برای انجام تغییرات انقلابی و تعوی حاکمیت و مالکیت ثاروای طبقه حاکم و پیشین و ضرورت شکوفا کردن استعدادهای بی‌پایان مردم برای غلبه بر موانع و دستاوردهای اقتصادی - اجتماعی و استمرار انقلاب، بخصوص در بعد فرهنگی آن، از آغاز روی ضرورت تشکیل فوری شوراهای مردمی در تمامی سطوح تأکید داشتیم.

تشکیل شوراهای به مردم فرصت می‌دهد تا بعد از هزاران سال که از جانب رژیم‌های استبدادی مورد بی‌اعتنائی قرار گرفتند، به تبادل نظر آزاد بنشینند و امور خویش را خود سامان دهند. قدرت مردم در درون شوراهای متبلور می‌شود و مسئولیت ساختن جامعه اسلامی آینده و مبارزه با دشمنان رنگارنگ انقلاب و دفاع از دستاوردهای آن مستقیماً به آنها واگذار می‌شود.

کار دستجمعی در شوراهای سبب رشد روحیه اشتراک و همدردی و تعاون و همکاری در بین مردم می‌گردد. بیگانگی و جدایی بین مردم و مسئولین امور از بین می‌رود و از مسیر آن مردم در جریان کلیه امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور خویش قرار می‌گیرند، مستقیماً با مسائل ملکتی آشنا شده به امکانات و همچنین دشواریها پی می‌برند و با همه توان و ایمان انقلابی خویش در رفع آنها می‌کوشند - و در همانحال بر جریان امور مبین خویش و نحوه‌کار مسئولین، نظارت دقیق و مستمر خواهند داشت.

فرصتی که برای تبادل نظر و مشورت در یک محیط برادرانه و در پرتو اخلاق اسلامی در داخل شوراهای فراهم می‌شود، به‌از بین رفتن خصلت‌های غیرتوحیدی (نظیر خودخواهی، جاه‌طلبی و روحیه سلطه‌جویی...) کمک کرده، امر خودسازی انقلابی و رسیدن به تقوی و زهد اسلامی را امکان‌پذیر می‌سازد. تشکیل شوراهای نباید در سطح ایالتی محدود بماند، بلکه موفقیت آن موکول به گسترش آن در تمامی سطوح است."

دشمن اصلی امپریالیسم آمریکا است

در شناخت از ویژگیهای انقلاب، یکی از مهمترین ویژگی آنرا ماهیت ضد امپریالیستی‌اش می‌داند و دشمن اصلی انقلاب را امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا می‌شناسد. در بیان ماهیت و عملکرد امپریالیسم در بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها و همچنین در سخنرانیها و مباحثه‌ها به **بقیه در صفحه ۹**

جنبش مسلمانان مبارز

بغه از صفحه

است. "نیاید فراموش کرد که استفاده از زور برای خویاندن، پوششده یا بارشاییها روش رژیمهای ضددموی است که اگر موشا" بنامده بود "دخا" در بیان قدرتیهای حاکم می باشد... "نیاید ساسی شماره ۵۸/۱/۲۶"

جنبش مسلمانان مبارز در تبیین انقلاب، انقلاب را بک انقلاب اسلامی میدانند و در چارچوب انقلاب اسلامی و خواستههای خلق، دیدگاههای انقلاب را بیان کرده است.

۵- دولت بوقت و شورای انقلاب: از آغاز تشکیل دولت بوقت، جنبش مسلمانان مبارز با شناخت از ماهیت و جهتگیریهای دولت در برآمدهاش، به تند و برسی آن برآمده پرداخت و هیچگاه از راهبند و آزباند آزا نسیاند. آن آنگاه که ماهیت لیبرالی دولت را آشکارا برای جنبش مسلمانان مبارز و طرفداران آن، کشف کرد و عیان کرد که این دولت در عین ظاهرش که در عین حقیقتش ماهیت لیبرالیست دارد، بدون کوچکترین واکنش و جراتی و پاسود، همچنین در روز شورای انقلاب که باطل علیه داعستانم و خطفهای سالمن ... "نیاید ساسی" جنبش مسلمانان مبارز، بی پاسیت عمل نمی کرد، نظرات خویش را بیان کرد.

۶- در آغاز و با شرایط که انقلاب به پیروزی رسید، ششمازان و نمایندگان اسروزی ریدت، عناصر مسلط در رژیم گذشته نشینند، بلکه نمایان شرایط جای آن مجموعه که با سبب آنها تحایلت لیبرالی و اصلاحطلبی، و محاطگیاری و سازگاریه اغلام داشت، بقدرت رسند و شایند ۵۷ تن از جوانان آسروزی و با قضاا ۲۴ نام صورت گرفت. اجناسابایندر بود. "نیاید ساسی" ۱۳۵۸/۷/۲۶

۷- اگر هدف انقلاب مسعود به نفع اسنادا شاه بود، با انقلاب پایان یافته تلقی می شد و تنها وظیفه ای که در مقابل دولت جدید قرار داشت، بر گردن خله قدرت و بازگرداندن آرامش و گشودن ادارات و برآمدن ساختن دوباره کارخانجات و استفرار قدرت قانون بنیاد و آسروزی و این "دقیقا" همان گزین و تحلیلی بود که رئیس دولت، از انقلاب و وظایف دولت انقلاب در نظر داشت.

نیاید که تمامی قدرتیهای اجرائی را در اختیار دارد، در بعضی عینی انقلاب... تسلیت بوقت اول دارد... نیایدنیادت... در شورای انقلاب اسلامی ایران ۵۸/۱/۲۶

۸- در شرایط خاص و خطر حرکت راهبند بود، که سبب راهبیا اهنالگاری و اجرائی برآمدهای غلط از جانب دولت گذشته و شورای انقلاب، کذباتی از مبتنی قدرتیست و حرکت لیبرالیستی و حتی در بعضی عملکردهای اجرائی آن آنان بوده است... "نیاید ساسی" جنبش مسلمانان مبارز ۴۴ درآماه ۱۳۵۸

۹- در وقت این تحلیل جنبش مسلمانان مبارز، عیانان اجاده مافوق لیبرالیسم شناخته شد، و همچنان که خطر حرایات لیبرالیستی را آشکار بود، ارتجاع را با عملکردهایش که در جهت بازگشتی دست لیبرالیسم حرکت می کرد، پیچوده باز شناختند.

۱۰- **وحدت نیروهای انقلابی:** جنبش مسلمانان مبارز وحدت نیروهای انقلابی مسلمان را یکی از سرترین نیروهای جامعه و خاص پیروزی انقلاب مستغنی می داند. "تحقیق امر وحدت خلق در مبارزه با دشمنان تاریخی لیبرالیسم، یعنی استعمار، استبداد و استعمار و قایله با وظیفه های لیبرالیسم به رهبری امام خمینی انگیزانیدار است." ۱۳۵۸

۱۱- پیششما از در ایجاد جبهه مستغنی استفاده نموده و در سایهها و اعلامیهها نیروهای مترقی و انقلابی را دعوت بویوخت داد. "وحدت عمل برای قایله با آن تهدیدها ضرورت دارد. وحدت یعنی سکوت در برابر کجرویها و نادرستیها"

۱۲- **شیبای از دانشجویان بیروخاطام:** جنبش مسلمانان مبارز اولی سرورنی بود که به حمایت از عمل دانشجویان مسلمان بروخ خاطام برخاست و حرکت آنان را راهبند نمود. در چنین مام بیروخاطام جنبش آنرا "اشمال" فخر لیبرالیسم شناخت و در حمایت بدست برخواست، با نشانه اعتراضی و لغت معرتم مردم ایران از اعمال جایگزینانه لیبرالیسم قیام است... "دومین پیام" جنبش مسلمانان مبارز به خواهران و برادران مسلمان مستغنی در لانه جاسوسی ۵۸/۱/۲۶

۱۳- **نیاید ساسی از دانشجویان بیروخاطام:** جنبش مسلمانان مبارز اولی سرورنی بود که به حمایت از عمل دانشجویان مسلمان بروخ خاطام برخاست و حرکت آنان را راهبند نمود. در چنین مام بیروخاطام جنبش آنرا "اشمال" فخر لیبرالیسم شناخت و در حمایت بدست برخواست، با نشانه اعتراضی و لغت معرتم مردم ایران از اعمال جایگزینانه لیبرالیسم قیام است... "دومین پیام" جنبش مسلمانان مبارز به خواهران و برادران مسلمان مستغنی در لانه جاسوسی ۵۸/۱/۲۶

۱۴- **نیاید ساسی از دانشجویان بیروخاطام:** جنبش مسلمانان مبارز در بیان هدف اصلی خود، به عنوان "نیاید ساسی" به هدف اصلی خود اشاره کرد. "نیاید ساسی" به هدف اصلی خود اشاره کرد. "نیاید ساسی" به هدف اصلی خود اشاره کرد. "نیاید ساسی" به هدف اصلی خود اشاره کرد. "نیاید ساسی" به هدف اصلی خود اشاره کرد.

آنت

تحلیل سیاسی دویانه

اصول مکتب و حفظ خط مکتبی

حقیقت سیاسی... جنبش مسلمانان مبارز... اصول مکتب... تحلیلی... مکتب... خط مکتبی...

۱۵- **نیاید ساسی از دانشجویان بیروخاطام:** جنبش مسلمانان مبارز در بیان هدف اصلی خود، به عنوان "نیاید ساسی" به هدف اصلی خود اشاره کرد. "نیاید ساسی" به هدف اصلی خود اشاره کرد. "نیاید ساسی" به هدف اصلی خود اشاره کرد. "نیاید ساسی" به هدف اصلی خود اشاره کرد.



۱۶- **نیاید ساسی از دانشجویان بیروخاطام:** جنبش مسلمانان مبارز در بیان هدف اصلی خود، به عنوان "نیاید ساسی" به هدف اصلی خود اشاره کرد. "نیاید ساسی" به هدف اصلی خود اشاره کرد. "نیاید ساسی" به هدف اصلی خود اشاره کرد. "نیاید ساسی" به هدف اصلی خود اشاره کرد.

در فضای ملوک تپبجده، نور صیارید.

۱۷- **نیاید ساسی از دانشجویان بیروخاطام:** جنبش مسلمانان مبارز در بیان هدف اصلی خود، به عنوان "نیاید ساسی" به هدف اصلی خود اشاره کرد. "نیاید ساسی" به هدف اصلی خود اشاره کرد. "نیاید ساسی" به هدف اصلی خود اشاره کرد. "نیاید ساسی" به هدف اصلی خود اشاره کرد.

پدر طالقانی، قامت بلند رهائی

یکی که فراتر از این بود... پدر طالقانی، قامت بلند رهائی... جنبش مسلمانان مبارز... رهائی... قامت بلند...

پدر طالقانی با تفیق قرآن در مسجد هدایت، کانونی از علم، آگاهی، مبارزه، حرکت، جوشش، ایمان، اعتراض، عصیان، مقاومت و... بوجود آورد.

روزگاری که جهان عصری از مشروطه... کانونی از علم، آگاهی، مبارزه، حرکت، جوشش، ایمان، اعتراض، عصیان، مقاومت و... بوجود آورد.

خط انقلاب - خط امریکا

سخنرانی براد دکنر بیمان در دانشگاه تهران

روز چهارشنبه ۱۷ بهمن ۵۷ در مراسم بزرگداشت سالگرد انقلاب از طرف خندش مسلمانان مبارز



تقویم انقلاب در

آئینه زمان

شماره ۲ صفحه ۲

اصفهان ، کرمان ، کرج ، کرمانشاه ، تبراز ، قزوین ، شیراز ، کاشان و... را در بر میگیرد.

۲۱ اردیبهشت ۵۷ - دولت در اعلامیه خود تذکر میدهد که: موج بلوا و آشوب در شهرهای مختلف و در دانشگاه ها بالایی - کرد و منشا این موج ، عده های قلیل هستند که نسیخواهند بگذارند مردم در راه و آسایش زندگی کنند.

۲۱ اردیبهشت ۵۷ - در جلسه مجلس شورای ملی برباست عدالله ریاضی ، نمایندگان ضمن تأییدنامه دولت ، نظرات آشوبگرانه اقلیت معدودی مطرح را در چند شهر کشور محکوم کردند و از دولت خواستند آشوبگران را شدیداً محساز کند.

۲۵ اردیبهشت ۵۷ - تظاهرات دانشجویان در دانشگاه تهران صورت گرفت.

۹ خرداد ۵۷ - تظاهرات خونین در خوابگاه دانشجویان در امیر آباد شمالی ، کوس رسوائی رژیم را بصدا درآورد.

۱۷ خرداد ۵۷ - ناصر مقدم معسوم به سمت رئیس سازمان امنیت (ساواک) برگزیده شد و گفته شد که وی یک " حقوق دان اصلاح طلب " و مخالف سکجه است !!

۶ تیر ۵۷ - داریوش همامون سخنگوی دولت اعلام کرد که " حزب رساخیز ملت ایران ، حزب فراگیرنده و تنها حزب سیاسی ملت ایران است و نیروی ملت ایران ، پشت سر این حزب قرار گرفته است .

۱۹ تیر ۵۷ - آموزگار نخست وزیر ایران اعلام کرد که " تظاهرات آزاد خواهد شد و میتوان اجتماعی داشت ولی بانظارت قانون ۲۵ تیر ۵۷ - تظاهرات گسترده خونین اصفهان ، این شهر ابصورت خرابه ای در میآورد . در این تظاهرات ، تعداد زیادی از بانکها ، سینما ، مشروب فروشی ها ، کانون حزب رساخیز و... مورد حمله توده ها قرار میگیرد . تعداد بسیاری شهید وزخمی میشوند . دانسته این تظاهرات بحدی بود که در آنجا بحدت یکماه از ساعت ۸ شب تا ۶ بامداد فردا حکومت نظامی اعلام میشود .

اول رمضان ۹۸ - بمناسبت فاجعه اصفهان امام خمینی در پیام خود بیان داشتند که: امروز شمار مرگ برشاه ملی شده و تاراجیده شدن دستگاه ظلم و انقراض دودمان جنایتکار پهلوی ادامه دارد .

۲۱ تیرماه ۵۷ - توده های مبارز در تهران از مسجد امام حسین خارج شده و شروع به تظاهرات می نمایند . در این تظاهرات بانکها ، سینماها و... مورد حمله تظاهرات کنندگان قرار میگیرد .

۲۲ تیر ۵۷ - تظاهرات گسترده ای در قم قی قرار ترین شهر ایران است .

۲۳ تیر ۵۷ - در تظاهرات قزوین ، چند تن شهید برجای میماند .

۸ رمضان ۹۸ - بمناسبت فاجعه اصفهان و شیراز ، در پیام امام خمینی آمده است که: قتل عامهای مکرر در شهرهای مذهبی اصفهان و شیراز و... نمونه دیگری است از جنایات بی حد شاه .

۲۹ مرداد ۵۷ - یکی از خونین ترین و دردآورترین حادثه های ایران توسط مزدوران رژیم جلاد پهلوی بوقوع پیوست و آن سوزاندن بیش از صدها نفر از خواهران و برادران ما در سینما رکس آبادان بود . این حادثه قلب امت ایران را بدر آورد و خوزستان بحالت تعطیل درآمد . به همین مناسبت به پشتیبانی از شهدای سینما رکس آبادان ، تظاهرات گسترده ای در ایران برپا میشود .

۲۹ مرداد ۵۷ - یکی از خونین ترین و دردآورترین حادثه های ایران توسط مزدوران رژیم جلاد پهلوی بوقوع پیوست و آن سوزاندن بیش از صدها نفر از خواهران و برادران ما در سینما رکس آبادان بود . این حادثه قلب امت ایران را بدر آورد و خوزستان بحالت تعطیل درآمد . به همین مناسبت به پشتیبانی از شهدای سینما رکس آبادان ، تظاهرات گسترده ای در ایران برپا میشود .

۲۹ مرداد ۵۷ - یکی از خونین ترین و دردآورترین حادثه های ایران توسط مزدوران رژیم جلاد پهلوی بوقوع پیوست و آن سوزاندن بیش از صدها نفر از خواهران و برادران ما در سینما رکس آبادان بود . این حادثه قلب امت ایران را بدر آورد و خوزستان بحالت تعطیل درآمد . به همین مناسبت به پشتیبانی از شهدای سینما رکس آبادان ، تظاهرات گسترده ای در ایران برپا میشود .

۲۹ مرداد ۵۷ - یکی از خونین ترین و دردآورترین حادثه های ایران توسط مزدوران رژیم جلاد پهلوی بوقوع پیوست و آن سوزاندن بیش از صدها نفر از خواهران و برادران ما در سینما رکس آبادان بود . این حادثه قلب امت ایران را بدر آورد و خوزستان بحالت تعطیل درآمد . به همین مناسبت به پشتیبانی از شهدای سینما رکس آبادان ، تظاهرات گسترده ای در ایران برپا میشود .

۲۹ مرداد ۵۷ - یکی از خونین ترین و دردآورترین حادثه های ایران توسط مزدوران رژیم جلاد پهلوی بوقوع پیوست و آن سوزاندن بیش از صدها نفر از خواهران و برادران ما در سینما رکس آبادان بود . این حادثه قلب امت ایران را بدر آورد و خوزستان بحالت تعطیل درآمد . به همین مناسبت به پشتیبانی از شهدای سینما رکس آبادان ، تظاهرات گسترده ای در ایران برپا میشود .

۲۹ مرداد ۵۷ - یکی از خونین ترین و دردآورترین حادثه های ایران توسط مزدوران رژیم جلاد پهلوی بوقوع پیوست و آن سوزاندن بیش از صدها نفر از خواهران و برادران ما در سینما رکس آبادان بود . این حادثه قلب امت ایران را بدر آورد و خوزستان بحالت تعطیل درآمد . به همین مناسبت به پشتیبانی از شهدای سینما رکس آبادان ، تظاهرات گسترده ای در ایران برپا میشود .

حاکمیت سرمایه داری وابسته بر اقتصاد ، صنعت و مالکیت های اختصاصی در اراضی و آزاد شدن دهقانان و کارگران و آزاد شدن سیستم پولی ما و آزاد شدن نیروهای ارتشی از وابستگی بند امپریالیسم و فرماندهان وابسته و مزدور بودند و در این راه تلاش میکردند در خط انقلاب بودند . و آنها تکیه برای انتخاب شدن در هر مرحله با استفاده از تضادها و اغتشاشاتی که مستقیم و غیرمستقیم در کشور زده شده می شد و می شود بهره برداری کرده و با تکیه بر این امر که برقراری امنیت یکی از قوی ترین هدفهاست ، امنیت بی سهر قیمت و به شکل باز در خط انقلاب عمل می کردند . چون همه شما می دانید که عادت و روش دیرینه استعمار این است که این نوع اغتشاشات را بعد از هر نهضت و انقلابی بوجود آورد . چنانکه بعد از نهضت مشروطیت همین اغتشاشات ، مردم را که در شناخت محتوی انقلاب و عملکرد آن هنوز به رشد و آگاهی کامل و کافی نرسیده بودند ، دچار خستگی و سرخوردگی کرد . بطوریکه در آرزوی برقراری امنیت قوری دنبال یک قدر نظامی افتادند ، و ورود او را تبریک گفتند .

سومین ویژگی خط امریکا مخالفت با جوهر مکتبی و اسلامی انقلاب و تاکید بر دموکراتیک نشان دادن تحول انقلابی جامعه است . امریکا چه نوعی از این کار دارد ؟ امریکا احساس می کند که اگر انقلاب را در حد یک جریان دموکراتیک نگاهداری بکند ، رهبری انقلاب بدون تردید و بطور طبیعی در اختیار نیروهای لیبرال وابسته به سرمایه داری باقی می ماند و در چنین جریان دموکراتیکی انقلاب هرگز به نهاد های جامعه کاری ندارد کافی است که مجالس مقننه را تشکیل بدهد ، قانون اساسی دموکراتیکی را تدوین و اجرا بکند ، آزادیهای سیاسی ، حزبی و عقاید را تضمین بکند ، مردم هم راضی بشوند و ظاهراً " نهضت به هدفهایش رسیده باشد . تنها در یک انقلاب مکتبی است که بنیادهای جامعه دگرگون خواهد شد در یک انقلاب مکتبی است که مردم خواهان نفی استعمار هستند خواهان قطع حاکمیت سرمایه داری و مالکیت های ارضی هستند . در یک انقلاب دموکراتیک چنین مسائلی مطرح نیست ، تنها آزادی است ، همانکه لیبرالها در ایران تقاضا داشتند .

اینکه شاه سلطنت کند نه حکومت ، اینکه فقط یک حکومت مشروطه داشته باشیم ، اینکه فقط یک حکومت دموکراتیک داشته باشیم ، یک جمهوری دموکراتیک داشته باشیم . این صدا وقتی از دهان امریکا و نیروهای وابسته به امریکا خارج می شود هدفش متوقف کردن انقلاب از دگرگون کردن نهاد های جامعه است . از اینرو می بینیم که محافل وابسته به امریکا تلاش عظیمی می کنند تا جوهر انقلابی مکتبی را نادیده بگیرند .

امریکا یک هدف بزرگتری را هم در این جریان دنبال می کند . اگر انقلاب جوهر مکتبی - اسلامی را حفظ کند ، نمی تواند به عنوان یک انقلاب ملی یا یک انقلاب دموکراتیک و قومی تنها در مرزهای جغرافیایی ایران محصور و زندانی بشود . آنوقت تمام خلقهای مسلمان منطقه در درجه اول زیر تاثیر یک انقلاب مکتبی قیام خواهند کرد و حکومت های زیر سلطه امریکا را به لرزه خواهند انداخت . لیکن امریکا با این امر مخالفت می کند .

لیبرالیسم در خط امریکا

نیروهای لیبرال هم سعی می کنند که انقلاب را در پوشش دموکراتیکش حفظ کنند و با جوهر اسلامی مخالفت می کنند . اینجاست که در چنین برخوردی مخالفت با مکتبی و انقلابی شناختن جنبش بنفع امریکا تمام می شود . چنانکه بعضی ها روی تحلیل غلط ، جریان انقلاب را که محتوی انقلابی داشت با نگاه کردن به نیروهای جایگزین شده به خط غیر انقلابی شمردند . این نکته ای است که من می خواهم خواهران و برادرانم بخوبی توجه کنند ، که در شناخت انقلاب ایران این اشتباه برای بسیاری از نیروهای امیل و مترقی هم رخ داد ، که وقتی نیروهای جایگزین شده لیبرالیسم ، بورژواها و یا بعضی عناصر مترجع را در راس نهاد های انقلابی دیدند ، انقلاب را یک انقلاب بورژوا دموکراتیک تبیین کردند و ماهیت جریان انقلاب توده ای را که انقلابی بود و هدف و شمار و در نیروهای بالنده ای که تکیه گاه انقلاب بودند و در روشی که علیه رژیم بکار برد ، نشناختند . چرا که انقلاب لا اقل سه ویژگی اساسی دارد ، که انقلاب ایران هم داشت . یکی اینکه تکیه گاه توده ای دارد . محرومترین اقشار جامعه پیگانه چنین انقلابی می شوند که در ایران هم نیروهای مستضعف جامعه و کارگران و محرومان عمده ترین نیروها و پیگانه جنبش بودند و طبقات سرمایه دار و میانه سرمایه داران و لیبرالها و قشرهای متوسط ، تکنوکرات ها ، بوروکراتها و تمام قشرهای مرفه خارج از خط انقلاب بودند و هرگز با توده همراه نبودند .

دوم اینکه انقلاب در شعارهای خودش هرگز به شعارهای دموکراتیک بسنده نکرد . علیرغم اینکه رژیم حاضر تشد این نوع امتیازات را به مردم بدهد ، آزادی داد ، زندانیان را آزاد کرد ، وعده انحلال ساواک را داد ، احزاب آزاد شدند ، اما انقلاب حاضر نشد تسلیم بشود . برای اینکه هدفش فراتر از شعارهای دموکراتیک بود . خواهان استقلال کامل ، یعنی قطع وابستگی از امپریالیسم بود . خواهان یک حکومت اسلامی ، یعنی دگرگون کردن همه مناسبات جامعه بود . بنابراین در شعار و ایده تئولوژی حاکم بر انقلاب هم ماهیت انقلابی داشت نه دموکراتیک . واز لحاظ شیوه برخورد در یک جهان دموکراتیک ، شیوه برخورد مسالمت آمیز و پارلمانتاریستی هست . استفاده از شیوه های قانون چنانکه لیبرالهای ایران ، همانها که در خط امریکا قرار دارند ، این شیوه را تجویز و توصیه می کردند که باید در چارچوب قانون ، علیه رژیم مبارزه بکنیم . ولی خلقها و نیروهای انقلابی و رهبران انقلاب ، قوانین حاکم را به رسمیت نمی شناختند . و توده قوانین را زیر پا می گذاشت . قانون اساسی را هم به رسمیت نمی شناخت ، چه رسد به قوانینی که شاه وضع آن بود . بنابراین با توجه به این سه ویژگی اساسی جریانی که در ایران رخ داد ، ماهیت انقلابی مکتبی داشت . لذا نباید با نگاه کردن به نحوه جایگزینی که مربوط به عوامل دیگری است که بحثش قبلاً شده ، جریان را انقلابی ندانیم . امریکا می خواهد همچنانکه لیبرالهای ایران می خواستند ، هدف را در بدست آوردن آزادیهای دموکراتیک تمام شده تلقی کند . به همین جهت اعلام کردند بعد از سقوط شاه (که تازه شخصاً " موافق آن نبودند) انقلاب تمام شده . البته پیش از آن آنها به حکومت امینی هم رضا داده بودند و حاضر به هر نوع همکاری با حکومت امینی بودند . برای اینکه امینی قرار بود بیاید و حکومت آشتی ملی درست بکند و آزادیها را بدهد . و چون آنها جز یک جریان دموکراتیک چیز بیشتری طاقت نبودند حاضر به ادامه مبارزه و اوچگیری جریان و تن دادن به آن نبودند . بعد از آن هم تلاش کردند که در همین حد نگهش دارند . از این رو می گوئیم همه گمانیکه می خواستند محتوی و ماهیت مکتبی انقلاب پیش را از این جهان بگیرند ، عملاً چه بخواهند چه نخواهند ، علیرغم

سلام علیکم
بسم الله الرحمن الرحيم
در آغاز ولادت پیامبر عزیز و آغاز نوزدهمین قرن بعثت را به همه برادران و خواهران تبریک می گویم . بعد از یکسال که از پیروزی انقلاب می گذرد و در آستانه مرحله جدیدی که با تشکیل بعضی نهادهای جمهوری آغاز شده و اکنون که مقدمات تشکیل مجلس شورای ملی فراهم می شود ، تصور می کنم موقع آن رسیده است که با یک نگاه سراسری و عمومی بر آنچه که در این یکسال گذشت ، خطوط اساسی انقلاب و تضادها را ترسیم کنیم . زیرا بدون در نظر گرفتن خط کلی انقلاب تعیین عملکرد و ارزیابی نقش عناصر و نیروها و جریاناتی که در انقلاب ما بطور مثبت و منفی دست در کار بودند ، میسر نخواهد بود .

برخورد مقطعی و جزئی با این عناصر و نیروها ، مانع از آن است که موضع واقعی آنان در تحول انقلاب ملت ما روشن شود . دلیل مهم این امر ، پیچیدگی عمل امپریالیسم در مقابله با انقلابات خلقهاست . از این رو سخت باید از ساده نگاری و ساده اندیشی در برخورد با جریانات برهیز کنیم . والا قضاوتی غلط و در نتیجه عملکردی ناصحیح در برابر مسئولیت های تاریخمان خواهیم داشت .

خط سیر انقلاب از سالهای ۴۲ به بعد

اگر خط سیر انقلاب ایران را از سالهای ۴۲ به بعد در نظر بگیریم علیرغم وجود انواع جریانات مختلف و تودرتو در متن این حرکت اجتماعی دو خط سیر اساسی بیش نداریم خط انقلاب و خط امریکا . برای اینکار لازم است ویژگی هایی که عملکرد امریکا در طول ۱۵ سال اخیر در رابطه با نهضت رو برد و انقلابی داشت ، روشن کنیم . این ویژگی در سال ۴۱ با یکی دوسال پیش از آن با روی صحنه آمدن علی امینی مشخص شد . قبلاً این توضیح را بدهم که وقتی صحبت از خط امریکا می کنیم ، در این رابطه سیاست اساسی و ابعاد مختلف استراتژی امریکا را مورد نظر قرار نمی دهم . الا با بطور مثال : بحث بر سر این نیست که امریکا با ایجاد حکومت های دست نشانده ، از طریق کودتاها و کمک نیروهای نظامی منابع و پایگاه های استراتژیک قلمروهای تحت نفوذ را تحت کنترل درمی آورد ، اینجا بحث بر سر این است که بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۴۲ که حکومتی کاملاً دست نشانده در اختیار امریکاگست ، در مواجهه با بحرانهای سیاسی و اقتصادی و احساس ترس از ناتوانی در حفظ حکومت وابسته بخود ، امریکا سیاست های جدیدی را پیش می گیرد . این سیاست معمولاً مورد حمایت جناحهای لیبرال امریکاگست . وقتی حفظ حکومت های فاسد دیکتاتور در کشورهای زیر سلطه میسر نیست ، برای پیشگیری از رشد انقلابات خلق علیه آن حکومت ها ، جناحهای لیبرال وابسته امریکائی خود پیشقدم در انقلابات دولتهای دست نشانده می شوند . نظیر انقلاباتی که در همان زمان محافل امریکائی به شاه می کردند تا زمینه را برای جایگزینی یک حکومت لیبرالی وابسته بخود ، بجای دیکتاتور فراهم آورند . و این پیشگیری از سرنگونی قطعی رژیم بدست نیروهای خلقی است . سیاست امینی این بود که در برابر رشد دیکتاتوری شاه یک حکومت لیبرالی مکتبی به قشرهای مرفه متوسط و سرمایه دار بوجود بیاورد و با این کار راه رشد جریانات انقلابی را مسدود کند .

این خط سیر تا امروز ادامه دارد . هدف این نوع حکومت ها حاکم کردن سرمایه داری وابسته است با تکیه بر نوعی دموکراسی که همان دموکراسی نوع غربی است . تشکیل نهادهائی مثل مجلس شورای ملی ، آزادیهای سیاسی ، احزاب و مطبوعات ، اما آن آزادی که در خدمت سرمایه داری و سلطه امپریالیسم باشد .

برای اینکه در جوانی نوع آزادی یا دموکراسی سرمایه داری ، معمولاً در نزاع خلق با رژیم تنها نیروهای وابسته و نیروهای مکتبی به سرمایه داران امکان رشد و بهره برداری کامل از آزادیها را دارند و در مقابل مبارزه انقلابی و اقدامات مسلحانه و انقلابی فضای تنگ و تنگتری پیدا می کنند .

در سال ۵۶ و ۵۷ با آزادیهایی که داده شد و صحنه های نمایشی که در مجلس بوجود آوردند ، هدفی جز این نداشتند که فریاد خلقهای ستمدیده ، در گوشه و خیابانها و دهات ایران ، در سروصدای این عروسک های نمایشی خاموش و ناشنیده گرفته بشود . بدافاضه در چنین جو دموکراتیکی هدف امپریالیسم این است که با تشدید تضادهای درونی در بین مردم ، در بین خلق ، تضادهای مسلکی و ایده تئولوژیک ، جامعه های متفرقه غربی بوجود بیاورد و با استفاده از پول هفکنت نفی رفاه نسبی و با این رفاه نسبی فرهنگ سرمایه داری و مصرفی را حاکم کند . تا جوانها آلوده نوعی لالیالی گری ، بی قیدی و زندگی مصرفی شوند و انگیزه های مادی و رفاهی تقویت شود . بطوریکه هدفی برای مردم جز پول و مصرف کردن و لذت بردن باقی نمانده و الگوهای سرمایه داری غربی الگوی زندگی مردم بشود ، تا خود بخود انگیزه های آزادیخواهی و مبارزه جویی و ستیزه جویی و انقلابی از بین برود . هم چنین با تزریق کمی پول و رفاه به طبقات مستضعف جامعه ، خصلت ها و زمینه های انقلابی آنان زوده شود .

ویژگیهای خط انقلاب و امریکا

در مقابل یک چنین خطی ، خط انقلابی قرار گرفته ، که مخالف با هر نوع همراهی و موافقت با این نوع نهادهای ظاهراً " دموکراتیک . جهان انقلابی دست رد بر این نوع عقب نشینی های تاکتیکی رژیم می زند و هدایای دموکراتیک آنها را رد می کند . برای اینکه برای مردم معلوم است که در لاف زبانی دموکراسی ، سوارت و سلطه امپریالیسم پنهان شده است . بنابراین از همان زمان ، گمانیکه این نوع هدایای امریکا و محافل لیبرالی امریکا را استقبال می کردند برای این هدایا در مقابل دسته گل می فرستادند ، در خط امریکا قرار داشتند .

نیروها و میلو نهایی خلق محروم ستمدیده ای که به این هدایا پوزخند می زدند و با قهر انقلابی پاسخ می گفتند . و قیام خونین ۱۵ خرداد را در برابر آن بوجود آوردند ، در خط انقلاب قرار داشتند . چرا که مردم به تجربه دریافته بودند که در این نوع محاسن جائی جز برای نمایندگان سرمایه داران و فئودالها و لیبرالهای وابسته و مزدوران وجود ندارد . هرگز خلق نمی تواند گرسبهای این پارلمانها را اشغال و یا بسود خود بکار برد . تنها به درد احزاب فراگیر و رساخیزی می خورد که بتوانند با تمهیدات غاصتان مجلس فرمایشی را تزیین بکنند . دومین ویژگی خط امریکا در حفظ و تثبیت اساس نظام موجود است . در تمام طول این سالها علیرغم تحولات و زیر و بم های فراوانی که رخ داده از سست کردن بندها و محدود کردن قدرت مطلق شاه و اجازه انتقاد کردن و دادن آزادی و بالعکس تثبیت دیکتاتوری و تسلط کامل قدرت ساواک ، هدف امریکا حفظ اساس نظام حاکم است . در آستانه انقلاب هم وقتی در برابر هجوم سیل مردم تاب مقاومت نداشت ، برای حفظ نظام عقب نشینی هایی را متحمل می شود . آنها تکیه تم از حفظ امنیت و نظم در شرایطی می زدند و می زدند که حاکمیت امپریالیسم وجود داشت و دارد ، عملاً " در خط امریکا عمل می کنند . زیرا حفظ نظم جامعه و امنیتی که در سایه آن منافع سرمایه داران و فئودالها و مرتجعین و منافع اساسی امریکا حفظ شود جز در خط امریکا نیست . در روزهای انقلابی که هماغه با رژیم و هماغه با حکومت های محافل لیبرالی امریکا از مردم تقاضای حفظ آرامش و نظم می کردند و دعوت به سکوت و ماندن در خانه و حفظ و کنترل اعصاب و احساسات می نمودند ، عملاً " در خط امریکا عمل می کردند . و در مقابل توده های آزیندگسترو بیباخاسته ای که شب و روز فریاد مرگ بر شاه و سلطنت زبیدی را در فضای ایران طنین افکن می کردند و گمانیکه شورش و انقلاب در میان مردم می پرانیدند و رهبر انقلاب که دانما " مردم را به مقاومت و ایستادگی و خروج از خانه ها و برخاستن و حرکت کردن و اعتصاب کردن و فلج کردن گارها دعوت می کند در خط انقلاب بود و آنها که اعتصاب را حائز آثار زیان بخش برای مردم و جامعه می دانستند و از بهم ریختن جامعه و آشوب سوز و بهم زدن نظم مملکت ناراحت بودند در خط امریکا عمل می کردند . و آنها تکیه امروز در طول ۱۱ ماه بعد از انقلاب همچنان به تثبیت نظام و حفظ امنیت و نظم ، نظمی که در آن مناسبات سرمایه داری و حاکمیت امپریالیسم پایدار می ماند رغبت نشان می دادند و توصیه می کردند ، بازهم در خط امریکا بودند . و گمانیکه خواهان درهم ریختن مناسبات اساسی جامعه ،

خط انقلاب، خط آمریکا

بله از صفحه ۱۰

مسئله نفت

مسئله پنجم مسئله نفت است. آنها که در خط آمریکا عمل می‌کردند، هرگز حاضر نبودند بپذیرند که نفت یک مسئله سیاسی برای ایران است. آنها همیشه تاکید می‌کردند که نفت یک مسئله صرفاً اقتصادی است. ما کالائی داریم، باید بفروشیم. حالا خودمان به تنهایی نتوانیم استخراج کنیم، اجازه می‌دهیم کارشناسان و شرکت‌های خارجی بیایند استخراج کنند. همان زمان در جریان انقلاب، آقایان لیبرالها وقتی از نفت صحبت می‌کردند می‌گفتند: "نفت یک مسئله اقتصادی است و در باره آن با آمریکا مسئله‌ای نداریم". و اینرا در اعلامیه‌هایشان هم می‌آوردند، آمریکا هم همین را می‌خواست که نفت را فقط یک مسئله اقتصادی بداند، و بنابراین تسلطش را بر منابع زرخیز نفت در منطقه خاورمیانه و در هر نقطه جهان حفظ کند. و ما می‌دانیم که این منابع نفت تا حد جد برای آمریکا و امپریالیسم در سطح جهان، اروپا و ژاپن حیاتی است. ولی انقلاب و خط انقلاب معتقد بود که نفت متعلق به خلقهاست و باید مدافع خلقها بگردد و به عنوان یک سلاح سیاسی در مبارزه با امپریالیسم باید بکار برده شود. هنوز هم تا به امروز لیبرالها اجازه ندادند که با مسئله نفت بطور انقلابی برخورد بشود. هنوز هم می‌خواهند آنرا در حد یک مسئله اقتصادی نگه دارند. و قراردادهای نفت را نه فاش کردند و نه گفتند که با این قراردادها چه کرده‌اند.

در حالیکه ملت خواهان این است که بدانند قراردادهای استعماری چه شده؟ آیا هنوز به قوت خود و به اعتبار خود باقی است؟ یا نه. اگر نه، چرا رسماً لغت شده و اگر باقی است به چه نحو عمل می‌شود؟ و آیا انقلاب ما می‌خواهد از نفت به عنوان یک سلاح برای آزادی خلقهای منطقه و خلقهای مستضعف جهان و برای نابودی امپریالیسم استفاده بکند یا نه؟ ویژگی بعدی خط آمریکا این است که وقتی می‌خواهد با اسلام برخورد کند، اسلام را در سران کشورهای اسلامی می‌بیند، نه در خلقها. کنفرانس‌های اسلامی را از سران، از شاهان، از ملکه‌ها، از ملکه‌های، ملک‌های، فیصل و خالد و ناظران و شاه و ضیاء الحق تشکیل می‌دهد و آنها را حمایت می‌کند. چرا که می‌داند اینها عوامل دست‌نشانده او هستند و اینان دنباله‌کنندگان خلف خلفای ستگر و سلاطین ستگری هستند که اسلام پناه نامشان می‌داند. در حالیکه انقلاب تکیه روی خلقها دارد و وحدت جنبشهای آزادیبخش و خلقهای مسلمان را طالب است. وحدت اسلام را در انقلاب خلقها، در فلسطین، در جنوب لبنان، در سور، در صیدا، در تل زعتر، در کوههای قبیله الحزایر، در کوههای حجاز، در جنوب عراق، قم، در میدان شهدا، در سرچشمه و در هر کجوه و خیابان‌ها که خون شهدا ریخته شده جستجو می‌کند. این خط انقلاب است. و گمانیکه آن نوع کنفرانسها را تا باید می‌کنند در خط آمریکا هستند.



ویژگی بعدی آمریکا حفظ مناسبات و براساس نظام ارتش است. آمریکا وقتی که در برابر خروش خلق ایران قرار گرفت و قدرت پایداریش را از دست داد و احساس کرد که مقاومت بیشتر منجر به تلاش ناهمگامی امپریالیستی در ایران خواهد شد، با یک مذاکرات پیچیده و عقب‌نشینی تاکتیکی و فرستادن ژنرالهای خودش از جمله ژنرال هویزبر به ایران سعی کرد که ارتش را لااقل سالم نگه دارد. تا به گنگ ارتش، سایر نهادها سالم ماندند و در آینده در از دست رفتن ایران مسلط بشود. آنها تکیه بر خواهان یک چنین مسامحه‌ای بودند، آنها تکیه بر خواهان حفظ ارتش از دست رفتن خلق در زمان انقلاب بودند و به مذاکره تن دادند و هویزبر را پذیرفتند. و با او مذاکره کردند، با قربانی‌ها، با مقدم‌ها در هرجا گفتگو داشتند، در خط آمریکا، حرکت می‌کردند. و خلقی که در برابر ارتش وابسته ایستاد و توده‌های ارتشی و سرپازان در دره‌داران هافران و افسران آزاده‌ای که در برابر فرماندهان خود قیام کردند، در خط انقلاب بودند. در تمام ۱۱ ماهی هم که لیبرالیسم حاکم از تصفیه ارتش جلوگیری کرد، "علماً" در خط آمریکا حرکت کرد. همه نیروهای تکیه بر خواهان تصفیه بودند و انقلابیونی که در صفوف ارتش خواهان تصفیه بودند و هستند، در خط انقلاب هستند. لیبرالیسم حاکم خواهان تکیه بر ارتش وابسته بود و این خواست آمریکا بود. در حالیکه خلق و رهبری انقلاب خواهان تشکیل ارتش خلقی ۲۰ میلیونی است و تکیه بر ارتش می‌کند و سپاه پاسدار را از جوانها تشکیل می‌دهد تا انقلاب را بر دوش نیروهای پالنده و کسانی قرار دهد که در روزهای خونین در برابر دشمنان رژیم بودند. اینها حق و شایستگی حفظ انقلاب را داشتند و دارند و هرکس که در این خط حرکت می‌کند، در خط انقلاب است نه آنها تکیه با این نهادها مخالفت می‌کردند و خواهان تکیه بر فرماندهان ارتش بودند و آنها را از جنگ دادگاهها خلاص می‌کردند و پناه می‌دادند. ویژگی بعدی خط آمریکا این است که در سرزمینهای اسلامی، اسلام را بدون محتوی و تنها در پوسته خشک و خالی حراست و حمایت بکند. یکی از سیاستمداران برجسته آمریکایی چندی قبل اعلام کرد که آمریکا از انقلاب منطقه که خواهان حاکمیت الله هستند حمایت نمی‌کند! منظور او چه بود؟ چه شد که آمریکا می‌خواهد از انقلابات مذهبی اسلامی دفاع کند؟! خواست او این است که انقلابات اسلامی را بصورت پوسته‌های بی محتوای نظیر نظامی‌ها، در عربستان سعودی - البته عربستان سعودی نباید بگوئیم، جزیره العرب، چون متعلق به سعودی‌ها نیست، متعلق به خلق عرب است - در پاکستان و نظائر آن بوجود آورده در آورد. آمریکا و خط آمریکا آن نوع نظام را برای اسلام می‌خواهد. در حالیکه خلقها و خط انقلاب خواهان محتوی واقعی اسلام و اسلام محمد (ص)، اسلام علی و اسلام ابودر هستند. آمریکا، اسلام طرفدار سرمایه‌داری، طرفدار فئودالیسم، اسلامی که فقط ضد مارکسیست باشد، طالب است. نه اسلام انقلابی، اسلام توده‌های مستضعف و اسلامیکه در خط سرخ شهادت خواهان حاکمیت نظام توحیدی بوده و هست. او اسلامی می‌خواهد که مخدر و تسکین‌دهنده، خلقها و بازدارنده آنها در مبارزه علیه امپریالیسم باشد.

ویژگی دیگر خط آمریکا حمایت از سرمایه‌داری وابسته طبقات سرمایه‌دار مره و حفظ حاکمیت سرمایه و اقتصاد سرمایه‌داری است. ما در طول ۱۱ ماه شاهد بودیم که چگونه لیبرالیسم از مناسبات سرمایه‌داری دفاع میکرد. از حاکمیت سرمایه‌داران بر صنایع دفاع میکرد. حل اقتصاد ایران و بحران اقتصادی و بیکاری را تنها به کمک سرمایه‌داران و شرکت‌های امپریالیستی می‌شناخت. در حالیکه خط انقلاب و خط امام در ملی کردن صنایع و مردمی کردن آنان و تقسیم اراضی بین دهقانانی که روی آنها کار می‌کنند و مصادره اموال و مستغلات و همه سرمایه‌های سرمایه‌داران داخلی و خارجی بوده و هست. انقلاب طرفدار حاکمیت نظام بی طبقه توحیدی بود، در حالیکه آنها که در خط آمریکا عمل می‌کردند، طبقات را تثبیت می‌کردند. ویژگی دیگر گمانیکه در خط آمریکا عمل می‌کردند، پیش گرفتن روشهای سلامت آمیز و صلح‌جویانه با امپریالیسم بوده و هست. همیشه مدعی می‌زدند که ما با آمریکا کاری نداریم. وقتی که شاه یعنی عامل دشمنی بین ما و آمریکا دیگر وجود ندارد، باید با آنها سازش کنیم. مصالحه کنیم. از سفارت آمریکا حراست و حفاظت می‌کردند، اسناد آنرا یا نگاه می‌داشتند یا اجازه می‌دادند از کشور خارج بشود. در حالیکه خط انقلاب و امام این بود که ما با آمریکا امکان آشتی نداریم. آمریکا شیطان است و شیطان هرگز با انسان و خدا آشتی نخواهد کرد. گمانیکه امکان آشتی بین خلق و امپریالیسم را قائل اند، یعنی امکان آشتی بین روح خدائی آن و شیطان را قائلند، آنها بینش مکتبی اسلامی ندارد. خط انقلاب خواهان مبارزه آشتی‌ناپذیر با شیطان (امپریالیسم) تا نابودی کامل آن است و خط آمریکا خواهان برقراری مصالحه و سازش و آشتی می‌بینیم که محافل لیبرالیستی چگونه از مبارزات ضد امپریالیستی امام و خلق خوشگین ر عصبانی و ناراحت بودند و دانستند که اجازه نمی‌دهیم ما کارها را با ما بدیم و هنوز هم از مبارزات ضد امپریالیستی مردم و برادران دانشجوی شما در سفارت ناراحت و خوشگینند. در تمام این مدت مشاهده می‌کنیم که جریان عمده و اساسی که در خط آمریکا از لحاظ سیاسی حرکت می‌کند، لیبرالیسم است. سرمایه‌داری وابسته، بازمانده‌های فئودالیسم و افسران وابسته در ارتش متحدین و پایگاههای طبیعی و اساسی همین لیبرالیسم هستند. و نیروهای فرصت‌طلب و قشرهای متوسط و مرفه‌الحال و آنها تکیه از قبل پول نفت در طول حاکمیت شاه به نوا رسیده بودند، از این اتحاد نامقدس حمایت می‌کنند، چنانکه از بختیاری می‌کردند. طرفداران بختیاری بطور طبیعی طرفداران این اتحاد در طول ۱۱ ماه بودند و همینها در مبارزات ریاست جمهوری و مبارزات

آینده بد این جناحها رای داده و خواهند داد. اما اینجا یک نکته مهم. بعد از سرنگونی شاه، با توجه به این خط اساسی و حرکتی که تا کنون انجام گرفته، ماهیت خط آمریکا را می‌شناسیم و دیدیم که آمریکا با استقرار انقلاب مخالفت می‌کرد و تضادهای درون خلقی را دامن می‌زد و اجازه نمی‌داد که یک جریان انقلابی به حل این تضادها موفق بشود. کسانی هم که علیرغم ماهیت خودشان به این تضادها دامن می‌زدند علماً دانسته و ندانسته در خط آمریکا عمل می‌کردند و این اشتباه محض آنان بود. وظیفه نیروهای انقلابی در روز بعد از سقوط شاه همچنانکه خلق اعلام کرد، مبارزه با آمریکا بود. وقتی لیبرالیسم پایگاه اساسی آمریکا بود و جایگزینی وسیله لیبرالیسم انجام گرفت، می‌بایست تضاد اساسی و عمده خود را با لیبرالیسم وابسته بدانیم. زیرا که خطرناکترین تهدید نسبت به انقلاب، لیبرالیسم بوده و هست. و چه اشتباه بود که جریانات دیگری را بجای این لیبرالیسم مگر عمده می‌کردند. امروز بعضی‌ها که انصاف بیشتری دارند، به این واقعیت پی برده و تصحیح خط کرده‌اند. باید صریح بگوئیم که ارتجاع در مقایسه با لیبرالیسم هرگز خطرناکتر از اساسی و عمده محسوب نمی‌شده و نیست. ارتجاع هرگز در ایران پایگاه مطمئن برای امپریالیسم و استعمار نبوده. در طول ۱۵۰ سال حاکمیت استعمار ارتجاع نمی‌توانسته پایگاه امپریالیسم و استعمار باشد. می‌توانسته وسیله دست او و چاقی باشد. اما پایگاه استعمار همیشه جریانات تجدیدگرایانه و لیبرالها بودند که با فرهنگ استعماری با فرهنگ سرمایه‌داری آشنا و مومن و متکی به سرمایه‌داری وابسته و تجارت وابسته و ناظران بودند، و دارای دانش و کادری و شخصیت مشترک با اقتصاد و فرهنگ سرمایه‌داری و استعمار بودند. ارتجاع فقط می‌توانسته عنوان پوششی و توجیهی برای حاکمیت یک جریان استعماری باشد. بعد از انقلاب نیز کادری اساسی نیروی که انقلاب را تهدید می‌کرد و مانع از تداوم انقلاب علیه آمریکا شد، لیبرالها بودند. آنها برای سازماندهی دارای تجربه کافی، کادر متخصص و راه‌حل اقتصادی سیاسی هستند. بعضی نیروها با عمده کردن ارتجاع، بدون ارائه تعریف مشخص از آن باعث شدند نیروهای آنان علیه دشمن اصلی یعنی لیبرالیسم بگردد و بنابراین سنگوت و این اشتباه بود و ما امروز درمی‌یابیم که در این مدت بخصوص با اقبالی اسناد برای گمانیکه نمی‌دانستند و از سردیستک شاهد عملکرد این نیروها نبودند، خطری که از ناحیه اینها متوجه انقلاب است تا حدودی بر همه روشن شده است.

سماوی کردن روحانیت با ارتجاع اشتباه دیگری است. باید روحانیون را سنا قرار داد. در میان روحانیون لیبرالها هستند، مرتجعین هستند، نیروهای مبارز هم هستند. و اتفاقاً گمانیکه در رابطه نزدیک با جریانات ضد خط امام حرکت کردند و خمینی‌ها هم بودند لیبرالهای روحانی بودند، روحانیون لیبرال بودند. گمانیکه در ۱۵ سال گذشته تاکنون بارها با لیبرالهای روحانی اتحاد و همکاری نزدیک داشتند، ماهیت آنها لیبرالی بود نه ارتجعی. آنها هم طرفدار یک نوع نظام سرمایه‌داری، مدرنیته کردن مملکت و اقتصاد جامعه بودند و هرگز وابسته به شیوه‌های سنتی و کهنه نبوده و نیستند. روحانیون مرتجع نقش عمده در رهبری جریانات نداشتند. تنها وسیله‌ای می‌شوند علیه نیروهای مردمی. آنها تکیه در را می‌کردند و هستند، لیبرالها هستند که در برابر روحانیون مبارز قرار گرفتند. در روزهای انقلاب و در پیش از سقوط رژیم آنها که با محافل لیبرال آمریکا با محافل ارتشی در مذاکره و تماس نزدیک بودند، روحانیون لیبرال بودند. گمانیکه مورد حمایت مطبوعات و دستگاههای تبلیغاتی آمریکا بی در داخل و خارج بودند، برای آنچه به عنوان رهبران انقلاب ایران معرفی بشوند، و برای اینکه امام رهبر انقلاب نادیده گرفته بشود و از صحنه حذف بشود، لیبرالهای مذهبی بودند نه مرتجعین. در جریاناتی که در تبریز و قم رخ داد دست روحانیون لیبرال پیدا بود. بنابراین خطر اصلی آنجاست و نمی‌بایست استراتژی اساسی که می‌بایست مبارزه علیه عمده‌ترین و اصلی‌ترین پایگاه امپریالیسم و امپریالیسم وابسته می‌کردند و تضادهای غیر اصلی را در دامن می‌زدند. بی دلیل نبود که مطبوعات وابسته در طول ۱۱ ماه هر جریانی که این خط ویژگی‌های اصلی انقلاب را حمایت و حراست می‌کرد تضعیف کرده و نادیده می‌گرفتند. از هر جریانی که ضد این خط اصیل انقلاب بود صرفنظر از ماهیتش دفاع می‌کردند. و آنها را بزرگ می‌کردند. در تمام این مدت می‌بینیم که رهبر انقلاب امام خمینی در خط انقلاب حرکت می‌کند.

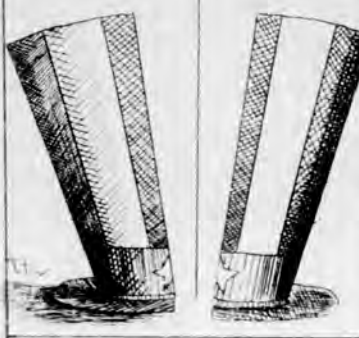


یکی از ویژگی‌های خط آمریکا، و عمل آمریکا این بود که رهبری امام خمینی را تضعیف کند. بچه دلیل؟ برای آنکه می‌داند نیروی اصلی علیه آمریکا، قدرت چند ملیونی توده‌های مستضعف جامعه ایران است که زیر رهبری امام وحدت پیدا کرده‌اند. و امام سازش‌ناپذیر و قاطع در طول ۱۵ سال گذشته بدون کوچکترین انحرافی موضع خود را علیه آمریکا و لیبرالیسم حفظ کرده و گمانیکه در آستانه سال ۱۳۶۱ و پیش از آن خردی بجای طرح شعار علیه برنامه آزادی‌زنان و بجای اینکه بگوید چون شاه اصلاحات ارضی کرده با وی مخالفیم، چون انجمن‌های ایالتی و ولایتی می‌خواهد بوجود بیآورد مخالفیم، شعار می‌دهد. که ما با شاه چون مزدور امریکاست مخالفیم و چون آمریکا بر ایران سلطاست یا مستشار امریکائی بر ایران سلطنت، و اقتصاد ایران و سیاست ایران و ارتش ایران زیر سلطه امریکاست. امام خمینی پرچم مبارزه علیه امپریالیسم را آرزوی بلند می‌کند و سازش‌ناپذیر تا به امروز قاطع می‌ایستد. این خاصیت را آمریکا درک کرده و بزرگترین دشمن خودش را در ایران و در این مرحله امام می‌داند. این حرف خالی از هرگونه ستایش خاص است. این واقعیتی است که همه شما می‌دانید. بنابراین آمریکا حق دارد که در تمام این مدت بخواند رهبری امام را تضعیف کند و آنرا از صحنه خارج کند چون با بقیه نیروها امکان سازش دارد. و نیروهای انقلابی هم آنچنان ضعیف هستند که قدرت رهبری کل جامعه را ندارند. بنابراین جایگزین امام چه کسانی خواهند بود؟ حز لیبرالیسم؟ اوچایان! متحدینشان مرتجعین؟ بنابراین آنها خیلی راحت سازش خواهند کرد. از اینرو آمریکا از هر جریانی که بهر دلیل رهبری امام خمینی را تضعیف می‌کرد، حمایت می‌کرد، مطبوعات وابسته در داخل و خارج این جریانات را بزرگ و حمایت می‌کردند و جریاناتیکه اصالتاً از خط امام و انقلاب حمایت می‌کردند، نادیده می‌گرفتند. آنها حتی خمینی‌ها را هم بزرگ می‌کردند. بر ایشان مهم نبود. چون ماهیت آنها را می‌شناختند. اینجا باید بین خمینی‌ها و وفاداران واقعی به خط انقلاب و امام فرق گذاشت. امروز خوشوقتانه کم‌کم خلق دارد این تفاوت‌ها را می‌بیند.

اینجاست که ما نقش و اهمیت کادر برادرانمان را در لانه جاسوسی خوب تشخیص می‌دهیم. زیرا ماهیت این نوع جریانات وابسته و سازشکار را گمانیکه از نزدیک برخورد داشتند می‌دانستند. اما خلقی که از دور بر طواغر و شعارها نگاه می‌کرد، امکان تشخیص سرایش وجود نداشت. و بخصوص که پوشش طرفدارای از انقلاب و امام هم همه داشتند. اما افشای این اسناد ماهیت اینها را نشان داد.



جریان لیبرالیسم حاکم، لیبرالیسم پرنفوذ جهان نیرومند، مکار و پیچیده است که مبارزه تا افشای کامل او و قطع نفوذش از همه تضادهای انقلابی باید ادامه پیدا کند. ما نباید فکر کنیم که قضایا با چند افشائی تمام شده. اولاً "این افشائی باید کامل تا آخر ادامه پیدا کند. باید اجازه داد، جریانات لیبرالی و مرتجعان متحد آنها در محاسن ما و نهادهای انقلابی ما راه پیدا کنند. خط آنها شناخته شده است. همانروزها هم که رقابتی بین بعضی روحانیون، بعضی محافل ارتجعی و بعضی لیبرالها وجود داشت ما می‌دانستیم که آنها هم برای حفظ خود، ناچار به تکیه بر درخت تناور لیبرالیسم هستند. چنانچه شما امروز شاهد اتحاد نامقدس لیبرالیسم و ارتجاع در مقابل خط اصیل امام هستید. از این رو مسئولیت جناحهای مختلف کاملاً مشخص می‌شود. در درجه اول خطاب به روحانیون، که نسبتاً صفوف خود را از مزدوران ساواک و روحانی‌نمایانی که جاسوسی می‌کردند، مزدوری می‌کردند، با قاطعیتی بیشتر و وسعت تمام پاک کنند، بلکه باید از هر نیروی مرتجع و لیبرالی تصفیه کنند. در غیر این صورت رسالت تاریخی که بر هر نیروی پیشرو مکتبی و اسلامی وجود دارد، مخدوش خواهد شد. و اهمیت و اعتباری که جامعه برای این جریان می‌شناسد متزلزل می‌شود. ما می‌دانیم که عملکرد نیروهای مرتجع و لیبرال در صفوف روحانیون چه ضربه‌ای بر نیروهای اصیل روحانی وارد کرده است. مسئولیت بعدی متوجه نیروهای انقلابی و روشنفکر است که مسئولیت خودشان را در یک مبارزه مشترک و اصولی علیه خطری جدی و اساسی که انقلاب را تهدید می‌کند، یعنی لیبرالیسم و ارتجاع متحدش تشدید بکنند. و همه اختلافات دیگری را که خارج از این خط مشترک استراتژیک است کنار بگذارند. و همه از خودخواهی‌ها، خودمحوری‌ها، سازمان و گروه محوری‌ها، پرهیز کنید، یک اتحاد اصولی برای مقابله با حمله متقابل ارتجاع و لیبرالیسم داشته باشیم.



پدر طالقانی

قلمت بلندرهاگی

بچه از صفحه ۱۲

را مطرح می‌کند و از مردم می‌خواهد که با تشکیل شوراهای اسلامی در هر محله و شهر، کارگاه و مرکز، خود سرنویس سیاسی و اجتماعی را بدست گرفته حاکمیت خویش را برقرار کنند. از سوی دیگر دولت میخواست مجروحان و استشارشدگان عشق می‌ورزید که احرا درآورد و قانون شوراها را تدوین و تصویب کند. اما چنانکه وی خود بارها گفته بود "می‌دانم چرا نمی‌گذاردند و نمی‌خواهند این کار عملی شود، زیرا دیگر آنها کارهای نخواهند بود و قدرت نخواهند داشت."

بدر که اصالت و ارزشی خالص و عمیق برای توده‌های مردم و مستضعف قائل بود، می‌خواست که با تاسیس شوراهای مردمی، آبیا بتوانند در صحنه سیاست و جامعه خویش استعدادهايشان شکوفا و رشد پیدا کند و ضمانتی برای حفظ و تداوم انقلاب شود. او که جسم عینی مکتب قرآن بود چنان که مجروحان و استشارشدگان عشق می‌ورزید که خود، توده‌ها از درک آن قاصر بودند. پدر که در جریان درگیریهای سندج به آن دیار سفر کرده بود، با طرح مسئله شوراها و برپیز از درگیریهای داخلی چنان اثری داشت که توانست علیرغم توطئه‌های استعمار و عوامل داخلی آن و فرصت‌طلبان تا مدتها آرامش را به سندج باز گرداند ولی افسوس که با سهل‌انگاری و عدم توجه دولت موقت به خواست‌های مردم وسیلهی محرومیت و نیاز فوری و مرم آنها به برنامه‌های ضربتی رفاهی و تامین خواست برادران کرد (و سایر اقلیت‌های قومی) مبنی بر خود مختاری در چهارچوب جمهوری اسلامی، امکان جنگ‌های طولانی کردستان و برادرکتی را بوجود آورد. پدر بارها و بارها در نماز جمعه و یاد هر فرصت دیگری خواستار تشکیل شوراها بود و نگرانی خود را از اینکه در این کار خرابکاری و سهل‌انگاری می‌شود به تمام دستگاههای تصمیم‌گیری و اجرائی انتقاد و حمله می‌کرد، وی شدیداً نگران سرنویس انقلاب و پیامب شدن روح چندین ساله‌ی مبارزان و شهیدان این راه بود. طالقانی مصراً "خواستار حکومت مستضعفان و وراثت آنان بوده و همیشه از کارگران، دهقانان و سایر اقشار تحت ستم و محروم پشتیبانی می‌کرد. ولیبرالها و مرتجعین را بعلت عمل‌گردهای غیر انقلابی و غیر مکتبی‌شان مورد شامت و سرزنش قرار میداد. برائتی قسط و عدل اسلامی یکی دیگر از خواست‌های مهم پدر بود، چنانکه بارها در این مورد در سخنرانی‌ها و صحبت‌هایش از آن یاد کرده و سفارش می‌کرد.

به پدیده، استثمار، استعمار و استبداد از مسائلی بودند که وی همراه با آنها طی ۴۰ سال مبارزه‌اش به سبز خاسته بود. بعد از پیروزی انقلاب، نیز همچنان با این مثلث شوم و برده‌کننده انسانها و محروم‌کننده‌شان از حقوق طبیعی و خدائیشان به مبارزه‌اش ادامه داده بود. تا جائیکه وقتی به هیات کوبائی می‌گویی: "در واقع هر انقلاب علیه ظلم، علیه استبداد، علیه استثمار در هر جای دنیا که باشد، از نظر ما یک انقلاب اسلامی است، چرا که روح اسلام و تعالیم اسلام در جهت رفع ظلم از همه‌ی اینها بشر، همه‌ی انسانها، مظلومن و مستضعفین است." آنها می‌گویند اگر اسلام اینست، پس درود بر اسلام - پایان

خط انقلاب - خط آمریکا

بقیه از صفحه ۱۱

روشنفکرانی که در طول سالهای حاکمیت رژیم، با داشتن تخصص و شغل و پول کافی که از قبل نفت بدست آوردند و شکستان را سیر کردند و بعد خلق بی‌خاست ناچار انقلابی را روشننگری و مبارزه جویی و چپ‌روی به سینه و چهره زدند، بیدار شوند! اگر می‌خواهند در میان خلق جایی داشته باشند، کافی نیست که فقط چپ‌روی و چپ‌نمایی کنند، باید در کنار خلق از همه جریانات ضدانقلابی و از فرار گرفتن عملی در خط آمریکا پروریز کنند در این صورت می‌تواند در کنار ملت جایی داشته باشند.



و آن بخشی از لیبرالیتهایی که حسین نیت دارند و روی حسن نیت ولی ضعف معرفتی و حصلتی در صف آمریکا و خط آمریکا حرکت کردند، تنها یک راه در پیش رو دارند و آن اینکه در میان خلق بیایند اظهار توبه کنند، انتقاد از خود کنند و حاضر بشوند که در خط انقلاب کار کنند. در اینصورت میتوانند جایی در میان مردم داشته باشند در غیر اینصورت خلق و همه نیروهای طبقه مردم است، آنها را در هر جای هستند، رسوا کنند، ماهوز شاهد وجود آنها در نهادهای حساس مملکتی هستیم. هنوز آنهاند که سخنگوی انقلابند! و خطابیم به نیروهای مارکسیستی که تجربیاتی که از کودتا ۲۸ مرداد داشتیم، عبرت بگیرند. آنچه که عملکرد سیاسی در چهارچوب بعضی وابستگیهای سیاسی موجب عدم شناخت درست حرکت اصیل نهضت ملی ایران شد و تضاد عمده با امپریالیسم، جایش را به تضادهای فرعی داد و در نتیجه وقت و نیروی عمده جامعه ما تلف گشت و ضربه آنرا همه متحمل شدیم و اشتباهات و ضعفهایی که در طول چند ماه و چند سال انقلاب بعضی داشتند، در تحلیل انقلاب و ماهیت امام و جریان انقلاب اسلامی، با امیدواری و تکیه بر تمایل به تصحیح اشتباهات که زمینه را برای وحدت تمامی خلق فراهم کنند. آنچنان که امام در وحدت کلمه عنوان میکردند، وحدت کلمه همه مردم علیه امپریالیسم، در خط انقلاب اسلامی وحدتی را که امام خواهان بود، وحدت همه نیروهای مردمی در مبارزه علیه آمریکا در خط انقلاب مکتبی اسلامی است و هست. و هر وحدتی به هر نحو دیگری نمیتواند وحدت واقعی و خلقی باشد. بلکه وحدتی است که خط آمریکا خواهانش بود. وحدتهایی که شکل گرفت، عملاً و بعضی‌ها خواهان تشکیل آن بودند با موضعگیری نیروهای که علیه خط انقلاب و خط امام حرکت میکردند نمی‌توانست یک وحدت و جبهه ضد امپریالیستی واقعی باشد. تنها جبهه ضد امپریالیستی که میتواند در محتوی و در واقعیت عینی علیه آمریکا بگاز رود جبهه‌ای است که همه توده‌های محروم جامعه ما و رهبران امام، و خط حرکت او را در خود جای دهد.

در عرض حال باید توجه کنیم که در رابطه با خلقهای مستضعف و صدور انقلاب و حمایت از جنبشهای آزادیبخش، لیبرالها خواهان غف کردن انقلاب در مرزهای جغرافیایی هستند. و خط انقلاب خواهان گسترش انقلاب و حفظ حیات آنست. چرا که میدانیم تنها یک راه برای رشد و تکامل و بقای یک پدیده باقیست و آن حرکت تکاملی و توسعه دائمی است. انقلاب همچون هر پدیده هستی اگر در پوسته خود مدفون شود، می‌میرد. بنابراین ما خواهان تداوم حرکت انقلاب هستیم. آمریکا از اینکه انقلاب شوروی در مرزهای خود مدفون شد و حصلت جهانیگریش را از دست داد، خوشحال است. و انقلاب چین نیز، و اینچون نهضت‌هایی که قدرت توسعه و صدور انقلاب را از دست داده‌اند، برای آمریکا خطری ندارند. امروز انقلاب ایران برای آمریکا خطر دارد. زیرا که قدرت نفوذ و توسعه دارد ما باید این را حفظ کنیم. از اینکه شنیدم آقای رئیس جمهور در بهشت‌زها تکیه بر ضرورت تداوم انقلاب به خارج از مرزها و حمایت از همه جنبشهای دیگر کردند، جای خوشحالی است. و امیدواریم که بر این قول همه وفادار بمانیم و بدانند این یک اصل بسیار اساسی در حفظ اصالت انقلاب ایران و یک معیار است. هر وقت دیدیم که انقلاب ایران خواست با خلقهای دیگر ارتباطی داشته باشد و وقت که من با آنها کاری ندارم، مثل اسادات بعد از ناصر، و گفتند ما باید به خود برسیم و مسایل خود را حل کنیم، مطمئن باشید از خط انقلاب و امام خارج شده است. امام میگوید انقلاب با انقلاب مستضعفان جهان است و بایستی جبهه جهانی مستضعفان تشکیل شود. اینست خط انقلاب و آنها هم که مخالف بوده‌اند و هستند در خط آمریکا قرار دارند.

اینها ویژگیهای خط امام و خط آمریکا بود. و ما را در برابر مسئولیت حساس و دشوارمان قرار میدهد. وظیفه همه نیروهای انقلابی است که در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی با تمام قوا بیکوشند که این ویژگیها را در میان خلق ببرند. تا توده‌ها از این دو جریان انقلاب و ضد انقلاب آگاه شوند. بدون این کار همه میدانید که بسیاری افراد انقلابی نما و خصیمی نما میتوانند فرصتهای مجلس را اشغال کنند. باید چهره منافقانه لیبرالیسم و ارتجاع و همه جریانات فرصت طلب افشا شود و این وظیفه همه ماست، تا بتوانیم مجلس شورای اسلام انقلاب اسلامی کنیم. سنگری که بتواند فریاد خلقها را بلند کند و مبارزه را تا محو کامل پایگاههای دشمن، سرمایه‌داری و هرنوع مناسبات استثمار و بازمانده‌های فئودالی، دنبال کند. مطمئناً در این مبارزه امکان مقاومت، حتی مقاومت مسلحانه از جانب امپریالیسم و سرمایه‌داری و فئودالیسم هست.



بنابراین تکیه بر ارتش توده‌ای، ارتش بیست میلیونی برای مقاومت و مقابله با این مقاومت‌های احتمالی ضرورت دارد. مسئولیتتان را در خط انقلاب احساس کنیم و وحدت خود را برپایه این اصول مشترک تحقق بخشیم. و قاطعانه اجازه مدهوش شدن خط انقلاب را ندهیم. چنانکه بسیاری خواهان مدهوش شدن آن هستند. لیستهای که انتشار میدادند آنچنان مدهوش است که برای مردم مشتبه میشود که کدام حق است و کدام ناحق؟ این تنها آگاهی خلق است که اجازه نخواهد داد که گرسبیهای مجلس به دست نیروهای سازشکار، مرتجع و لیبرال منافق و فرصت طلب بفتند. امیدواریم که خداوند به همه ما امکان دهد که سالگرد انقلاب را با تصمیم استوار به استمرار انقلاب آغاز کنیم و بجای اینکه جشنها را مجدداً "دولتی کنیم که متأسفانه کردند اجازه دهیم که جشنها را توده‌ها بگیرند و توده‌ها جشنهای بزرگتر را بعد از نابودی امپریالیسم در ایران و در همه جهان و ایجاد یک جامعه توحیدی و آزاد و خالی از هر استثمار و سلطه هر چه باشکوهتر برپا خواهند کرد.

از خواهران و برادران می‌خواهم به قسمتی که مهم است اشاره کنم: اخیراً "گارتسار اعلام کرده که ما فقط و فقط با امام مذاکره خواهیم کرد. آندروینگ هم چنین معنایی را تأیید کرد. این چه توطئه‌ای است؟ میدانید که آمریکا خیلی سعی کرد تا به کمک لیبرالها انقلاب را به‌سازش بکشاند. اما مقاومت خلق و امام و قاطعیت کامل او اجازه نداد و کار برادران را نیز در سفارت بسیار مفید بود و تا امروز هم تلاش لیبرالها برای این سازش به جایی نرسیده است و آمریکا متوجه شد که کمک لیبرالها نمیتواند نقشه‌هایش را ادامه دهد. چه کار می‌خواهد بکند؟ می‌گویند با امام. میدانید که قاطعیت امام عامل مهمی در سازش ناپذیری خلق است، می‌خواهد این قاطعیت را لوٹ کند امام را بی اعتبار نماید و می‌خواهد بنام امام سازش را تحصیل کند و در نتیجه ماهیت انقلابی انقلاب را از بین ببرد و به جهان بگوید که انقلاب ایران هم به سازش رسیده است. همه ما باید در برابر این توطئه هوشیار بوده و ایستادگی کنیم و این سازش را محکوم کنیم. مطمئن هستیم که امام همچنان که خلق می‌خواهد جزئیات سازشی نرفته و نخواهد رفت و این توطئه کارتر را نیز محکوم به شکست خواهد کرد. این لیبرالها و مرتجعین هستند که می‌خواهند با این طریق امام را بی اعتبار کرده و نفوذش را بگیرند. زیرا که احساس میکنند امام زیر پای آنان را به کمک توده‌ها کاملاً خالی کرده و میکنند. بنابراین هوشیار بوده و این آگاهی‌ها را به میان خلق ببرید و ما اعلام میکنیم که کارتر و امپریالیسم آمریکا در این نقشه‌شان هم شکست خواهد خورد. پیروز باشید.

بقیه از صفحه ۱۰
تقویم انقلاب در...
۱۷ رمضان ۹۸ - در پیام امام خمینی بمناسبت جنایت فجیع آبادان آمده است که: گفتار شاه که تظاهر کنندگان مخالف من وحشت بزرگ را وعده میدهند و تکرار آن پس از واقعه که این همان وعده بوده است. شاهد دیگری بر توطئه است... من به

پدر طالقانی، قامت بلند رهائی

بقیه از صفحه ۹



پدر طالقانی - دادگاه سال ۱۳۴۲

را جبهتی درست دهد، تا از انجام اعمالی غیر صحیح که باعث صدمه و آسیب به نهضت و انقلاب شود جلوگیری بعمل آید. از طرفی ضربات کاری تری بر پیکر بسویده نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی وارد آورد.

از این زمان طالقانی بزرگ این قصه آفرینش توانست علاوه بر هدایت مردم و شرکت در راهپیمائی‌ها و میتینگ‌ها، و قدرت بخشیدن به صفوف خلق و اتحاد و مبارزه آنها، و منزوی تر کردن خصم، با مصاحبه‌ها و اعلامیه‌های خود بعد مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری خلق را به جهانیان بخوبی شناساند و از این طریق سهم والا را در مطرح کردن اصول اساسی مکتب و خطوط اصلی انقلاب در تمام کشورها، بپوزه ملل اسلامی داشته است. بعد از پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن و حاکمیت لیبرالها، دولت موقت و همچنین ترکیب شورای انقلاب که از لیبرالهای روحانی و غیر روحانی سازشکار تشکیل شده بود، طبیعی بود که عملکرد سریع آنها بعد از پیروزی چه خواهد بود. آزاد کردن و فراری دادن جنایتکاران و خائنین، حمایت از سرمایه‌داران وابسته و بورژوازی کبیرادور، اخلاص و اعمال نفوذ در ارگانهای انقلابی و خلقی که توسط عناصر و توده‌های مومنی و انقلابی اداره می‌شد (دادگاههای انقلاب) مجازات نرساندن سواکبها و ارتشیان دستگیر شده و یا فراری که در سرکوب و کشتار خلق و ریختن خونهایشان شرکت داشتند و... پدر را سخت در رنج و فشار فرار میداد. چه او بخوبی با شناختی که طی سالها اختناق سیه محمد رضا شاهی از آنها و بینش و خصلت‌های فردی‌شان بدست آورده بود، آگاه بود که شیوه عمل آنها جز این نخواهد بود. وی خود را در برابر رژیم چون رژیم آریامهری مواجه نمی‌دید، تا همچون گذشته بر آنها بپوش برد و به سبزی برخیزد، چرا نگاه در جبهه داخل قرار گرفته که دشمنان از هر سو به توطئه نشسته‌اند و دسیسه‌هایی تازه می‌اندیشند، تا به این انقلاب تازه توله بافته را با در نطفه خفه نمایند. و یا به انحرافشان کشانند. از این زمان است که آزاد مردی که چهل سال از زندگی و عمر خویش را در میدانهای مبارزه گذرانده، و در هر حال و هر مکان، سنگر مقاومت و تهاجم، افشا و ارشاد بود. او را می‌دیدیم که همچون غلی، خاری در چشم و استخوانی در گلو برای وحدت و اعتدالی انقلاب خود را علیه رژیم میل باطنی‌اش و طبیعت وجودیش مجبور به سکوت و دم فرو بردن می‌بیند. چه اکنون جبهه انقلاب بیش از هر زمان دیگر احتیاج به وحدت و تفاهم تمام نیروها و تمامی مردم دارد. از این رو با آنکه می‌کند و چگونه انقلاب را از این دوران می‌کند ولی جزاشاره‌ای به کنایه و آشکارا دیگری را صلاح نمی‌دید زیرا امید آن داشت که با انسجام و قوام گرفتن انقلاب و از بین رفتن خطرات خارجی و داخلی آن بعدها بتوان کاری انجام داد. چه هنوز نه تنها پایگاه‌های امپریالیسم بخصوص آمریکا در ایران از بین نرفته بود بلکه خطر دخالت‌های آنها نیز همچنان به قوت خود باقی بود. چه سخت و جان‌فرسا است، سکوت در برابر انحراف و انحصار و سازش و زد و بندهای گروهی و سیاسی، اما بخاطر مکتب، وحدت و حفظ دست‌آوردهای انقلاب، فریاد خشم کین فرو بردن.

در آن برهه‌ی حساس و تاریخی که طوفان از هر سو آغازیدن گرفته و کشتی انقلاب را دست خوش تلاطم و بی‌ثباتی گشته، و هر گوشه‌ای دچار آشوب، آتش و خون بدست ضد انقلاب و امپریالیسم، صهیونیسم، فرصت‌طلبان شده بود. فقط بود که آرام-کننده و ایجاد کننده تفاهم و وحدت بود. چنان با عشق و با جان و روح خود دل می-سوزانید که گوئی هاجراست که برای نجات اسماعیل خود در صحراهای سوزان و بی آب عربستان در پی یافتن آب است. برای نجات فرزند.

گهگاه با انتقاد و برخاص به این دسته یا آن و با به دولت و شورا سعی می‌کرد آنها را در خط اصلی و واقعی انقلاب و در جهت خواست‌های رهبری و توده‌ها قرار دهد. تنها او بود که عامل وحدت گروه‌های درگیر در گوشه و کنار کشور بود. وی که پیام‌های گرم و صمیمی و صداقت بود همه را از هر مکتب و مسلک یا از هر نژاد و زبان به یگانگی و ترک خصومت و دعوت به اعتدالی گدیده استعمار غریب و جرم‌نومه‌های فساد و انحراف را از میان برده و دسیسه‌های ضد انقلاب و حامیان امپریالیست را خنثی کرد. در آن برهه‌های حساس و تعیین کننده، پدر بمثابه نقطه‌نگاری تمام نیروهای مترقی و پیوند تمام اقشار و محور آشتی و هماهنگ کننده تمامی نیروها در یک مسیر، و آنهم مسیر ضد امپریالیستی به رهبری امام امت بود.

ابودر زمان و یار و برادر امام، شوراهای

بقیه از صفحه ۱۱

که همیشه سنگر مخالفت با نظام حاکم و حامیان امپریالیستش را بر جوب و خروش و گرمی بخش بوده، میدانی برای مجاهدان و مبارزان راه خدا و مردم. چنانکه حتی بعد از کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد و علیه‌رغم فشار، دستگیری، کشتار و زندان هیچگاه صحنه از مبارزان هابیلی بر علیه جباران قابیلی و یاران خدا و حامیان خلق خالی نشد. و تشیع سرخ و سرخ جامگان حسینی، ریختن راه همچنان تا پیروزی خلق بردست نماندگان استعمار ادامه دادند.

در زندان نیز پدر همواره اسطور، صبر، مقاومت و تکیه‌گاهی برای مجاهدان و انقلابیون در برابر حمله و تیرنگهای دشمن بود. کلام و نظراتش هم بزرگی همگان بوده، حاجتی برای وحدت و یگانگی تمامی مردان و زنان در بند دشمن اسیر.

قامت استوار پدر همچون خیلی برای وحدت و برهیز از افتادن در جنگهای مسلکی و گروهی در برابر دشمنی که با تمام امکانات خود می‌کوشید تا آزادگان اسیر را با روشهای

همیشه در صحنه‌ها قرآن پدر که خود ساخته و برداخته می‌بود، قرآن و جهاد، و سلطه‌ای از سزاه آن مکتب، علیه‌رغم تنگ‌نظری‌ها و حملات تشویر مذهبی و مرتجعین و سازشکاران، توانست با تکیه بر استواری عقیده و گستاخی‌اش در مقابل اتهامات و بیعت‌های آنان ایستاده، قرآن را وارد مین زندگی، سیاست، مبارزه و اقتصاد کرده، بعهوان راهبر و هادی‌ای در مسائل فرد و اجتماع، و خارج شدن از بن‌بست‌های اجتماعی و سیاسی از آیات قرآن الهام گرفته با تفسیر آنها را گنگی توده‌ها کرد. پدر همیشه قرآن را مجموعه‌ای کاملی برای صبر و شدن انسانها و ارتقاء آنان به سوی اللسو خدا بگونگی آنان در زمین می‌دانست. ابودر زمان، با مطرح نمودن قرآن به عنوان راه علاج و نجات انسانها از بندهای مرئی و نامرئی نظامهای محمد و ایستایی که ساختنی دست استعمار، استثمار و استبداد است حرکتی نو و ژرف در اجتماع و خصوص در میان جوانها بوجود آورد. او با تفسیر قرآن در مسجد هدایت، توانسته بود کانونی از علم، آگاهی، مبارزه، حرکت، جوشش، ایمان، اعتراض، عصیان، مقاومت و... و بالاخره آنچنان آموزشگاه مکتب جهاد و شهادتی ایجاد کند، که شهیدانی بزرگ همچون، رضائی‌ها، حنیف‌نژادها، بدیع-زادگانها و سعید محسن‌ها را پرورش داده، آغازی برای وجود آمدن سازمانهای مجاهدین کردید. پدر بعد از تاسیس آن همسراه رهنمودهای ایدئولوژیک و سیاسی و کمک‌های دیگر سازمان را یاری می‌کرد. و با آموختن کلام خدا به آنان، جانها و فکرهائی را پروراند که اسطوره و شعر مقاومت، حماسه، ایمان، قدرت و عشق به الله و مردم شدند. روش پدر این شمشر ابودر در کام در برخورد با مسائل سیاسی و اجتماعی روز و مقاومت و مبارزاتش با رژیم پهلوی چنان بود

بقیه از صفحه ۹

شریعتی، معلم شهید انقلاب

وجدان بیدار و آگاه وهوشیار خلق، او را "معلم انقلاب" خواند. این نام گذاری حاصل اندیشه و تصمیم یک فرد، یک گروه، یک حزب و سازمان دسته بندیهای آشکار و پنهان و... نبود. آنچنانکه حاصل ابلاغ سخننامه‌های از سوی وارثین دست‌آوردی‌های خون شهدا از طریق رسانه‌های عمومی "نیز" نبود.

این نامگذاری در متن مبارزات خونبار توده‌ها در خیابان مسجد، کشتار، کارخانه، دانشگاه، کوی و بزمین، در نبرد بی‌امان و خستگی ناپذیر علیه یکی از وحشی‌ترین نظام‌های حاکم قرن معاصر انجام گرفت.

شریعتی آن‌سانه‌ها، مفرهنگهای مختلف و تاریخ جنبشهای انقلابی و رهایی‌بخش ملهم از قرآن و مکتب اهل بیت - به مفهوم پویسندگاری راه محمدی - از سالها قبل از شهادت با درک ضرورت تسلیم سازندگان آینده اسلام و ایران به مکتب، بعنوان راهنمای عمل برای ایجاد سانی ذهنی نبود و سبب بازماند حاکم و همچنین درهم کوبیدن آن و بنای مجمع حسینی بر قسط و عدالت اسلامی، به کوشش خستگی ناپذیر و پرباز برداخت.

شریعتی سالیها پس از آغاز این کوشش در پاسخ این سؤال که: "موقع و موضع تاریخی این اسلام نواد چیست؟" چنین پاسخ داد: "موقع تاریخی دین اسلام عبارت از مرحله تکوین اندوختگ است (۱)

شریعتی این سخن علامه اقبال را: "وظیفه‌ای که مسلمان این زمان در پیش دارد بسیار سنگین است. ماند، بی آنکه کاملاً رسته از انبساط خود را با گذشته قطع کند. از نو در دستگاه مسلمانی بنشیند. که درگفتارهای تحت عنوان "آزادی و خوداندازی من بستی" بیان کرده بود، به سبب نیکی دریافت و درصدد شد تا بخواست علامه اقبال لاهوری دایر بر "تحقیق درباره اسلام" (۲) و "فرا بردادن جهان اسلام از لحاظ عقلی بر پایه محکمتری (۳) جامه عمل بیوشد.

شریعتی به درستی دریافته بود که لازمه ساختن امت، داشتن برنامه عملی میباید. برنامه عملی که تمامی ابعاد، احوال، ویر (صاحبان اراده) بدان مسلح بودند. برنامه عمل بدین که: "بنیان و فرقان" و میراث و... است.

سبب شکست و عدم موفقیت‌های مکرر جنبشهای اسلامی از اواسط سده ۴۱۸ قبل از انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در هندوستان، ایران، ترکستان چین، جمهوری ریف در مراکش، اندونزی، مصر و... مگر جز ندانستن "برنامه عمل" بوده است. جنبشهایی که دربرگیرنده "توده‌های بسیار وسیع خلق بوده و دستان صداقت و ازجان گذشتن و ایثار انقلابی شرکت‌کنندگان درخشانترین صفحات تاریخ انسانیت بشیرو و مرفی و مبارز را تشکیل میدهند.

رسالت مکتب بعنوان "راهنمای عمل" در دیدگاه شریعتی چه میباید؟ بی شک، مسلح ساختن انسان مسلمان به برای این جهان نه تنها یک خالق و یک رزاق و یک مدبر، بلکه همچنین یک "رب یک مالک، یک حاکم... میباید و هرگونه شرکت اجتماعی و بربری طلبی گروهی و نژادی و طبقاتی را آنچنانکه شرک فلسفی مردود میبشمارد، در صدر این رسالت قرار داد.

نوشته‌ها، کنفرانسها و کوششهای شریعتی درجهت روشن ساختن جهان بینی توحیدی و موفقیتش در طرح این مسئله بشکل نوینی که ادامه کوشش علامه اقبال محمد لاهوری و بدر طالقانی میباید برکسی پوشیده نیست.

همچنین کوشش شریعتی در تبیین ایدئولوژی، معرفی انسان الگو و اسوه و نمونه و جامعه ایده آل مکتب، شناسایی دستان و دشمنان مکتب، جهت حرکت تاریخ و تفسیری از روند آن، وسائل و ابزار ساختن انسان و جامعه طراز مکتب، جایگاه انسان و طریق "شدن" فرد و امت و جایگاه زن و خانواده اسلامی در مکتب و نقش مستضعفین در ساختن تاریخ، مواضع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مکتب و... نقطه عطفی است در تاریخ کوششهای رهبران فکری جهان اسلام، بدلیل درگیری ابعاد مختلف اندیشه، انجام دورنی نظام فکری و پیوند اندیشه و عمل و زمینه وسیع اطلاعاتی و تجربه وسیع اجتماعی و... او.

با تبلیغ جهان بینی توحیدی بعنوان راهنمای نظر و عمل، شریعتی خلق را به روبرواری با استعمار، استبداد و استعمارفرا خواند و حربه اش در این نبرد "کتاب" (قرآن) بود که در راه به میان توده‌ها بردن رنج و فشارهای عظیمی را متصل شد، چون به گفته پدر طالقانی، تفسیر قرآن در آن دوران "نوعی کفر" (۵) بود از طرف متولیان دین، و همچنین طرح نهج البلاغه و صحیفه و سایر متون اصل اسلامی.



بانبلغ جهان بینی توحیدی بعنوان راهنمای نظر و عمل، شریعتی خلق را به روبرواری با استعمار، استبداد و استعمارفراخواند

ندیده گرفته شده بود و با ورود استعمار، این دیو پلید میکشید تا از آن بماند عروسکی در خدمت خود استفاده نماید، در مکتب شریعتی و به بین کوشش بیکریش، با دیدگر بازیافتند و بماند نیم دیگر اجتماع فعالانه وارد صحنه نبرد سرنوشته شدند و الگوی آنان: قاطعه، زینب، سیمه، با تعالیم شریعتی، تشیع صفوی خادم، استبداد، استعمار، استعمار، واستعمار، رنگ باخت و شعله های تمسین محمدی و تشیع علوی فروزان گشت و به گفته پدر طالقانی "اسلام راستین راز زبر گرد و غبار قرون بیرون آورد و از جدیدی برای ساختن اسلام عزیز و بازگشت به قرآن و کتب اهلبیت فرا راه جویندگان گذاشت... (۸)

شریعتی به خلقان آموخت که "شهادت" موهبتی است که تنها نصیب انسانها و

اسیرانقلاب در پیام‌های امام

بنامه از صفحه ۶

و فتری و لیبرال‌ها به جنب و جوش افتاده و در صدد بدست گرفتن رهبری جویانانی که در یا زود در شرف تکوین بود برمیآمدند و با تمسک جستن بر دبار و حرکت در چهارچوب تنگ و بیهوده قانون اساسی و با انتقاد از دولت هویدا، انتظار معجزه از شاه جنایتکار را داشتند، درست برخلاف نص صریح قرآن که میفرماید: "بریدون ان یتحاکمون الی اطاعت و قد امروا ان یکفروا به" (نساء، ۶)

میخواهند داوری بمنزده طاغوت برند و حال آنکه بگزر و ورزیدن بدان امر شده بودند. اینان نیز آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی و... را در فضای باز سیاسی اهدائی امپریالیسم و نوکر سرسپرده‌اش شاه جنایتکار جستجو میکردند. در چنین وضعیتی مبارزات قهر آمیز توده‌های لازم بود تا ماهیت جریان انحرافی کارتریسیم و بیهودگی نمه‌های نامیون قانون اساسی را عیان سازد. و نیروهای بسیج شده خلقی را از گردنبدین جریانات و محافل لیبرالیستی در امان نگهدارد.

موضع قاطع امام

برای شناختن نسبی از موضع گیری قاطعانه و بوقع امام باید به عقب برگردیم و به ریشه‌های تاریخی حرکت امام را از سالهای ۳۹ - ۴۲ مورد تجزیه تحلیل نسبی و گذرا قرار بدهیم. این سال‌ها از بسیاری جهات شرایط سال ۵۶ را در بر داشت. با حرکت خائنه‌ها شاهر جهت آماده کردن زمینه‌های اجتماعی برای پیاده کردن طرح‌های امپریالیستی (اصول شگانه‌ای - شاه) و نیروهای سیاسی و عناصر مبارز با تکیه بر فضای باز سیاسی در جهت ایجاد یک دموکراسی نیم بند به جنب و جوش افتادند و غافل از عمق و ماهیت آزادی‌های اهدائی گندی دست بیک مبارزات حول محور راه یافتن بمجلس و اشغال کرسی و حرکت در جهت تعدیل دیکتاتوری شاه زده و شمشیر انحرافی "شاه باید سلطنت کند نه حکومت" را سرداندند که امام خمینی با موضع گیری

ملتهائی میشود که زیر بار گران مرگ سیاه و ننگین نمیرود، او آموخت که چگونه محمد وار میتوان در مقابل دو قدرت روم و ایران قدرافراشت و بنام نوینی مبتنی بر آزادی، سوبالیسم و عرفان سرداد و بشریت را بسوی کمال رهنمون شد.

شریعتی به خلق آموخت که "امت" اسلامی بهترین شیوه رهبری است و ماهیت پلید دموکراسی بر تزویر سرمایه داری غرب وکی آن در شرق را که بازویند و حشر ساز و حزب بازی و در دست گرفتن وسائل ارتباط عمومی و بیت المال ملت، بگفته آن برادر، گروهی متضاد العقیده را تنها برای بدست آوردن رای گاندید میکند و برای افراد ناساسی بیش از یک میلیون رای تهیه میکند، در صورتیکه نویسندگانی که از افتخارات فرهنگ ملی میباشند سک سوم او بیشتر رای نیاورد! در کتاب "کرافتر" امت و امامت "محکوم میکند.

و خلق مسلح به درسهای شریعتی تحت رهبری امام خمینی وارد نبرد با دشمن اهرمن صفت گردیدند. امید رسیدن به "جامه بی طبقه و جودی" که بشارترش را داده بود، به امید تاسیس مدینه‌ای به گونه "مدینه" محدوده توصیفی کرده بود، به امید امامانی علی گونه، مدافع راستین رنجبران و دشمن سرسخت مستکبران، به امید حاکمیت ضوابط و نه روابط، به امید عروج مستضعفین و فرود مستکبرین، به امید جاری شدن حدود الهی بر مستکبرین و... او در نتیجه راه شهید شد، شاهد شد و ادامه راه توسط خلق راهی نظاره نشست، خلق رزمید، زندانی داد، تعدی داد، شهید داد، زنده زنده و آتش سوخت و مبارزه را ادامه داد و بسا مبارزانش پدر طالقانی را از سیه‌های آزادی درخیمان آزاد ساخت، پدر که عظمت انقلاب خلق را دید در اولین پیامش خاطره معلم انقلاب را چنین گرامی داشت... در همین جا لازمست از فرزندی مهاجر و شهید دکتر علی شریعتی یاد کنیم که در شگوفائی هر چه بیشتر مکتب اسلام و گسترش آن در میان جوانان سهم بسزائی دارد" (۹)

و مخبرین خارجی ناظر انقلاب در ایران نقش اساسی او را به جهان مخابره کردند. مخبر روز نامه معروف فرانسوی زبان لوموند در تهران در گزارشی که در تاریخ ۵ اکتبر ۱۹۷۸ در آن روزنامه چاپ شد از نقش مهم و اساسی شریعتی در انقلاب یاد میکند که کوشش در طریق روشن شدن مفاهیم اسلامی، زمینه را جهت موضع گیری مسلمین در امر سیاست آماده ساخته بود،

- (۱) - ص ۲۷ "خودسازی انقلابی" مجموعه آثار (۲) معلم انقلاب شریعتی ...
- (۲) و (۳) - ص ۱۱۳ "احیای فکری دینی در اسلام" نوشته علامه محمد اقبال لاهوری ترجمه آقای احمد آرام
- (۴) - ص ۵۴ "آزادگی تا شهادت"
- (۵) و (۶) - ص ۳۲ "شماره ۲۸ حمله بر روش"
- (۸) - ص ۱۹۷ "آزادگی تا شهادت"
- (۹) - ص ۳ "آزادگی تا شهادت"
- (۱۰) - "امت" شماره (۷) شعر از "ع-ر"

بینیم امام با حرکت دقیق و انقلابی خود، جلو جریان انحرافی را که میرفت با سبک - خود گویی خود علین انقلابی توده‌ها را دریغ و خم های فرمیسیم و اصلاح طلبی بهتر داده و زمینه‌های تثبیت حکومت ظالمانه شاه را استحکامی دوباره بخشد گرفته و موضع تاریخی و قاطع خود را چنین اعلام دارد. "من تا چارم اعلام خطر بزرگی بکنم و ملت را از اغفال و خدعه اجانب و عمال آنها نجات دهم. این مسامحه اخیر دولت که نویسندگان را مجال نوشتن و گویندگان را مجال گفتن داد، حیله بزرگی است بر تظلم شاه و وانمود کردن آزادی دعائی، و جنایات را بگردن دولت که آلتی بیش نیست انداختن... میخواهند با آزادی محدود در چهار چوب وقت توجه دادن جنایات دولت ها، قلوب ساده را آرامش دهند و اذهان صاف را منحرف کنند و هسته مرکزی خیانت ها و جنایت ها را فراموش کنند... چون به حسب اقتضای وقت و بحرانهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در تنگنا قرار گرفته، در صدد است که با آزادیهای محدود بی معنی خود را از مرگه خارج و مقام خود را مستحکم کند و محیثرا مبیها برای اجازه بقا و حکومت خود کند.

تذکر میدهم که اشخاص ارزنده و متعددی که ابتکار عمل در دست آنهاست از معرفتی خود شدیداً احتراز "نمایند دواز تجریبات سابق بندگان و در پناه اسلام و چهارچوب موازین اسلامی به فعالیت بپردازند" (از اعلامیه امام در ۲۹ ذی القعدة ۹۷) و دقیقاً "در همین رابطه است که با فهم عمیق از شرایط سیاسی موجود و درک ضرورت ها، هشدار میدهد"

"... اکنون که فرصت موقت بدست آمده است، باید با هشیاری و دور اندیشی و وحدت کلمه، گروه‌های ضد در صدد پایبند اسلام و علاقمند بملسین، از آن استفاده کنند و نگذارند فرصت جویانی که یک قدم و یک قلم، برای اسلام و ملت شریف ایران برداشته اند اکنون از این فرصت استفاده کنند و خود را بصورت وطن خواهی و آزادی خواهی در بین مردم رنج دیده برای رسیدن بوزارت و وکالت داخل کنند. یا با نوشتن چند مقاله که در آن نه اسبی از اسلام و نه اسبی از هسته مرکزی فساد است، جای آرزو که طبقات مختلفه مردم مسلمان، زیر چکمه عمال اجانب خورد میشد، آن روزی که قتل عام ۱۵ خرداد و غارت مدارس دینی بدست عمال اجانب رخ داد، آن

انعکاس انقلاب اسلامی ایران در جهان

انقلابی بررسی شود و محاکمه آنها بعنوان جاسوس بلشوی که تمام جهان از آن مطلع کردند، انجام گیرد. انتظار دیگر اینست جنبش ها اینست که انقلاب ایران در این هم جنبشها، سازمانها و احزاب انقلابی - اسلامی قرار گیرد و مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا تا محو کامل آن ادامه یابد.

می بینیم که انتظارات خلقهای مستضعف جهان از انقلاب ایران چگونه است، حال باید دید تا چه حد مقامات مسئول ایران باین موضوع توجه کرده و این انتظارات را

خلقهای تحت ستم جهان بویژه خلقهای مسلمان همه چشم به کلبه گلین امام دوخته اند، کلبه ای که خشم خلقهای تحت ستم جهان در آن متبلور شده است



کابوچی: اسف کابوچی در اولین سفر خود به ایران در مصاحبه ای گفت: من به اینجا آمدم تا ثابت کنم که مسأله فلسطین مسأله های انسانی است که باید با کمال عدالت حل گردد. مسأله فلسطین بیش از عربی بودن و سیاسی بودن انسانی است. مواضعی که ملت ایران در قبال این مسأله اتخاذ کرده بزرگترین دلیل بر حقانیت این مسأله است ولی اضافه کرد که امپریالیسم صهیونیسم میگویند انقلاب ایران را درگرونی جلوه دهند. و از این کار دو هدف دارند یکی مبارزه با انقلاب ایران دیگری بوحشت انداختن اقلیت های مسیحی که در کشورهای اسلامی زندگی میکنند می باشد. (نقل از اطلاعات ۱۴ فروردین ۵۸)

پاسخ گفته اند. پیامهای تیرگی که بنام است انقلاب اسلامی ایران، آزادی سراسر جهان - های آزادیبخش و بعضی رهبران سیاسی جهان چون یاس عرفات، جرج حبش، بن بلا، قذافی و... برای امام فرستاده شد نشانگر موج عظیمی است که انقلاب ایران در منطقه و جهان ایجاد کرده است. پاسخ گوئی بانظاراتی که این موج برانگیخته کاری بس عظیم است که پیروان واقعی خط امام باید با قاطعیت آنرا بانجام رسانند. مایه امیدواری است که دانشجویان پیروخط امام این مفهوم را تاکنون نپذیرفته اند و همه انقلابیون راستین از آنها انتظار دارند که این راه را تا به آخر ادامه دهند. این جملات پیام دانشجویان به جلسه کشیش گردهمایی جنبش های آزادیبخش جهان، بیانگر خواست واقعی مردم ایران و اعتراض آنها به کسانی چون آقای یزدی است که انقلاب ایران را صادر گردنی نمیدانند: "انقلاب اسلامی و انقلاب مکتبی تنها عامل مشترک همه خلقهای جهان و کشورهای مسلمان نشنی است که میتوان در سایه این اتحاد مکتبی در مقابل همزورگیان و امپریالیست ها ایستادگی نمود.

اکنون تمام انقلابیون مسلمان جهان در آفریقای جنوبی، درآریتره و صحرای در عربستان، در فلسطین، در فیلیپین و حتی در آمریکا (مسلمانان سیاهپوست) و نیز دیگر انقلابیون جهان از زیمبابوه تا السالوادور، چشم بانقلاب ایران و امام دوخته اند و انتظار دارند که این انقلاب از مرزهای خود پا فراتر نهد و دیگر خلقهای زیر سلطه را بویژه در سرزمینهای اسلامی بحركت درآورد. امپریالیست ها در حال حاضر، خود را با دشمن جدیدی مواجه می بینند که نیروی بالنده منافق آنها را در مناطق زیر سلطه

انقلاب ایران با انعکاس عظیمی که در جهان بویژه در مناطق مستضعف داشته، امیدهای فراوانی در دل خلقهای تحت ستم جهان برانگیخته است. تاکنون، خلقهای جهان، منتظر عملکرد ما در رابطه با مبارزه علیه امپریالیسم بوده اند. آنان چشم به این سودا دارند که ببینند ما در قبال مبارزات آنها چه موضعی می گیریم تا چه حد حاضرم گمگ خود را با آنها برسانیم. مواضع نوسانی و حتی غیرانقلابی دولت موقت در این رابطه، خلقهای جهان را در مورد قاطعیت ایران برای کمک به مبارزان ضد امپریالیست دیگر کشورها، به شک انداخته بود، بویژه اینکه افرادی از مقامات دولتی، سد راه گشایش دفاتر جنبش های آزادیبخش اسلامی در ایران می شدند. وضعیت فوق آدام داشت تا اینکه با اقدام انقلابی دانشجویان پیرو خط امام، مستقر در جاسوسخانه آمریکا، نمایندگان بیش از ۱۶ سازمان و جنبه رهایی بخش از سراسر جهان، راهی ایران شدند تا پیش - درآمدی بردیوان کبیر اتحاد مبارزاتی خلقهای تحت ستم جهان بیفزایند و بار دیگر این واقعیت مورد تاکید قرار گرفت که امپریالیسم جهانی بسرگردگی آمریکا، رویه زوربروال است. حتی خود آمریکا هم پیمانان او دریافتند که گوره خشم انسانها، سقوط آنها را اجتناب ناپذیر خواهد کرد. بعبارت دیگر، دوران بحران عمومی سرمایه داری آغاز شده و می رود تا این نظام ضد خلقی برای همیشه به زباله دان تاریخ سپرده شود.

امپریالیسم جهانی و صهیونیسم، قاره های مختلف جهان را سلباست که مورد تاخت و تاز خود قرار داده و منابع طبیعی و انسانی آنها را استثمار کرده اند. برای نمونه قاره سیاه بعلت وجود منابع عظیم طبیعی و ثروت های زیرزمینی فراوان مثل اورانیوم، طلا، الماس، نفت، آهن، ذغال سنگ و سواحل مهم میرواردی، صدف از یکی دو قرن پیش مورد تجاوز و هجوم امپریالیسم واقع شده و دهها سال مورد استثمار و بهره گشتی ظالمانه استثمار مسیحی غربی قرار گرفته است. البته بعد

از جنگ جهانی بود که ملت های قاره سیاه بیدار شده و به استقلال رسیدند ولی با این حال استثمار جدید با شیوه تازه ای به جنگ این ملت ها آمد و به استثمار مردم سرزمینهای نظیر کنگو، رودزیا، موزامبیک، نیجریه و بیافرا پرداخت. اکنون در آفریقا نهضت های آزادیبخش از جمله جنبه رهایی پولیساریو، جنبه آزادیبخش آریتره، جنبه میهن پرستان رودزیا و... بر علیه امپریالیسم می جنگند. این نهضت ها بویژه پولیساریو و آریتره چشم به انقلاب ایران دوخته و احساس می کنند که پشتیبانی جدید و پر قدرت در صحنه جهانی بدست آورده اند. برای نمونه صحرای که بمدت ۲۵ سال زیر سلطه استثمار اسپانیا بوده، اکنون مورد هجوم مراکش - این دست نشانده امپریالیسم در شمال آفریقا - قرار گرفته است. جنبه آزادیبخش پولیساریو که با پشتیبانی الجزایر بر علیه مراکش می جنگد با انقلاب ایران جانی تازه گرفته و با سرعت بیشتر به حرکت خود ادامه میدهد. این جنبه اکنون تمام امید خود را به کمک های مادی و معنوی ما دوخته است.

در نقاط دیگر جهان، وضع نهضت های اسلامی و مردمی به همین ترتیب است. در فیلیپین جنبه آزادیبخش مسلمانان جنوب این کشور (مورو) که در سال ۱۹۷۲ - بطور رسمی تشکیل شد، از همان سال با شدت تمام رویارویی نیروهای نظامی فرتیاند مارکوس مبارزه میکند. نماینده این جنبه که یکبار چند ماه پیش با مسافرت با ایران نتوانست حمایت قاطع مادی و معنوی هیئت حاکمه آمریکا جلب کند و نتوانست موفق به تأسیس دفتر نمایندگی در ایران شود، بار دیگر بهنگام تشکیل کنفرانس نهضت های آزادیبخش جهان توسط دانشجویان پیرو خط امام فرصت یافت که فریاد خود را از طریق کنفرانس نهضت های آزادیبخش جهان به گوش انقلابیون راستین ایران برساند. سخنان نماینده این جنبه و دیگر جنبه های آزادیبخش همه بیانگر واقعیتهای بودند که در بیرون از مرزهای ایران وجود دارد. این واقعیت اینست که خلقهای تحت ستم جهان بویژه خلقهای مسلمان، همه چشم به کلبه گلین امام دوخته اند، کلبه ای که خشم خلقهای تحت ستم جهان در آن متبلور شده است. این واقعیت در سخنان یک یک نمایندگان نهضت های آزادیبخش جهان، از جنبش سرخپوستان آمریکا و جنبه آزادیبخش مردم جزیره قنای گرفته تا جنبه آزادیبخش خلق عمان، مشهود است. همه آنها خواهانند که انقلاب ایران در درون مرزهای خود محدود نشده، بلکه این انقلاب به تشکیل جنبه واحد مستضعفین و اقشاونابودی امپریالیسم آمریکا منتهی شود. آنها همگی خواهان بودند که مسئله گروگانها بصورت



احمد بن بلا

"انقلاب اسلامی ایران را با هیچ یک از انقلاب های جهان نمیتوان سبدها است. انقلاب های بسیاری طی ۲۵ سال اخیر در جهان روی داده است لکن اکثرا به تعبیر رژیم بسنده شده بدون آنکه اعماق فکری انسان رادگرگون سازد. این انقلابات انسان و انسانیت انسانی را تغییر شکل اساسی نداده است، بلکه شکل مصرف رادر جامعه دگرگون کرده است. انقلاب اسلامی ایران روحیه انسان را ازین واژگون میسازد و تمدن واقعی بشر را که سال ها فلاسفه و جامعه شناسانی که در صدد باز یافتن آن هستند، با انسان امروز عرصه میکنند. امروز در جهان غرب نهضتی در حال رشد است که علیه تبدیل انسان به ماشین بنا خاسته است. انقلاب اسلامی ایران حیثیت انسانی را با و باز میگردد.

(نقل از اطلاعات هفتم بهمن ۱۳۵۸ ص ۸) احمد بن بلا در زمینه اثرات انقلاب اسلامی ایران در جهان نظرات ویژه ای دارد و معتقد است:

"ملل عرب باید زنده شدن اسلام را در قرن بیستم مدیون انقلاب اسلامی ایران بدانند. این انقلابی است که دنیای عرب را احیاء کرد و دگرگون خواهد ساخت و بسیاری از رژیم های موجود در جهان عرب در باره زود سقوط خواهند کرد، زیرا امروز آوای نهضت خمینی در دور افنده ترین نقاط جهان اسلام بگوش میرسد دردور افتادترین قبایل صحاری آفریقا سخن از روح تازه ایست که انقلاب ایران در قرن بیستم به اسلام داده است."



عرفات

یاس عرفات در اولین روزهای پیروزی انقلاب هنگام بازدید از ایران خطاب به مردم گفت:

شمار مبارزانی عظیم علیه امپریالیسم، صهیونیسم و عامل ایلش شاه پیروز شده اند شما به رهبری زعیب عالیقدر امام خمینی کاری غیر ممکن کرده اید و عاملان مسز دور آمریکا و اسرائیل را بوحشت انداختید. شما فاتحانه مردم شرق را شادمان ساختید ولی پیروزی فقط از آن شما نیست مانیز در کنار شما احساس پیروزی می کنیم.

(نقل از اطلاعات ۲۹ بهمن ۵۷ ص ۲) عرفات در مصاحبه مطبوعاتی در وزارت خارجه ایران اظهار داشت: من در مقابل خود تصویر یک انقلابی را می بینم که در ۲۸ مرداد ۳۲ کشته شد و آنچه در آنروز اتفاق افتاده نه تنها توفشای علیه ملت ایران بلکه علیه کلبه ملل شرق بوده و با کشتن دگر فاطمی انقلاب را در این منطقه کشند و اگر او کشته نمیشد حق در فلسطین کشته نمیشد و کرامت و شرافت در فلسطین پامال نمیشد بنابراین امپریالیست ها و صهیونیست ها واستعمارگران درک استراتژیک پیروزی شما را نه تنها در این منطقه بلکه تا نثار آنرا در سیاست بین المللی هم میکنند.

(نقل از اطلاعات اول اسفند ۵۷ صفحه ۷)

سیر انقلاب در پیامهای امام

طرفداران قانون اساسی زد.

بقیه از صفحه ۲۳

اوج گیری مبارزه و نبرنگ رژیم

اوج گیری قهر انقلابی بوده ها و نبرنگ رژیم رژیم جنایتکار که عملاً بوجی عملکردهای وحشیانه و کشتارهای بی امان را در مقابل اراده نزلزل ناپذیر نموده ها و پشت های گره کرده آنان بچشم می بیند. وفادار نمیشود، با اعمال زور و فشار پلیسی جلو حرکت انقلابی نموده های بخروش آمده را بگریز، با روی کار آوردن شریف امامی مهره خوش خط و خال و چهره عوامفریبان خود در صدد برسیاند تا با آرازه رساندن بیرون قانون اساسی و به انزوا و یاسه همکاری کشاند آنان اثرات منفی در جنبش نموده ها بجای گذارد.

شرف امامی با تمویض تاریخ شاهنشاهی و بستن کارخانه ها و مدارسها و با وعده آزادی و آزادی و طرح حیل و جدید رژیم در قالب "آشتی ملی" خود را برای ماشاات با نیروی ملی آرازه میسازد. رژیم که امید فراوانی به دلالتی شریف امامی دوخته بود با پیام تاریخی امام برده از ماهیت ریاکارانه دولت شریف امامی برداشته و با اعلام اینکه "تبدیل مهره به مهرای گناز اول با اسلحه فریب و ریکاری وارد میدان شده به امر شاه توطئه اغفال ملت و شگستن نهضت اسلامی است و باهدر دادن خون جوانان عزیز اسلام در این بازنده ساله... خواست ملت را باید از تظاهرات که در این چند ماهه میشود، بدست آورد... ملت ایران باید بداند که هیچ روحانی با دولت ظلم و استکبار ستمگر، آشتی نمیکند و نمیتواند بگند آشتی کردن، مسلط کردن دژخیمان شاه است برمال و جان و ناموس ملت... و جناحهای سیاسی و جنبه ها و نهضت های نخواهند آشتی کرد... که آشتی کردن به سارت کشیدن ملت وارذست دادن مصالح کشور است و سیایون چنین ننگی را نخواهند مرتکب شد... (از پیام ۲۳ رمضان ۹۷) آب پاکی بر روی دست شریف امامی و رژیم و استکبار و نیروها و عناصر - بیکه بدببال دموکراسی نیم بند و سازش با رژیم بودند ریخت. گروه هائی مثل جنبه ملی علیرغم ماهیت خواستهایش، از ترس طرد شدن، ضمن رد مذاکرات با دولت، شرط قبول حکومت موقت را در دولت نداشتن اعضای کابینه در جریانات ۲۵ ساله اخیر عنوان کرد. نهضت آزادی نیز خروج کشور از بن بست موجود را در استفسای شاه قلمداد کرده و تصریح نمود که با رفتن شاه، جاننیشان ایشان با عبرت از

بقیه در صفحه ۱۴

ستم را در جهان اسلام علیه برتری طلبی آمریکا، سرمایه داری و ارتجاع داخلی انجام بدهد. آیا مقامات مسئول درباره این واقعیت اندیشیده اند؟ اکنون خلقهای مسلمان منطقه چشم به ایران انقلابی، مسلمان نفعخیز! دوخته اند. همه خواهان کمک مادی و معنوی از این پدیده توطئه - که ادعای پیرو علی و ابوبکر بودند، دارند. مباد این ستمدیدگان تاریخ احساس کنند که در آمدن وقت هنوز صرف خرید اتوموبیل آمریکائی و اروپائی و پارچه ژاپنی و ترانزیستور و پودر آرایش و دیگر کالا های مصرفی لوکس میسر! آنها انتظار دارند که ایران نفعخیز، در آمد خود را در جهت کمک به انقلابیون ضد امپریالیست جهان و کشور - های فقیر بکارگیرد. بهمان اندازه که انقلاب ایران در جهان عظیم جلوه کرده، انتظار خلقها نیز عظیم است. سیاستمداران ایران، باید خود را آماده پیچیدن خط امام و رساندن کمک مادی و معنوی به خلقهای جهان کنند و در غیر اینصورت باید از صحنه سیاست کنار روند. انقلاب ایران هرگز نمیتواند در درون مرزهای خود بماند. این خیانتی است به اسلام و توده های مستضعف که از صدور این انقلاب جلوگیری کنیم. انقلاب، زمانی پویا میماند که با حفظ مواضع ضد استعماری - ضد استعماری خود در جهت آزاد کردن همه خلقهای زیر سلطه و محو طبقات استعمارگر در سطح جهان پیش رود.



کاسترو در مصاحبه اخیر خود با مجله آمریکائی تایم در مورد آینده انقلاب ایران اظهار داشت: انقلاب ایران از پشتیبانی نیروی مردمی بیکرانی برخوردار است این انقلاب توانست شاه را که قویترین و مجهزترین ارتشهای منطقه را داشت با دست خالی شکست دهد. ملت ایران با شجاعت بی نظیری جنگید و هزاران هزار شهید داد. من معتقدم که انقلاب ایران هم چنان جنبه های نیرومند مذهبی و ملی خود را حفظ خواهد کرد. (نقل از کیهان ۱۳ بهمن صفحه ۱۰)



قذافی بگذارید صریح بشما بگویم، هنوز موضعی که باید تمام تضادهای راد قلوب انقلاب ایران درهم بگوید و آنرا ریشه کن سازد، عملی نشده است. زمانی کلبه این تضادهای در انقلاب ایران محو شده و از بین خواهد رفت، که توده های مردم به قدرت برسند و قدرت خلق را استوار سازند و این قدرت را در جهت منافع ملت بکارگیرند. اگر تلاش شود که پارلمان بوجود آید (طبق مکتب کلاسیک) و اگر تلاش شود که دولت تشکیل دهد (طبق مکتب رایج کلاسیک) و اگر تلاش شود که همه سازمانهای سنتی برقرار گردد، به آنجا میرسد که ملت مجزا، تنها و محاصره شود. در آن زمان دست دارند و آنرا اجرا میکنند نه توده ها. این انقلاب را نمیتوان با قانون اداره و هدایت کرد، این انقلاب است که خود قانون خلق میکند. این قانون نیست که باید خود را به انقلاب تحمیل کند. ضد انقلاب زمانی نابود میگردد که توده های مردم مستقیماً قدرت را در دست گیرند و آنرا بدون واسطه اجرا کنند.

(نقل از اطلاعات ششم بهمن ۱۳۵۸ صفحه ۴)

تقویم انقلاب در آئینه زمان

بقیه از صفحه ۱۲

ملت ایران اعلام خطر میکنم. خطر اینکه دستگاه امنیتی و حشابه و ضد اسلامی را در سایر شهرهای ایران انجام دهد تا تظاهرات پاک مردم شجاع ایران را که با خون خود ریخته درخت اسلام را آبیاری میکنند، لوث نماید.

۵ شهریور ۵۷ - اعلام شد که تاریخ شمسی دوباره تاریخ رسمی کشور است.

۵ شهریور ۵۷ - بدینال اوکجهری وزارت خلق مسلمان ایران، با استعفاي دولت آموزگار، شریف امامی نخست وزیر میشود.

۵ شهریور ۵۷ - بدینال اسعفاي دولت تظاهراتی در قم برپا میشود.

۶ شهریور ۵۷ - تظاهرات، شهر تبریز را در برمیگیرد.

۷ شهریور ۵۷ - بدعوت شاه جلاد، هواکوفک صدر هیئت دولت جن کونیست وارد تهران میشود.

سوم شوال ۹۸ - بمناسبت عید سعید فطر در پیام امام خمینی آمده است که: باید در هر فرصت و برای هر حادثه اجتماعات خود را بیشتر درمساجد و محافل و فضاهای باز عمومی برپا نمائید و از قرآن کریم و عدالت اسلامی دفاع کنید.

۱۳ شهریور ۵۷ - با ترک میلیونها نفر بزرگترین نماز عید فطر و راهپیمایی میلیونی توده ها با شعار مرگ بر شاه برگزار شد.

۱۶ شهریور ۵۷ - تظاهرات گسترده و دامنه داری، شهر تهران را بوشاند.

۱۷ شهریور ۵۷ - بزرگترین ننگ رژیم جلاد پهلوی به ثبت رسید. روز جمعه با اعلام حکومت نظامی در تهران و ۱۱ شهر دیگر بمدت شش ماه وعدم اطلاع مردم، اجتماع گسترده توده های مبارز در میدان

شهادت بخون کشیده میشود و بیش از هزاران نفر شهید و مجروح میگردد و این روز بنام "جمعه سیاه" خوانده میشود.

۶ شوال ۹۸ - در پیام امام خمینی بمناسبت اعلام حکومت نظامی آمده است که: "چهره ایران امروز گلگون است و دلاوری و نشاط در تمام اماکن به چشم میخورد، آری این چنین است راه امیر مومنان علی علیه السلام و سرور شهیدان امام حسین، ای گاش خمینی در میان شما بود و در کنار شما در جبهه دفاع برای عدالت تعالی کشته میشد.

۱۹ شهریور ۵۷ - اعتصاب کارکنان صنعت نفت شکل گرفت.

۱۵ شوال ۹۸ - پیام امام خمینی بمناسبت زلزله طبرستان و زلزله و سیل و سایر عوامل شمارا از مسیر خود منحرف نکند و به تبلیغات اغفال کننده دستگاه شاه گوش ندهید و نهضت اسلامی را ادامه دهید.

۳ ذیقعد ۹۸ - بر اثر فشارها و محدودیتهائی که رژیم بعث عراق در مورد امام خمینی اعمال می کند، امام آن کشور را ترک و بسوی پاریس پرواز می کند. امام قبل از عزیمت به پاریس به ملت ایران یادآور میشود که: من در حال گرفتاریها و اشتغالات اخیر، اخبار ایران و قیام های بی دریبی نقاط مختلفه را مثل کرمانشاه و بعضی مراکز کردنستان و قتلگانهائی که بدست دژ خمیان شاه واقع شده می شنیدم و هم متأثر و متأسف بوده و هشتم هم امیدوار و سربلند. امیدوار به شجاعت ملت بزرگ و سربلند از فداکاری آنان در راه اسلام و مستضعفین.

۵ ذیقعد ۹۸ - بمناسبت آغاز سال تحصیلی جدید در پیام امام خمینی آمده است که: "هان ای عزیزان من، در محیط مدارس و دانشگاه ها و دانشسراها آگاهانه و متعهد بپا خیزید و بهمهم ببیوندید و برای نجات اسلام و کشور کوشش کنید و قبل از هر چیز عملاً از احکام پراخ اسلام که سعادت ملتها را بیمه نموده است، پیروی کنید.

۳ مهر ۵۷ - اعلام میشود که حزب رستاخیز منحل میشود.

۹ مهر ۵۷ - تظاهرات خونین در کرمانشاه، رضایه، همدان و... بیش از صدها شهید و مجروح برجای میگذارد.

۱۲ مهر ۵۷ - اعتصاب گسترده کارمندان دولت.

۱۳ مهر ۵۷ - امام خمینی عراق را ترک کردند.

۱۴ مهر ۵۷ - امام خمینی وارد پاریس شد.

۱۵ مهر ۵۷ - تظاهرات خونین در آمل و بابل.

۲۳ مهر ۵۷ - اعتصاب غذای زندانیان سیاسی.

۲۴ مهر ۵۷ - در جهلم شهدای جمعه سیاه، تعطیل عمومی سراسر ایران را فرا میگردد و مردم با اجتماع خود در بیست زهرا یاد شهیدان را گرامی میدارند.

۲۵ مهر ۵۷ - امام خمینی هرگونه سازش با دولت را رد کردند. اعتصاب در صنعت نفت اوج میگردد.

۳۰ مهر ۵۷ - تظاهرات خونین در بوسهر و اکثر نقاط ایران ادامه پیدا کرد.

۳۱ مهر ۵۷ - تظاهرات گسترده دانشجویان در دانشگاه صنعتی شریف واقعی و تظاهرات خونین در همدان.

اول آبان ۵۷ - اعتصاب محدود کارکنان رادیو تلویزیون و ادامه تظاهرات در همدان.

اول آبان ۵۷ - با تشکین مسجد جامع کرمان توسط مزدوران رژیم جلاد شاه، ۱ و ۲ آبان ۵۷ - تظاهرات واعتصابات عظیم دانشآموزان و برپائی نماز در دانشگاه.

۳ آبان ۵۷ - ادامه تظاهرات دانش آموزان در دانشگاه تهران.

۳ آبان ۵۷ - تظاهرات خونین در خرم آباد و کرگان. در همین روز ۱۱۲۶ زندانی سیاسی آزاد میشوند.

۴ آبان ۵۷ - تظاهرات شدید در دانشگاه تهران.

۴ و ۵ آبان ۵۷ - تظاهرات گسترده در زجان صورت گرفت.

۶ آبان ۵۷ - ادامه تظاهرات و اعتصابات مدارس و دانشگاهها.

۷ آبان ۵۷ - تظاهرات گسترده در تهران باعث استقرار رژیم پهلوی در خیابان شد.

۷ آبان ۵۷ - اعتصاب هزاران تن از کارگران صنعت نفت ادامه پیدا کرد.

۸ آبان ۵۷ - تظاهرات مسابقه در مشهد و تهران صورت گرفت و تظاهرات دانشآموزان و دانشجویان ادامه پیدا کرد.

۸ آبان ۵۷ - ادامه تظاهرات و اعتصابات در تمامی کشور، رژیم منحط پهلوی را بیش از پیش در تنگنا قرار میدهد.

۸ آبان ۵۷ - شب هنگام، پدر طالقانی و آیت الله منتظری از زندان آزاد شدند.

۹ آبان ۵۷ - تولید و صدور نفت بکلی متوقف شد.

۹ آبان ۵۷ - تظاهرات و اعتصابات شهر سنندج ادامه پیدا کرد.

۹ آبان ۵۷ - تظاهرات خونین در آذرشهر صورت گرفت.

۹ آبان ۵۷ - اولین جلسه همبستگی دانشگاهیان ایران برگزار شد. در پیام پدر طالقانی به هفته همبستگی دانشگاهیان ایران آمده است که: در همین حال لازم است از فرزند عزیز مهاجر و شهیدم دکتر علی شریعتی یاد کنم که در شکوفائی هرچه بیشتر مکتب اسلام و گسترش آن در میان جوانان سهم بسزائی دارد.

۹ آبان ۵۷ - تظاهرات خونین در سنندج.

۱۰ آبان ۵۷ - تظاهرات گسترده و با سکو مردم مبارز تبریز.

۱۰ آبان ۵۷ - دیدار بیش از صدها هزار تن از پدر طالقانی پس از آزادی از زندان.

۱۰ آبان ۵۷ - گسترده ترین اجتماع در دانشگاه تهران.

۱۳ آبان ۵۷ - تظاهرات دانشآموزان و دانشجویان در دانشگاه تهران بخون کشیده میشود و بیش از دهها تن شهید و مجروح میگردد.

۱۴ آبان ۵۷ - تظاهرات دامنه دار و گسترده در تهران به نشانه همبستگی با دانشجویان.

۱۴ آبان - امام خمینی در پیام خود به کارکنان صنعت نفت یادآور شدند که: سلام من و ملت ایران بر کارگران و کارمندان شرکت نفت ایران... اعتصاب شما هر روز و هر ساعتش با ارزش و گوینده است.

۱۵ آبان ۵۷ - با استعفاي دولت شریف امامی، کابینه ازهاری روی کار می آید.

۱۶ آبان ۵۷ - امام بمناسبت روی کار آمدن دولت نظامی یادآور شده که: دولت نظامی ایران غاصب و مخالف قانون است و بر ملت است که از آن اطاعت نکند.

۳ آذر ۵۷ - بمناسبت کشتار مردم مسلمان، بدست دولت نظامی در صحن وحرم امام رضا، امام خمینی در پیام خود یادآور شدند که: بر تمام طبقات ملت لازم است با هر وسیله ممکن بسقوط این دستگاه جبار قیام کنند. اطاعت این دستگاه اطاعت طاعت و حرام است.

۱۰ آذر ۵۷ - دهم آذر مصادف با اول ماه محرم بود. شب هنگام با ندای "اللهاکبر و لااله الاالله" بر فراز بامها تهران بلسرزه درمی آید و در همین شب مزدوران رژیم مرتکب جنایت دیگری در سرچشمه تهران میشوند و تعداد بسیاری از خواهران و برادران را شهید و زخمی میکنند.

۱۱ آذر ۵۷ - پدر طالقانی بمناسبت کشتار سرچشمه تهران در پیام خود یادآور

میتود که: در آستانه آغاز این ماه حرکت و تغییر انقلابی، رژیم جبار و سنگر ایران، دست به جنایتی تازه زد و در شب گذشته بی هیچ دلیلی مردم مسلمان را با خاک و خون کشاند. مردم تهران در سراسر صوت صدای رنگبار گلوله ها را می شنیدند.

۱۹ و ۲۰ آذر ۵۷ - بدعوت پدر طالقانی بمناسبت تاوغا و عاصوری حسینی، بیش از میلیونها نفر در سراسر ایران دست به راهپیمائی با شکوهی زدند و یاد شهیدان را گرامی داشتند.

۲۰ آذر ۵۷ - ظهر عاشورا در سالن ناهارخوری افسران در یادگان لویزان، توسط سربازی بیش از دهها نفر از مزدوران رژیم بجاگ می افتند.

اول دی ۵۷ - با سقوط حکوم نظامی ۴۵ روزه ازهاری، بختیار زمام امور را بدست می گیرد.

دوم دیماه ۵۷ - با گشایش محدد مدارس، تهران بار دیگر شاهد عظیم ترین تظاهرات بود.

۵ دیماه ۵۷ - استاد کاران نجات الیهی، مورد هدف مزدوران قرار گرفت و به درجه شهادت نائل آمد. (در حمله مزدوران به استادان منحصر).

۱۵ دیماه ۵۷ - در سراسر ایران، تظاهرات باوج خود میرسد.

۱۶ دیماه ۵۷ - اعلام شد که شاه جلاد برای استراحت به خارج از کشور میرود.

۱۶ دیماه ۵۷ - پس از ۶۱ روز از اعتصابات مطبوعات، اولین شماره روزنامه های تهران منتشر میشود. و در همین رابطه امام در پیام خود از مطبوعات که زیر بار دیکتاتوری و سانسور رفتند، تشکر کردند.

۱۷ دی ۵۷ - ادامه تظاهرات در اکثر خیابانهای تهران و سایر نقاط ایران.

۱۷ دی ۵۷ - شاه خائن اعلام کرد که اگر برای استراحت به خارج بروم، شورای سلطنت تشکیل میشود.

۱۸ دیماه ۵۷ - از طرف امام خمینی عزای عمومی اعلام شد.

۱۸ دی ۵۷ - تبریز بار دیگر در آتش و خون، یاد قیام ۲۹ بهمن را زنده کرد. در همین روز صدها هزار تن در استادیوم تختی اصفهان اجتماع کردند.

۱۸ دی ۵۷ - تظاهرات راهپیمائی های با شکوهی در تمامی نقاط ایران، بخاطر بزرگداشت یاد شهدا، برپا شد.

۲۶ دی ۵۷ - شاه جلاد به پناهه بیماری و استراحت، ایران را بسوی مصر ترک کرد و این اولین قدم پیروزی توده های مستضعف در مبارزه علیه سرنگونی رژیم شاهنشاهی بود. در همین روز سراسر ایران در جشن و سرور فرو رفت.

۲۷ دی ۵۷ - تظاهرات هزاران نفری در اهواز بخون کشیده شد.

۲۹ دیماه ۵۷ - بمناسبت اربعین حسینی و گرامی داشت شهدا، میلیونها نفر در سراسر ایران دست به تظاهرات راهپیمائی های با شکوهی زدند و خواهان بازگشت امام خمینی بایران شدند.

۲۹ دی ۵۷ - امام خمینی حاضر به پذیرفتن رئیس شورای سلطنت نشدند. ۴ بهمن ۵۷ - اشغال نظامی فرودگاه مهرآباد بخاطر جلوگیری از پرواز امام خمینی از پاریس به تهران.

۷ بهمن ۵۷ - تظاهرات گسترده و دامنه داری در تهران و شهرستانها بوقوع پیوست که در آن خواهان بازگشت امام خمینی بایران شدند.

۸ بهمن ۵۷ - تظاهرات در تهران، بخون کشیده میشود. ۹ بهمن ۵۷ - ادامه تظاهرات در غرب و جنوب تهران و هم چنین در سایر نقاط ایران.

۱۲ بهمن ۵۷ - ساعت ۹ و ۲۷ دقیقه صبح پس از ۱۵ سال دوری از وطن، امام خمینی به تهران وارد شد و فریاد "اللهاکبر فرودگاه مهرآباد را بلرزه درآورد. استقبال کنندگان از امام در ۳۳ کیلومتر تا بهشت زهرا، بزرگترین استقبال قرن را به یادگار گذاشتند.

امام خمینی در بهشت زهرا فرمودند که: "آی کسی که خودش از ناحیه خمین و از ناحیه شاه منصوب شده و همه آنها غیر قانونی هستند، میشود که قانونی باشد؟... من دولت تعیین میکنم، من نوبی دولت این دولت میزنم. من به پشتیبانی این ملت دولت تعیین میکنم... فقط آمریکا از او پشتیبانی کرده و فرستاده و به ارتش دستور داده که از او پشتیبانی کند. انگلیس هم از او پشتیبانی کرده و گفته که باید از او پشتیبانی بکنند. یک نفر آبی که نه ملت قبولش دارد و نه هیچیک از طبقات ملت قبولش ندارد."

۱۴ بهمن ۵۷ - توسط امام اعضای شورای انقلاب تعیین شدند.

۱۷ بهمن ۵۷ - آقای مهدی بازرگان از سوی امام خمینی به نخست وزیر ایران تعیین شدند.

۱۹ بهمن ۵۷ - سرمد ایسرا ن در راهپیمایی خود در سراسر ایران به آقای بازرگان رای اعتماد مشروط بحرکت در خدانقلاب و امام دادند.

۲۰ بهمن ۵۷ - با حمله نیروهای گارد مزدور به همافران نیروی هوائی در فرج آباد،

چهره تهران دگرگون میشود و گروهیهای زیادی از مردم یکم همافران می شنابند. ۲۱ بهمن ۵۷ - در اکثر نقاط ایران، نبردهای خونین و مبارزه مسلحانه توده ها با مزدوران رژیم به نوع بیوسد، یادگانها یکی پس از دیگری توسط مردم سقوط کرد و سلاحها بدست آنان افتاد. در بیست و دوم بهمن رژیم شاهنشاهی متلاشی شد و تمامی نهادهای بدست توده های مبارز فتح گردید.

۲۵ بهمن ۵۷ - اعلام پایان تمام اعتصابات از جانب امام - حمله به سفارت آمریکا.

۲۶ بهمن ۵۷ - ساعت ۱۲ نیمه شب، ۴ تن از ابادی مزدور آمریکایی بنامهای: نصیری، خسرو داد، رحیمی و ناجی توسط دادگاه انقلاب تیرباران شدند.

۲۹ بهمن ۵۷ - ورود تاریخی یاسرعات (ابوعمار) به خاک کشور بوا در ایران انقلابی ایرانی که سالها خلق محروم آن بخاطر آزادی فلسطین، شوریدماند و جنگیدماند. عرفات: به موشه دایان گفتم تو به آمریکا تکیه کن، من به ملت ایران.

اول اسفند ۵۷ - تیرباران ۴ زنیال مزدور دیگر، سرلشکر پرویز امینی افسار فرمانده تیپ لشکر گارد - سرتیپ معتمدی، کسی که به فرمان او قزویب به خاک و خون کشیده شد، سرتیپ ملک معاون معتمدی مزدور، سرتیپ حسین همدانیان، رئیس ساواک کرمانشاه.

با زکاتائی مجدد مدارس ایران با پیام امام خمینی. ۱۰ اسفند ۵۷ - ورود تاریخی امام به قم - کشف یک پایگاه جاسوسی آمریکا. ۲۱ اسفند ۵۷ - لغو پیمان ننگین و امیرالیستی "ستو".

۲۸ اسفند ۵۷ - حمله و اشغال یادگان سنندج. ۶ فروردین ۵۸ - بخاطر اعتراض به قرارداد کمب دیوید و موافقتنامه صلح مصر و اسرائیل، از سوی گروهی از دانشجویان عرب، سفارت مصر در تهران اشغال شد.

۶ فروردین ۵۸ - شرکت بکبارچه مردم در فرارندوم جمهوری اسلامی. ۱۲ فروردین ۵۸ - ورود اسف کا بوجی، عضو افتخاری الفتح به تهران - آمریکا سفیر خود (سولیوان) را از ایران فرا خواند.

۱۴ فروردین ۵۸ - سخنگوی دولت اعلام کرد: گروهی از امرای بازپسینه ارتش بگار دعوت می شوند.

دستگیری پویان وزیر بهداری کابینه؛ هویدا و عباس مهاجرانی، روحانی نماي خائن.

۱۵ فروردین ۵۸ - دستگیری عاملی تهرانی، وزیر اطلاعات و جهانگردی کابینه؛ شریف امامی و جواد ذبیحی مداح رژیم و روحانی نماي خائن.

۱۹ فروردین ۵۸ - اعدام انقلابی هویداری خائن، نخست وزیر ۱۵ ساله رژیم جنایت پشینه شاه.

۲۰ فروردین ۵۸ - اعدام ۳ تن از جنایت پیشگان رژیم مزدور و آمریکایی شاه، منوچهر آزمون وزیر کابینه، هویدا و شریف امامی سیهبد علی محمد خواجه نوری، فرمانده رکن سوم ارتش و سیهبدا میرحسین ربیعی، فرمانده نیروی هوایی.

۲۲ فروردین ۵۸ - اعدام عباسعلی خلعتیوری، وزیر امور خارجه - منصور روحانی، وزیر کشاورزی و آب و برق و مدیرعامل شهرک فرجاد - سیهبد حجت کاتانی، معاون نخست وزیر و سرپرست تربیت بدنی - غلامرضا نیکبی، شهردار ۸ ساله تهران و نماینده مجلس سنا - مهندس عبدالله ریاضی، رئیس مجلس شورای صدملی - سیهبهد ناصر مقدم، رئیس ساواک، معاون نخست وزیر و رئیس اداره دوم - سیهبهد محمد تقی مجیدی سرلشکر پاکرگان، رئیس ساواک، مسئول دستگیری امام در سال ۴۱ و ۴۲ و مسئول حمله به مدرسه قیضه و قتل عام طالب انقلابی این مدرسه - سرتیپ حسین بیات، نماینده مجلس شورای صدملی و فرمانده عملیات سرکوبی عناصر مستضعف خوزستان - سرلشکر علی نشاط، فرمانده گارد جاویدان و عامل قتل عام و سرکوبی تظاهرات مردم تهران و علی وحیدی، سناتور مجلس سنا و نایب التولبه مدرسه سپهسالار.

۲۷ فروردین ۵۸ - دکتر سنجابی وزیر امور خارجه از پست خود استعفا داد.

۳۰ فروردین ۵۸ - دیدار امام و پدر طالقانی در قم.

سوم اردی بهشت ۵۸ - ترور سرلشکر قزویی اولین رئیس ستاد ارتش جمیع سوی اسلامی.

چهارم آری بهشت ۵۸ - راهپیمائی عظیم برای بزرگداشت روز کارگر. ۱۰ اردی بهشت ۵۸ - ترور آیت اله مطهری، عضو شورای انقلاب.

۲۴ اردی بهشت ۵۸ - لغو قرارداد ننگین "کاپیتولاسیون".

۲۹ اردی بهشت ۵۸ - مراسم سالگرد هجرت معلم شهید انقلاب، شریعتی در دانشگاه تهران.

۳ خرداد ۵۸ - تظاهرات عظیم میلیونی علیه امیرالیسم آمریکا در سراسر ایران.

امت

۵ خرداد ۵۸ - آقای هاشمی رفسنجانی از ترور جان سالم بدر برد. هفت خرداد ۵۸ - عاملان کشتار برجسته تیرباران شدند. ۱۵ خرداد ۵۸ - تظاهرات عظیم و سراسری برای بزرگداشت ۱۵ خرداد. ۱۶ خرداد ۵۸ - ایران سفیر آمریکا را تپی بدیدود.

۱۹ خرداد ۵۸ - اعلام قانون ملی کردن بانکها.

۲۶ خرداد ۵۸ - متن کامل پیش نویس قانون اساسی منتشر شد. - امام: با اعدام جنایتکاران منافع سناي آمریکا به خطر افتاده.

۲۷ خرداد ۵۸ - امام: در باره قانون اساسی تصمیم نهایی با ملت است.

۲۹ خرداد ۵۸ - تحلیل با شکوه از معلم شهید شریعتی.

۳ تیر ۵۸ - دو شکنجه گر ساواک (آرش و تهرانی) تیرباران شدند.

۴ تیر ۵۸ - سرکتهای بیمه ملی اعلام شد.

۱۴ تیر ۵۸ - فرمان انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی صادر شد.

۱۵ تیر ۵۸ - هشدار پدر طالقانی: دشمن انقلاب لبخند می زند.

۱۷ تیر ۵۸ - امام: خیال می کنند با جراعانی می شود امام زمان را راضی کرد.

۲۱ تیر ۵۸ - حادثه مرگبار قطار تهران - مشهد.

۲۲ تیر ۵۸ - شهر مریوان توسط ابادی مزدور به آتش و خون کشیده شد.

۲۶ تیر ۵۸ - راهپیمایی وحدت در سراسر ایران برگزار شد.

۳۰ تیر ۵۸ - دهها هزار نفر بر مزار شهدای ۳۰ تیر اجتماع کردند.

۱۰ مرداد ۵۸ - وزیر صنایع و معادن اعلام کرد که ۸/۵ میلیارد تومان اعتبار به صنایع بخش خصوصی اختصاص یافت.

۱۲ مرداد ۵۸ - انتخابات مجلس خبرگان برگزار شد.

۱۴ مرداد ۵۸ - پدر طالقانی در دیدار با هیئت کوبایی: در واقع هر انقلاب علیه ظلم، علیه استبداد، علیه استثمار، در هر جای دنیا که باشد از نظر ما یک انقلاب اسلامی است.

۱۶ مرداد ۵۸ - امام در پیامی برای ملت، خواستار کمک به خوارت دیدگان انقلاب شدند.

۱۷ مرداد ۵۸ - امام ضمن پیامی آخرین جمعه ماه رمضان را "روز قدس" نامیده و در این پیام از تمامی مسلمانان جهان دعوت کرد که طی مراسمی همبستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان فلسطین اعلام نمایند.

۲۵ مرداد ۵۸ - امام خمینی بمناسبت روز قدس در پیامی برای ملت اعلام کرد که: "اسرائیل دشمن بشریت و دشمن انسان است که هر روز غائله بپا می کند." ۲۶ مرداد ۵۸ - بیش از میلیونها نفر در سراسر ایران به نشانه همبستگی با حقوق حقه فلسطینیها در "روز قدس" راهپیمایی کردند.

امام ضمن اخطار شدید به دولت، اعلام کرد: "مآییم به تهران و بارو، سایی که مساحه می کنند انقلابی عمل می کنم." ۲۸ مرداد ۵۸ - گشایش مجلس خبرگان و سالگرد با تشکین سینما رکس آبادان.

۴ شهریور ۵۸ - ترور حاج مهدی عراقی، فرزندش و حاج مهدیان، مسئولین مؤسسه کیهان.

۱۱ شهریور ۵۸ - دهها میلیون رسال اموال ایران در آمریکا ضبط شد.

۱۴ شهریور ۵۸ - قرارداد های امتسی ایران و فرانسه لغو میگردد.

دو دفتر خبرگزاری آسوتیتدیرس در ایران تعطیل شد.

۱۷ شهریور ۵۸ - تظاهرات عظیم و سراسری برای بزرگداشت شهدای گلگون کفن ۱۷ شهریور. ۱۸ شهریور ۵۸ - پدر طالقانی خواستار تشکیل شوراها شد.

سا لروز شهادت مهدی رضایی سا شرکت هزاران نفر برگزار شد.

دو شنبه ۱۹ شهریور ۵۸ - رحلت جانگداز پدر طالقانی، ابودر زمان و مالک اشتر دوران.

یکشنبه ۲۵ شهریور ۵۸ - در شب هفت پدر طالقانی، یار وفادار امام، میلیونها نفر گریستند.

۲ مهر ۵۸ - محسن خواجه نوری - حمشید اعلم و سرلشکر مطبوعی، ۳ ساتور خائن تیرباران شدند.

هشتم مهر ۵۸ - پیام امام به زائران خانه خدا: "جهان اسلام بدست آمریکاسا گرفتار است."

۱۶ مهر ۵۸ - همکار آذری قمی دادستان کل انقلاب، دستگیر شد، او متهم بدریافت ۲ میلیون تومان رشوه شد.

۱۷ مهر ۵۸ - در فاجعه خونین کردنستان ۵۲ پاسدار شهید شدند.

۲۴ مهر ۵۸ - صدور نفت ایران به فیلبین قطع شد - امام: سزان مسلمان عرب باید متحد شوند.

ضرورت حمایت همه جانبه از دانشجویان پیرو خط امام در مقابل توطئه سازشکاران

بنام خدا

"مستضعفان همه" بلاد و ممالک باید حق خودشان را بامتح محکم بگیرند منتظر نباشند آنها حق آنها را بدهند، مستکبرین حق آنها را نخواهند داد"

دانشجویان عزیز پیرو خط امام برادران و خواهران مبارز در چند روز اخیر شاهد اوج گیری مخالفتها و حملات سخت و دور از منطق و انصاف نسبت به شما از جانب عناصر وابسته به جریان هتیم که افشاگرهای شما ماهیت سازشکارانه وضد انقلابی آنها را نزد خلق فاش ساخت.

مردم دریافتند که در طول ۲۵ سال گذشته در کنار حرکت انقلابی و ضد امپریالیستی واصل توده یک جریان لیبرالیستی سازشکار نیز وجود داشته است که هدفش صرفاً مبارزه با استعداد شاه از طریق جلب حمایت و همکاری محافل امپریالیستی امریکا بوده است این جریان هرگز با سلطنت و با امپریالیسم ضدیت نداشته است و هرگز در مبارزه، روی قدرت توده ها حساب نمیکند و جز در چهارچوب قوانین رژیم و آزادیهای اعطایی کارتر حاضر به مبارزه نبود و پشت با مبارزه قهر آمیز و مسلحانه توام با خشونت خلق علیه رژیم و امریکا مخالفت میکردند. این جریان در رابطه و تماس نزدیک با محافل امریکایی سعی میکردند مبارزه انقلابی مردم برهبری امام خمینی را که هدفش واژگون کردن سلطنت و قطع سلطه امریکا و برقراری حکومت اسلامی بود از مسیر خود منحرف ساخته با اصلاح برحران را ضمن سازش با رژیم و امریکا حل کنند.

سختگویی این جریان که در گرماگرم مبارزات خونین خلق طرفدار حکومت آشتی ملی علی امینی یا بختیار بودند و با آنان سرو سر و مذاکره و سازش داشتند ناجوانمردانه و نامردانه بودند که پیروزیهای خونبار ملت را آنان با زحمت و تلاش زیاد و با خواهش در پیشگاه امریکایی ها و ضمن چانه زدن با دلالانی چون سلیمان و دیگر مقامات امریکایی ماه موران سیا بدست آوردند. آنان کمترین نقشی برای مبارزات خونین خلق و رهبری قاطع و سازش ناپذیر امام خمینی قائل نیستند گاش لاقول رئیس دولت لیبرال و سختگوی برجسته این جریان سازشکار صحنه های پیکار مقدس و خونین و جنگهای خیابانی و مقاومت حماسه آفرین خلق را در این شهر روی صفحه تلویزیون نشا میگرد - صحنه هایی که هرگز در آن روزها خود و دوستانشان با چشمان خویش

تاهد نمودند - تا از اینکه حاصل این مجاهدتها، اعتصابات، آتش سوزیها، شهادتها را بحساب درایت و فداکاری خود در مذاکرات با امریکائیکها و زرنگی در چانه زدن با آنها نگذارند و از اینکه در برابر ملتی که خود شاهد و درگیر آن مبارزات خونین و مقاومتها و جنگهای مسلحانه و قیام های تودهای بوده است و یادستهای خوش هزاران شهید را در آغوش خاک دفن نموده است اینچنین با انقلاب خلق و رهبری قاطع آن امام خمینی توهین روا میدارند و بیبروری را اهدائی دوستان امریکائیشان معرفی میکنند احساس شرمساری نمایند.

برادران و خواهران مبارز اکنون جریان سازشکاری که افشاگرهای شما نقاب تزویر از چهره شان کنار زد و ماهیت واقعی آنان را بر خلق نمودار ساخت زخم خورده با استفاده از بیماری رهبر ملت، امام خمینی، حملات سختی را علیه شما آغاز کرده بانکبه بر مسائل بوج و غیره - واقعی حقایق را مسخ و محدود میسازند ولی همچنانکه میلیونها مردم مبارز وطن ما بارها از اقدام شما حمایت کرده اند و با اصرار خواهان ادامه افشاگری بوده اند اکنون هم بشما اطمینان میدهم که خلق مبارز و مسلمان ما شما را در ادامه کارتان نایند میکند و افشا کامل همه اسناد موجود در لایحه جاسوسی امریکا را خواهند است.

با اعتقاد ما هیچ مرجع و مقامی بیش از ملت انقلابی ایران برای آگاه شدن از این اسناد صلاحیت ندارد. خلق مبارز ما آماده اند تا بار دیگر حمایت خود را از عمل انقلابی شما علیه امپریالیسم امریکا و سازشکاران داخلی و عوامل وابسته بدان اعلام کنند. ما از مشکلاتی که شما در داخل و در میان خود با آن روبرو هستید و از فشارهاییکه از جانب عوامل لیبرال و مرتجع شما وارد میشود بخوبی آگاهیم اما رسالت شما در ادامه راه اصل انقلاب که اولویت دادن به مبارزه علیه شیطان بزرگ و پایگاههای داخلی آن است ایجاب نمیکند تا علیه هم همه فشارها و تهدیدها بی تزلزل و سازش ناپذیر به مبارزه ضد امپریالیستی خود ادامه دهید. با اعتقاد ما میلیونها مردمی که بارها به مبارزه ضد امپریالیستی و برنامه افشاگری شما رأی اعتماد داده اند تصمیم اخیر شورای انقلاب را داور بر منع انتشار و نمایش برنامه افشاگری از رادیو - تلویزیون محکم میکنند و هماهنگ با امام خمینی معتقدند که این دستگاه باید در خدمت ملت و انقلاب باشد نه در انحصار یک مقام خاص. ما بانا امیدواریم که خطر عمده ایکه از جانب لیبرالیسم و ارتجاع وابسته بدان انقلاب ایران را تهدید میکند برهمه نیروهای انقلابی فرض میدانیم که با تمام قوا علیه این خطر بیاخیزند و هر مصلحت دیگری را تحت الشعاع این هدف عمده قرار دهند.

جنبش مسلمانان مبارز ۱۹ بهمن ماه ۵۸

انتشارات جنبش .. بقیه از صفحه ۴

نیروهای جوان مسلمان انقلابی را با این سرا گرفته و میرفت تا جدائی "مکتب" از "جهاد" را بدنیال خود بیاورد. در این شرایط جنبش مسلمانان مبارز اقدام به انتشار تحلیلهای سیاسی - مکتبی از جویانات سیاسی کرد که تحت عنوان "مکتب و جهاد" در ۴ شماره منتشر گردید و امید است در آینده نزدیک بصورت مجموعه ای واحد در دسترس مسلمانان مبارز قرار گیرد.

۵- امپریالیسم چیست؟ پس از پیروزی مردم، بر استبداد کودتا، هیا نظریه که امت و امام نیز طی تظاهرات پر شور خود اعلام می کردند "توبت امریکا" فرا رسیده بود. جنبش مسلمانان مبارز برای اینکه بتواند تصویری بسیار کوتاه آماروش بویژه برای غنچه های تازه شکفته انقلابی ما و کارگران مبارز، از واژه سلطه اما ناشناخته امپریالیسم بدست دهد نوشته کوتاهی را بعنوان مدخل بحث در "امپریالیسم" در قطع جیبی منتشر ساخت - گرچه این معرفی کوتاه تنها آغازی بود بر پایان سکوت خلق قهرمان ما در برابر جنیم امپریالیسم. این جزوه با همه کوچکی خود تاکنون بارها تجدید چاپ شده است.

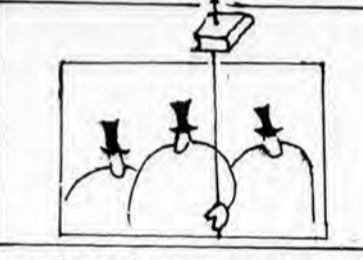
ع- تجارت بین المللی، عامل سرکوب و خفقان از همان آغاز انقلاب اسلامی ایران، جنبش مسلمانان مبارز نسبت به پایگاههای داخلی امپریالیسم جهان خوار و کائالهای استعماری آن با خلقهای تحت ستم موضع آشتی ناپذیر گرفتار است. "تجارت بین المللی"

بنام خدا
پس از اعلام خبر آزادی ناصر میناجی و نیز تصویب شورای انقلاب مبنی بر عدم پخش افشاگرهای دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، از صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، دانشجویان مسلمان مدرسه عالی پارس تصمیم به تعویق انداختن امتحانات بهم منظور اعتراض به این عمل شورای انقلاب گرفت که این عمل با حمایت دیگر گروههای دانشجویی مواجه شد، و چون در همین زمان ناصر میناجی در حسینیه ارشاد مصاحبه مطبوعاتی داشت راه پیمائی اعتراض آمیزی با حمایت و شرکت گروههای مختلف دانشجویی بطرف محل مزبور انجام گرفت. شعارهاییکه از طرف دانشجویان داده میشد: درود بر خمینی، مرگ بر امریکا، تکیه بر آمریکا، خیانت است به ملت خط امام و امت، نبرد با آمریکاست نایودی آمریکا، پیروزی خلقهاست لیبرال سازشکار، افتخار باید گردد دانشجوی خط امام افشاکن افشاکن، لیبرال سازشکار را رسوا کن رسوا کن

برخورد فرصت طلبانه با سخنرانی برادر دکتر بیمان

نیروهاییکه در اثر رشد بیداری خلق و اوج گیری مبارزه انقلابی و ضد امپریالیستی و متمایز شدن خط اصل حرکت امام خمینی، از خطوط غیر اصل و خمینی نما دچار تزلزل و از هم پاشیدگی شده اند، منظور تحکم مجدد موقعیت خویش به مخدوش کردن خطوط فکری سیاسی اصولی با جریانات غیر اصولی برداختند. چاپ قسمت هایی از سخنرانی برادر دکتر بیمان در دانشگاه تهران در یکی از روزنامه های صبح تهران به همین منظور انجام شده است. اگر به مواج گذشته این روزنامه که ارگان حزب خاصی است و برخورد آن با جنبش مسلمانان مبارز و نشریه امت وهم چنین چاپ سخنان بعضی از افراد معلوم - الحال در آن علیه دکتر بیمان رجوع شود، صحت برداشت فوق تأیید میشود.

در هر صورت راه و روش ما روشن است و مبارزه بی امان ما دور از هر مصلحت گرایی و بازیهای سیاسی و حرکتهای غیر اصولی با دشمن اصلی امپریالیسم و پایگاه عمده آن لیبرالیسم و متحدین آن ارتجاع و سرمایف داری وابسته همانند گذشته سازش ناپذیر ادامه خواهد یافت.



امت (م) ابراز کرده بود به همراه مقدمه ای در قالب مجموعه ای ۴۸ صفحه ای و قطع جیبی منتشر نمود. این مجموعه اگرچه تمام و آخرین سخن جنبش مسلمانان مبارز درباره ارتش وابسته میباشد لکن اولین گام و فتح باب آن بشمار میرود.

۹- پیشنهاد قانون اساسی جمهوری اسلامی پس از انتشار طرح پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از آنجا که جنبش مسلمانان مبارز سخت نگران ابعاد مکتبی - سیاسی این قانون بود مواضع خود را در مورد مفاد اصلی آن طی مجموعه ای تدوین و چاپ رسانید. این مجموعه بقطع رقمی و در ۴۴ صفحه منتشر گردید و گذشته از آن طی جلسات عمومی و مصاحبه ها و سخنرانیهای متعددی، برخی مفاد آن بکرات شگافته شد.

۱۰- گزارش وقایع اخیر بندر انزلی. بموازات توطئه های ضد انقلاب که ناشی از ضعف بینشی و مکتبی برنامه های دولت موقت سازشکار و شورای غیر انقلابی بود جنبش مسلمانان مبارز خود را موظف می دید نسبت به جریانات یاد شده بی تفاوت ننماید. حقیقت را در برابر کسب وجهه قربانی ننماید. مواضع جنبش مسلمانان مبارز در قبال جریانات مختلف بنیادی و موضعی چون تریز، کردستان و... بصورت بیانیه ها و اعلامیه ها و تحلیلهای ابراز شده اما از آنجا که مورد بندر انزلی از ناخواندانه ترین موارد حرکت فرصت طلبان از طرفی و حرکت غیر انقلابی و بی مسئولانه سولین امر از طرف دیگر بوده و گذشته از آن، بعلت حساسیت خاصی برادران و خواهران ما نسبت به آن، نتیجه تلاش دسته جمعی برادران و خواهران بصورت مجموعه ای تحت عنوان یاد شده در ۳۰ صفحه و بقطع جیبی جمع آوری و منتشر گردید.

ادامه دارد



آزادی میناجی در حسینیه ارشاد

جاسوسی اعلام داشته و حملات لیبرالیسم را به حرکت انقلابی دانشجویان محکوم ساختند و بار دیگر لیبرالیسم را بعنوان حاسی امپریالیسم که همراه ارتجاع سد راه انقلاب شده اند، نام برده شد.

سیرانقلاب در پیامهای امام

بقیه از صفحه ۱۴

امپریالیسم آمریکا که روز بروز در مقابل اراده خلق و قاطعیت و سازش ناپذیری امام بر صفت و ناتوانی خود بی میبرد، موزرانه عقب نشسته و با اعزام هوپرز به ایران تشکیل شورای سلطنت و اعلام بی طرفی ارتش، بختیار خائن را که از وجهه ملی و پشتوانه مبارزاتی برخوردار است روی کار میاورد هر چند که بسیاری از لیبرالها و نیروهای طرفدار قانون اساسی و بسیاری از کسانیکه تبلور خواسته های خود را در روی کار آمدن بختیار می دیدند، روی موافق نشان داده، و بحیال خام خود در صدد برآمدند تا با جلب نظر امام، نهضت انقلابی مردم را منحرف کرده و به سازش با امپریالیسم بکشانند. اما حکومت بختیار ریزش علیرغم کوشش های فراوان محافل امپریالیستی و نیروهای لیبرال در مقابل اراده امام و مردم تاب مقاومت نیاورد.

علیرغم فشارهای فراوان از سوی امپریالیسم و لیبرالها، امام بسوی ایران حرکت کرده و از نزدیک به رهبری جریانات برداخت. امام در سخنرانی تاریخی خود در بهشت زهرا به تشکیل دولت اشاره کرده و گفت "من دولت تشکیل میدهم. من توی دهن این دولت میزنم. من با پشتیبانی شما ملت دولت تشکیل میدهم." بندر بی با اوج گیری مبارزات و تسخیر بعضی از پادگنهای ارتش دولت بختیار کنارت رفت. اما متاسفانه بدلیل فقدان نیروی پیشاز و منسجم انقلابی - مکتبی جنبش فساد نشد خلا قدرت را با عناصر انقلابی و ورزیده پرکند، چیزیکه از همان اوان شخص بود که هر تغییر در جامعه، بدلیل فقدان پیشاز در خدمت رفرمیست ها قرار میگرفت. با اشغال مراکز عمده قدرت توسط لیبرالها و عناصر غیر مکتبی و غیر انقلابی رشد انقلابی متوقف گردید. دولت و سایر مراکز قدرت چون توانائی حرکت پایبندی توده انقلابی را نداشتند، کاهش شور انقلابی و حتی توقف آنرا برای هماهنگ کردن توده ها با خود در صدر برنامه های خود قرار دادند. و بیک تمام اراده های دولتی بخصوص مراکز آموزشی در جهت فروکش کردن شور انقلابی توده ها و جلوگیری از ایجاد شور شور انقلابی بکار برداختند و نتیجه آن شد که دیدیم و خواهیم دید.

هموطنان مبارز لطفاً وجوه نشریه امت و همچنین کمکهای مالی خود را به حساب جاری ۴۰۰ بانک صادرات شعبه شماره ۲۸۶۴ خیابان استاد مطهری چهارراه مبارزان واریز و یک نسخه از فیش کمک مالی را بدفتر امت ارسال دارید.

هفته نامه امت شماره ۴۲ دوشنبه ۲۲ بهمن ۱۳۵۸ سال اول زیر نظر: شورای نویسندگان امت خیابان بهار شمالی نهب خیابان نامجو ۸۲۴۹۸۴ - ۸۲۴۹۸۱ چاپ: شرکت است سهام عامه

گذشته بقانون اساسی و حقوق و حیثیت مردم تمکین نمایند. با باز شدن مدارس و دانشگاهها مبارزات شکل گسترده و متشکل میگردد. و در حالیکه بعضی از نیروها و عناصر مستاصل نگران از حرکت انقلابی و مبارزاتی دانش آموزان جوان در جهت خواباندن این موج نوین انقلابی بودن امام با فرستادن پیام تاریخی خود (طولانی ترین پیام امام) نه تنها در جهت تأیید و گسترش این حرکت رشد یابنده برآمده و خواستار تحرک و جنبش مبارزاتی آنان در سر کلاسها میشوند، بلکه درخواست های ابتدائی و مقدماتی جنبش را نیز در پیام به این نسل انقلابی که بدور از مصلحت گرایی های شخصی و گروهی و... صادقانه در جهت انقلاب جان می یازند در میان نهاده اعلام میدارد که تا برچیده شدن نظام مفسور شاهنشاهی و استقرار آزادی و استقلال و حکومت عدل و اسلامی به نهضت خود ادامه خواهیم داد و یکبار دیگر دست رد بر سینه گسائیکه چه بصراحت و چه بوسیله طرحی که لازمه اش بقای نظام شاهنشاهی و خیانت به اسلام و قرآن و طرد آنان را ضروری میداند و تصریح میدارد که "فرقی نیست بین موافقین دولت و آنانکه با فرصت طلبی و فریبکاری خود را بصورت مخالف در آورده اند و بیغریب برخاسته اند و آنانکه دم از انتخابات آزاد و عمل بقانون اساسی میزنند. زیرا تمام اینها کوشش دارند با این نمه های شیطانی شاه را حفظ کنند... و اینکه رشد و استقلال و آزادی یا وجود دخالت اجنبی از هر جنب و مکتب و مسلک در هر امری از امور کشور اعم از سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و نظامی خواب و خیالی بیش نیست. و هر کس... چه با صراحت و چه بوسیله طرح هاییکه لازمه اش ادامه تسلط اجنبی (یا ایجاد تسلط تازه باشد خائن به اسلام و کشور است و احتراز از او لازم است" (از پیام امام خمینی بمناسبت آغاز سال تحصیلی) بدین ترتیب می بینیم که امام با تأکید بر وحدت کلمه و تداوم نهضت با حفظ اصول و موازین مکتبی و اجتناب از وابستگی های سیاسی و نظامی و... و با اتکالی به نیروی لایزال خلق درصدد ارائه یک راه سومی است که با تکیه بر موازین و اصول انقلابی اسلام و بدون تکیه بر هیچ نیروی خارجی و حفظ اصالت های مکتبی و فرهنگی عملی است. و این در تمام پیام های امام موج میزند.

بختیار آخرین تیور ترکش شاه